**شناسنامه کتاب شب های بی قراری**

**ویژه رمضان 93**

**نام کتاب: شب های بی قراری ـ ویژه رمضان 93**

موضوع: گزیدة اشعار و نوحه های ماه مبارک رمضان

ناظر کیفی: محمد فراهانی

گردآورنده: ایمان مقدم

پیاده سازی متون: مسعود علیجانی

ناشر: انتشارات ندای ملکوت به سفارش کانون مداحان یاس کبود

طراح جلد: علیرضا زهره وند

صفحه آرا: مجید اکبر زاده

تیراژ: 2700جلد

شابک: 8 ـ 47 ـ6993 ـ600 ـ 978

نوبت و تاریخ چاپ: اول ـ 93

قیمت: 15000تومان

مرکز پخش: تهران ـ بزرگراه بسیج ـ خ شهید رحیمی ـ سازمان بسیج مداحان ـ مدیریت آموزش

تلفن : 35947738 ـ 021

روابط عمومی : 09127027457

نمابر : 33239719 ـ 021

سامانه پیام کوتاه : 660000026

صندوق پستی : 1781813113

نشانی الکترونیکی [yasekabood.org@gmail.com](mailto:yasekabood.org@gmail.com)

نشانی سایت: www.[yas135.com](http://www.yas135.com) www.[yas135.ir](http://www.yas135.com)

**پیشگفتار**

میهمانی نزدیک است، صدای پای عرش خدا شنیدنی است، و مومنان مشغول آمادگی برای این ضیافت الهی هستند. دوباره نوای یا علی یا عظیم نواخته می شود. سلام بر ماه خدا... و دوباره رمضان با نسیم دلربای خودش دل عاشقان را مست عطر و بوی دلربای خود می کند. هزار مرتبه شکر که در میان خیل بندگان و رهپویان ما را هم به میهمانی دعوت کردند. کتاب «شب های بی قراری» برگ سبزی است تحفه ی درویش به محضر فرزانه مولایمان حضرت صاحب الامر(علیه السلام) و نائب بر حقش امام خامنه ای.

این کتاب شامل شش بخش کلی می باشد:

* **اصول فنی**
* **در محضر اساتید**
* **برگی از تاریخ** که شامل پنج فصل می باشد:

1. مناجات نامه
2. غمخوار پیامبر(صلی الله علیه و آله)
3. سبط اکبر
4. لیله القدر
5. اول مظاوم عالم

* **بیانات رهبری در دیدار با مداحان**
* **اشعار منتخب** **مناسبت های** **مذهبی** که دارای نه فصل می باشد:

1. مناجات با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
2. مناجات با خدا
3. وفات حضرت خدیجه (علیه السلام)
4. ولادت امام حسن(علیه السلام)
5. مدح امیرالمومنین(علیه السلام)
6. شب نوزدهم
7. شهادت امیرالمومنین (علیه السلام)
8. شام غریبان
9. وداع با ماه مبارک

* **اشعار منتخب بصیرتی**
* **گلچین مجالس مداحان** که شامل ده فصل می باشد :

1. مناجات
2. وفات حضرت خدیجه
3. ولادت امام حسن(علیه السلام)
4. شب نوزدهم
5. شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)
6. شام غریبان
7. سینه زنی علوی
8. سینه زنی حسینی
9. زمزمه
10. نکات ناب

* **سبکهای یاس کبود**

لازم به ذکر است :

* بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .
* بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .
* همچنین قسمت گلچین مجالس، از روضه و سبکهای سینه زنی که توسط مداحان اهل بیت(علیهم السلام)در ایام رمضان سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.
* متن جزوه به ترتیب مناسبت های شبهای ماه رمضان می باشد.
* قسمت نکات ناب جهت استفاده ذاکرین از جوانب متفاوت روضه از دیدگاه اساتید تهیه گردیده است.
* بخش اصول فنی گزیده ای از دروس تدریس شده توسط کربلایی محمد فراهانی می باشد.
* بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در اجتماع عمومی مجمع یاس کبود می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه شعبان در اختیار عزیزان قرار گیرد.
* بخش سبکهای یاس کبود، از سبکهای تولیدی اعضای مجمع یاس کبود تهیه گردیده است.

**نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:**

1. هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:

* دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبت های ایام رمضان
* در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد

1. اشعارمتوسط و قوی به صورت توأمان دراین مجموعه ملاحظه خواهدشد.
2. صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.
3. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون مداحان ياس كبود**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**وصیت نامه شهدا**

**شهید احمد شول شهید شاخص سال 93 سازمان بسیج مداحان**

دل حرم خداست و در حرم خدا غیر از خدا وارد نمی شود، و هر وقت دلها گرفت با یاد خدا دل ها را روشن نمایید، و اگر غیر از خدا را به دل راه دهید همه غمها و ناراحتی ها او را می گیرد و انسان را به طرف نابودی می کشد. خداوندا ما را لحظه ای به حال خودمان وا نگذار.

**شهيد محسن پورقاسمي**   
كساني كه به ولايت امام اعتقاد ندارند بر جنازه من حاضر نشوند، سلام مرا به رهبر عزيزم، پدر يتيمان برسانيد و به خانواده شهدا بگوييد كه تا آخرين قطره خونمان صحنه هاي نبرد حق عليه باطل را ترك نخواهيم كرد، و با خداوند پيمان مي بنديم كه در تمام عاشورا و كربلاها، حسين زمان را تنها نگذاريم، و سنگرها را خالي نخواهيم كرد و تا هنگامي كه پرچم لااله الا الله در تمام جهان به اهتزاز درنيايد و احكام اسلام و قرآن در زير پرچم توحيد و اسلام به اجرا درنيايد، ساكت نخواهيم نشست.

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**بخش اول؛ اصول فنی**

**ترس**

آيا مي­خواهيد از شر ترس از شنوندگان رهايي يابيد؟

بگذاريد به بررسي عوامل به وجود آورنده آن بپردازيم ؛ در ابتدا بايد بدانيد که «ترس زاده ناتواني و ترديد است.»به عبارت ديگر سرچشمه ترس مطمئن نبودن به خود است. با يادگيري دقيق محتويات لازم در مداحي مي توانيد بر ناتواني غلبه کنيد و با کسب تجربه و وارد ميدان عمل شدن مي توانيد بر ترديد غلبه نماييد.

**راههای مقابله با ترس**

1. تجسم شنوندگان
2. تشکيل گروه تمرين با همکلاسان
3. هيآت آموزشي
4. **تجسم شنوندگان**

در موقع تمرين يك عده از شنوندگان را روبروي خود مجسم كنيد. شنوندگان را چنان مجسم كنيد كه وقتي واقعا با آنها روبرو شديد احساس كنيد كه اين حالت را بارها حس كرده­ايد و با يك تجربه قديمي روبرو هستيد.

1. **تشکيل گروه تمرين با همکلاسان**

در صورت امكان با ساير افراد، كلاسهاي تمرين تشكيل دهيد كه هر هفته يك شب به طور فوق العاده در يك جا جمع شويد و به خواندن يكديگر گوش دهيد و يا در خانه خودتان براي افراد خانواده خود بخوانيد.

1. **هيآت آموزشي**

هر کلاس آموزشي خوب است يک هيأت آموزشي هم داشته باشد. اين هيأت بايد زير نظر يکي از ارشدهای کلاس که به درجه مداحي رسيده است اداره شود. در اين هيآت، مستمعين همان اعضاي کلاس هستند و اعضاء، مطالب آموخته شده را طبق برنامه در آن پياده مي نمايند و در پايان جلسه، توسط ارشد رفع اشکال صورت مي گيرد.

پس از اينکه اعضاي کلاس در اين هيآت به حداقل نمره قبولي در زمينه هاي مختلف مداحي رسيدند ، مي توانند در آن زمينه به مداحي رسمي در هيآت بپردازند. مثلا کسي به نمره قبولي در نوحه خواني رسيد در همان زمينه به فعاليت رسمي مي پردازد و همزمان در زمينه هاي ديگر در هيأت آموزشي فعاليت مي کند تا به نمره قبولي برسد و به همين ترتيب در تمام زمينه ها به تبحر لازم مي رسد. در غير اين صورت قبل از گرفتن نمره قبولي خواندن ، مداحي رسمي جايز به نظر نمي رسد چراکه ما در قبال وقت مستمعين مسئوليم. طبيعي است که مسئوليت و برنامه ريزي اين هيآت آموزشي به عهده اساتيدي است که مسئول کلاسهاي آموزش مداحي مي باشند.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش دوم؛ پای درس اساتید**

**معنای دعا را بدانیم**

دعا از ناحیه معصوم (علیه السلام) وارد شده است برای اینکه انسان معرفت پیدا کند، اگر کسی دعا را کامل نخواند نباید تقاص پس بدهد، ولی اگر دعا را کامل بخوانی و معنای آن را ندانی و ندانی چه خوانده ای، آن وقت شاید از تو جواب بخواهند. نمازی که معنایش را نفهمید فقط ادای وظیفه کرده اید ولی هیچ امتیازی برای شما ندارد، ولی اگر بفمهمی امتیاز دارد. همین که نماز را می خوانی و می رسی به «**ایاک نعبد و ایاک نستعین**» اگر همراه با جمله معنا را در خودت القا کنی ـ خدایا فقط از تو کمک می خواهم و تو را عبادت می کنم ـ نمازی را خواندی ارزش دارد، به وظیفه خود عمل کرده ای، به شما یک امتیاز می دهند و یک قدم هم جلو تر می برندت. دعای کمیل هم برای این است که انسان به عمل، ذلت وحقارت خودش اعتراف کند ضمن اینکه گناهانش را هم یاد آوری کند و تصمیم بگیرد که دیگر گناهانش را تکرار نکند؛ این یعنی دعای با معرفت، بهتر است همه را با هم جمع کنیم و خیلی هم طول ندهیم.

**معنویت مداح**

چیزی که در کارهای ما از همه مهمتر است و اولویت دارد معنویت کار است، چیزی که برای ما مهم است معنویت و معرفت ماست، توجه داشتن به اینکه نوکر هستیم و نوکر چه خانواده ای هستیم، پس ما باید در شان این خانواده نوکری کنیم، در شان این خانواده لباس بپوشیم، در شان این خانواده ریش بگذاریم و در شان این خانواده باید با مردم رفتار کنیم، عرف کار را باید رعایت کنیم و چیزی را که مردم از یک مداح نمی پسندند نباید انجام دهیم؛ مداح اهل بیت وقتی با زن وبچه اش جایی می رود باید همه از او درس بگیرند و الگو برداری کنند؛ مداح باید به عنوان یک الگوی تقوا و فضیلت شناخته شود ما نباید هم رنگ جماعت باشیم، جماعت باید با ما هم رنگ شوند؛ مداح وقتی بسم الله می گوید باید مرم از طریق او یاد امام حسین بیافتند؛ مرحوم حاج ناظم وقتی جلوی مردم می ایستاد و به مردم نگاه می کرد مردم زار زار گریه می کردند.

**چگونه معنویت خود را بالا ببریم؟**

* برای اینکه معنویتمان بالا برود وتقویت شود باید از اهل بیت مدد بگیریم.
* امامزاده هایی که در تمامی شهر ها هستند، اولیای خداوند و فرزندان اهلبیت(علیهم السلام) هستند، به زیارتشان برویم.
* دستوراتی که داده اند مانند غسل جمعه و ... انسان را پالایش می کند.
* سعی کنیم اگر در زندگی ده خطا داریم، در مدت یک ماه خطاهایمان را به هشت تا برسانیم و به مرور زمان خطاها را از بین ببریم.[[1]](#footnote-1)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش سوم؛ برگی از تاریخ**

**فصل اول؛ مناجات نامه**

**داستان مرد کفن دزد!**

در بحار الانوار باب الخوف الرجاء مرحوم علامه مجلسى دارد: در بنى اسرائیل مردى بود كه كفن دزدى مى كرد، او همسایه اى داشت كه او را می شناخت. یك روز مریض شد و ترسید بمیرد و كفن او را بدزدد، برای همین خاطركفن دزد را طلبید و به او گفت : من چطور همسایه اى برای تو بودم ؟ كفن دزد گفت : خوب همسایه اى بودى . گفت: از تو یك درخواست دارم ؟ گفت: بفرمائید! من در خدمت شما هستم، هركارى دارى انجام می دهم. مرد همسایه رفت و دو كفن آورد و گفت : هر كدام را دوست دارى و بهتر است برای خودت بردار تا مرا در كفن دیگر بپوشانند و چون مرا دفن كردند قبر مرا نشكاف و مرا برهنه نكن . كفن دزد نپذیرفت و گفت این حرفها چیست؟ من خدمت گذار شما هستم . ولى مرد همسایه با اصرار كفن بهتر را به او داد و رفت.مرد همسایه از دنیا رفت و دفنش كردند. كفن دزد گفت مرده كه شعورى ندارد كه بفهمد من خُلف وعده با او كرده ام ، می روم و كفن او را می دزدم . پس قبرش را شكافت و چون خواست او را برهنه كند، صیحه ی شدیدى شنید كه می گوید: این کار را نکن! از ترس او را برهنه نكرد و قبرش را پوشانید و تا هنگام مردن پشیمان و ناراحت بود، یك روز كه در حال احتضار بود و فرزندانش دور بسترش جمع شده بودند گفت: اى فرزندان من! من چطور پدری برای شما بودم ؟ گفتند : خوب پدرى بودى گفت: پس یك در خواستى از شما دارم و آن هم اینست كه هروقت از دار دنیا رفتم، بدنم را آتش بزنید و خاكسترم را به باد دهید، نصفى را در دریا و نصفى را در صحرا بریزید؛ زیرا من گناهى كرده ام كه شاید خدا به خاطر این كار از سر تقصیر من در گذرد، در حالى كه من توبه كرده ام اما نمى دانم مورد قبول قرار گرفته یا نه. بچه هایش اول قبول نمى كردند ولى با اصرار موافقت كردند. كفن دزد مُرد و بچه هایش به ناچارى جسدش را آتش زدند و طبق وصیتش عمل نمودند، خداوند متعال خاكسترهاى متفرقه بدن او را جمع نمود و زنده اش كرد و فرمود: چه چیز سبب این شد كه تو چنین وصیتى كردى ؟ گفت: به عزت و جلالت قسم ترس از عذابت مرا بر این وصیت وادار نمود.

خداوند متعال خطاب فرمود: من هم بخاطر این كار تو را بخشیدم و ترس تو را به امن مبدل كردم و طلب كارانت را راضى خواهم كرد.[[2]](#footnote-2)

**یا صانعَ کُلِّ مَصنوع!**

شهید آیه اللّه دستغیب در كتاب استعاذه اش مى گوید: پس از آنكه حضرت نوح (علیه السلام) نفرین كرد و همه كفار غرق شدند ملكى در پیش او ظاهر شد. شغل حضرت نوح (علیه السلام) كوزه گرى بود، كوزه هائى از گِل درست مى كرد و پس از خشك كردن مى فروخت. ملك كوزه ها را یكى یكى از حضرت نوح (علیه السلام)مى خرید و پیش چشمش آن را خُرد مى كرد و مى شكست. حضرت نوح(علیه السلام) ناراحت شد و به او اعتراض كرد كه این چه كاریست مى كنى ؟ گفت : به تو مربوط نیست، من خریده ام و اختیارش را دارم.حضرت نوح(علیه السلام) فرمود: بله ولی من آنرا ساخته ام ، مصنوع من است ، ملك گفت: كوزه هائى ساخته اى ، نه اینكه خلق كرده اى ، اینك من كه آن را مى شكنم، آنوقت تو ناراحت مى شوى؟ چطور نفرین كردى كه این همه خلق خدا هلاك گردند، در حالى كه خدا بنده را خلق كرده و آنها را دوست دارد، پس از این قضیه از بس گریه كرد، نامش را نوح گذاشتند.[[3]](#footnote-3)

**إنّ الله یُحبُّ التَّوّابین**

آورده اند که كسى كه گمشده اش را بعد از مدتها پیدا كند و یا تشنه اى كه بعد از تحمل سختی و رنج فراوان به آب مى رسد، چقدر خوشحال مى شود. خدا هم وقتى ببیند بنده اش توبه كرده است، خیلی بیشتر از یک فرد گمشده یا تشنه خوشحال مى شود؛ زیرا خدا وند متعال بنده اش را خیلى دوست دارد.[[4]](#footnote-4)

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل دوم؛ غمخوار پیامبر(صلی الله علیه و آله)**

**بانوی بی بدیل**

پیامبر اكرم(صلی الله علیه و آله)در مورد همسر گرامى خویش مى‏فرماید: «خدیجه(علیها السلام) زنى بود كه چون همه از من روى مى‏گردانیدند، او به من روى مى‏كرد و چون همه از من مى‏گریختند، به من محبت و مهربانى مى‏كرد و چون همه دعوت مرا تكذیب مى‏كردند، به من ایمان مى‏آورد و مرا تصدیق مى‏كرد. در مشكلات زندگى مرا یارى مى‏داد و با مال خود كمك مى‏كرد و غم از دلم مى‏زدود.

امیرالمؤمنین به پاس خدمات آن پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و همسر فداکارش حضرت خدیجه(علیها السلام) به جهان اسلام اشعارى جانسوز سروده و در بخشى از آن حزن و ماتم قلبى خویش را بیان داشته است:

اعینى جودا بارك الله                                      على هالكین لا ترى لهما مثلا

على سید البطحاء وابن رئیسها                              و سیدة النسوان اول من صلى

مهذبة قد طیب الله خیمها                                   مباركة والله ساق لها الفضلا

فبت اقاسى منهما الهم والثكلا                          مصابهما ادجى الى الجو والهواء[[5]](#footnote-5)

«اى چشمان من! احسنت ‏بر شما، در فراق آن دو بزرگوارى كه نظیر ندارند اشك بریزید. بر سرور سرزمین بطحاء و فرزند رئیس آن و بر بانوى بانوان كه نخستین نمازگزار بود.

آن بانوى پاكدامنى كه خداوند خصلت‏هاى او را پاكیزه كرده است. بانوی مباركى كه خداوند برترى را به سوى او رانده است .مصیبت این دو عزیز فضا را بر من تیره و تار ساخته و از این پس شب‏ها را در اندوه و حزن این دو سر مى‏كنم.»

**بی تابی حضرت زهرا(علیها السلام)در غم مادر**

هنگام رحلت‏ حضرت خدیجه(علیها السلام) دخترش فاطمه (علیها السلام) كه در حدود پنج‏ سال داشت،‏ شدیدا بى‏تابى مى‏كرد و به دور پدر بزرگوارش مى‏چرخید و مى‏گفت: « پدر جان! مادرم كجاست؟ حضرت جبرئیل نازل شد و فرمود: یا رسول‏ الله! خداوند مى‏فرماید: سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده كه مادرش خدیجه در خانه‏هاى بهشتى با آسیه و مریم زندگى مى‏كند.

این دختر پاكیزه، هنگام رحلت مادر وقتى احساس كرد كه حضرت خدیجه (علیها السلام) شدیدا در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت است و نگران تنهایى و بى‏یاورى حضرت رسول(صلى الله علیه و آله)می باشد، به مادرش دلدارى داده و گفت: «یا اماه! لاتَحزَنى ولا تَرهَبى فَانَّ اللهَ مَع أبى[[6]](#footnote-6)؛ ـ مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش، زیرا خداوند یار و یاور پدرم مى‏باشد ـ

**توجه عمیق حضرت خدیجه(علیها السلام) به نیازهای عاطفی فرزندان**

در ایام بیمارى خدیجه(علیها السلام) كه به مرگ وى انجامید، روزى اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه(علیها السلام) را گریان و ناراحت مشاهده كرد و به او دلدارى داد و گفت: تو از بهترین زنان عالم محسوب مى‏شوى، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدى، تو همسر رسول گرامى اسلام (صلى الله علیه و آله)هستى و بارها تو را به بهشت‏ بشارت داده است. با این همه چرا گریان و نگران هستى؟ خدیجه(علیها السلام) فرمود: اسماء! من در فكر این هستم كه دخترم هنگام ازدواج نیاز به مادر دارد تا نگرانى‏ها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته‏هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه كوچك است، مى‏ترسم كسى نباشد كه متكفل كارهاى وى در هنگام عروسى شود و برایش مادرى كند. اسماء بنت عمیس گفت: اى بانوى من! نگران نباش، من با تو عهد مى‏كنم كه اگر تا آن موقع زنده ماندم به جاى تو براى فاطمه مادرى كنم و نیازهاى روحى و عاطفى وى را برطرف نمایم .

بعد از وفات خدیجه (علیها السلام) هنگامى كه شب ازدواج حضرت فاطمه(علیها السلام) فرا رسید، پیامبر اكرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: همه زن‏ها از اتاق عروس خارج شوند و كسى در آنجا باقى نماند. همه رفتند، اما پیامبر اكرم(صلی االه علیه و آله) متوجه شد كه هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقى مانده است. فرمود: آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت: چرا یا رسول‏الله! من شنیدم و قصد مخالفت ‏با فرمایش شما را نداشتم، ولى عهد من با خدیجه(علیها السلام)مرا بر آن داشت كه در این‏جا بمانم؛ چون با خدیجه (علیها السلام)پیمان بسته‏ام كه در چنین شبى براى فاطمه(علیها السلام)مادرى كنم[[7]](#footnote-7).

حضرت رسول اكرم (صلی الله علیه و آله) با شنیدن این سخن به گریه در آمد و فرمود: تو را به خدا سوگند براى این كار ایستاده‏اى؟ اسماء عرض كرد: آرى. پیامبر(صلی الله علیه و آله)دست ‏به دعا برداشته و براى اسماء بنت عمیس دعا كرد.[[8]](#footnote-8)

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل سوم؛ سبط اکبر**

**شرح ولادت**

وقتى خبر ولادت امام مجتبى(علیه ‏السلام) به گوش پیامبر گرامى اسلام (صلی الله علیه و آله) رسید، شادى و خوشحالى در رخسار مبارك آن حضرت نمایان شد. مردم شادى ‏كنان مى‏آمدند و به پیامبر (صلى الله علیه و آله) و على و زهرا (علیهماالسلام) تبریك مى‏گفتند، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت[[9]](#footnote-9).

پیامبراكرم (صلى الله علیه و آله) در روز هفتم ولادت، گوسفندى را عقیقه و قربانى كرد و در هنگام كشتن گوسفند، این دعا را خواند: « بسم الله عقیقة عن الحسن، اللهم عظمها بعظمة و لحمها بلحمه شعرها بشعره اللهم اجعلها وقاء لمحمد و آله[[10]](#footnote-10)» ـ بنام خدا این عقیقه‏اى است از جانب حسن، خدایا! استخوان عقیقه در مقابل استخوان حسن، و گوشتش در برابر گوشت او خدایا! عقیقه را وسیله حفظ محمد و آل محمد قرار ده ـ

سپس پیامبر اكرم (صلى الله علیه و آله) موهاى سر او را تراشید و فاطمه زهرا (علیهاالسلام) هم وزن آن به مستمندان درهم‏ نقره سكه‏ دار انفاق نمود[[11]](#footnote-11). از این تاریخ آیین عقیقه و صدقه به وزن موهاى سر نوزاد مرسوم شد .

**پاسخ جالب امام حسن(علیه ‏السلام)**

امام حسن(علیه ‏السلام) دوست بذله گو و شوخ طبعی داشت که گهگاه خدمت آن حضرت می رسید و با سخنان خود مایه شادی آن بزرگوار را فراهم می ساخت. مدتی بود که او به امام سر نمی زد تا آنکه که یک روز نزد حضرت آمد. امام(علیه السلام)فرمود: «حال و احوالت چگونه است؟» مرد پاسخ داد: نه چنانم که خدا دوست می دارد، نه چنانم که شیطان دوست می دارد و نه چنانم که خودم دوست می دارم. امام حسن(علیه السلام) از این حرف خنده اش گرفت و با تعجب پرسید: چرا؟ مرد گفت: زیرا خدا دوست دارد که از او اطاعت کنم و نافرمانی اش نکنم که چنین نیست. شیطان هم دوست دارد که مدام نافرمانی خدا کنم و اصلاً اطاعت نکنم که چنین نیز نیستم و گاهی حرف خدارا گوش می دهم. خودم هم دوست دارم که هرگز نمیرم، ولی چنین نیز نیستم و روزی باید بمیرم. همان جا مردی برخاست و از امام (علیه السلام) پرسید: ای پسر رسول خدا! چرا ما از مرگ بدمان می آید و آن را دوست نمی داریم؟ حضرت فرمود: «شما آخرتتان را خراب و دنیایتان را آباد کرده اید و برای همین، رفتن از جای آباد به جای خراب را خوش نمی دارید.[[12]](#footnote-12)»

**یک شاخه گل!**

روزی کنیزی شاخه گلی به امام حسن مجتبی (علیه السلام) هدیه کرد.امام هم گل را گرفتند و فرمودند: «تو در راه خدا آزاد هستی! انس بن مالک می گوید : به امام عرض کردم ای پسر رسول خدا براستی به خاطر اهدای یک شاخه گل ناچیز او را آزاد کردید؟ امام فرمودند: خداوند در قرآن می فرماید: «وَ إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها[[13]](#footnote-13)» ـ هرگاه به شما تحیت گفته شد پاسخ آن را بهتر از آن بدهید ـ و نیکوتر از هدیه او، آزادی وی در راه خدا بود[[14]](#footnote-14).

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ لیله القدر**

**شب قدر، بزرگترین سند امامت و ولایت اهل بیت(علیهم ‏السلام)**

روایات فراوانی وجود شب قدر را در هر زمان دلیل لزوم امامت و بقای آن دانسته ‏اند، لذا سوره قدر به منزله شناسنامه اهل‌بیت (علیهم‏السلام) شمرده شده است كه به برخی روایات اشاره می‏شود:

علی (علیه ‏السلام) فرمود: «به حقیقت شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در آن شب نازل می‏شود و به راستی برای آن امر صاحبان امری است.» عرضه شد آنان چه كسانی هستند؟ فرمود: «اَنَا وَ اَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبی اَئِمَّةً مُحَدَّثُونَ[[15]](#footnote-15)» ـ من و یازده امام از نسل من كه همه امامانی محدَّث می‏باشند ـ ( ملائكه را نمی‏بینند ولی صدای آنها را می‏شنوند)

و در برخی روایات آمده كه خود ولایت امیرالمومنین (علیه ‏السلام) و ائمه (علیهم ‏السلام) جزء تقدیرات آن شب است و دستور داده‌‏اند آری، بقای شب قدر دلیل محكمی است بر بقای امامت و بقای امامت هم حیات و زنده بودن مهدی(عجل الله تعالی فرجه)  را اقتضا می‏كند و حیات مهدی(عجل الله فرجه) هم نشانه حیات مذهب پیشتاز و همیشه در صحنه تشیّع است. لذا اسلام اصیل و قرآن تا ابد زنده است. از اینجا روشن می شود كه شب قدر، یعنی شب ولایت و امامت.

**ویژگی های شب قدر**

**بخشش گناهان**

یكی دیگر از ویژگی‌های شب قدر بخشش گناهان و عفو عاصیان و مجرمان است، لذا باید تلاش نمود تا این فیض عظمای الهی شامل حال انسان شود. وای به حال انسانی كه در شب قدر مورد غفران الهی قرار نگیرد؛ چنان كه پیامبر اكرم (صلی الله علیه و آله) می‏فرمود: «كسی كه در شب قدر به پاخیزد و آن شب را از روی ایمان و محاسبه بیدار باشد، گناهان گذشته‌‏اش بخشوده می‏شود.[[16]](#footnote-16)»

**نزول قرآن**

نزول جامع‏ترین، كامل‏ترین و ماندگارترین كتاب الهی بر عظمت و منزلت شب قدر افزوده است. قرآن خود می‏گوید: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی اُنْزِلَ فیهِ الْقُرْانَ[[17]](#footnote-17)» ـ ماه مبارك رمضان ماهی است كه در آن قرآن نازل شده است ـ اما در چه شبی از شب‌های آن ماه، قرآن نازل شده است؟ آیه دیگر بیان می‏كند كه «اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةٍ مُبارَكَةٍ[[18]](#footnote-18)» ـ به راستی، قرآن را در شبی پر بركت نازل كردیم ـ و این شب مبارك را در سوره قدر مشخص فرموده كه «اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْر[[19]](#footnote-19)ِ» ـ به حقیقت ما قرآن را در شب قدر فرود آوردیم ـ پس باید گفت نزول قرآن در چنین شبی بر عظمت آن می‏افزاید. این نكته را هم اضافه كنیم كه این نزول، نزول دفعی است بر قلب رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) نه نزول تدریجی كه آغاز آن با آغاز بعثت یعنی بیست و هفتم رجب همراه است.

**تقدیر امور**

در نام‏گذاری شب قدر بیان‌های مختلفی وارد شده است: برخی آن را به معنای شبی با عظمت و بزرگ «لَیْلَةُ الْعَظَمَه[[20]](#footnote-20)»گرفته‌‏اند؛ چرا كه قدر در قرآن به معنای منزلت و بزرگی خداوند آمده، در آیه‏ای می‏خوانیم: «ما قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ[[21]](#footnote-21)» ـ قدر ندانستند و خدا را آنگونه كه حقّ عظمت او بود نشناختند ـ

قرآن كریم می‏فرماید: در آن شب «یُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكیمٍ[[22]](#footnote-22)» ـ هر كاری بر طبق حكمت خداوند جدا و تعیین و تنظیم می‏گردد ـ

امام صادق (علیه‏ السلام) فرمود: «التَّقْدیرُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ تِسْعَةُ عَشْرٍ، وَالاِْبْرامُ فی لَیْلَةِ اِحْدی وَ عِشْرینَ وَالْاِمْضاءُ فی لَیْلَةِ ثَلاثَ وَ عِشْرینَ[[23]](#footnote-23) » ـ تقدیر امور و سرنوشت‌ها در شب قدر، یعنی شب نوزدهم، تحكیم آن در شب بیست و یكم، و امضا ‏آن در شب بیست و سوم صورت می‏گیرد ـ

**سهم ما در شب قدر**

سهم ما در این شب چیست؟ همین که فرمودند عبادت در یک شب معادل با عبادت در هزار شب است،‌ مال این است که ما را عبادت در آن شب تحریک کنند. نتیجه عبادت چه می شود؟پاک کردن روح؛ ما هم به همان اندازه که آن شب عبادت می‌کنیم ،‌ روحمان قداست و پاکی پیدا می‌کند؛ چون در آن شب آنچه که هسته مرکزی و ملاک شب قدر است،‌ طهارت روح آن امام و پیغمبر است. بنابراین کاری کردند ما هم در آن شب بیش از سایر اوقات کاری کنیم که روح ما هم پاک شود. هر مقدار در آن شب کار کردیم روح پاک می‌شود.

فلذا با این بیان همه مسلمان‌ها را در شب قدر به کار واداشته‌اند. انواع و اقسام عبادت‌ها،‌ توبه‌ها،‌ دعاها انجام می‌گیرد. هر کدام از آنها سهمی در پاک کردن روح ما دارد. روح ما با خوردن و خوابیدن پاک نمی‌شود، با پول زیاد در آوردن پاک نمی‌شود، با چیزهایی که خدا دستور داده پاک می‌شود. بنابراین این همان چیزهایی است که شب قدر همه مشغولند.[[24]](#footnote-24)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ اول مظلوم عالم**

**خبر از شهادت علی(علیه السلام)**

قبلا پیامبر (صلی الله علیه و آله) از شهادت امیرالمومنین خبر داده بود، و خود امیرالمومنین (علیه السلام) نیز آن را می دانست و بارها از آن خبر داده بود: روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود:«یاعَلِیُّ اَشقَی الاَوَّلینَ عاقِرُ النّاقَه، وَاَشقَی الاخَریِنَ قاتِلُکَ وَفِی رِوایَهٍ مَن یَخضِبُ هذِهِ مِن هذا» ـ ای علی! شقی ترین پیشینیان همان کسانی بود که ناقه صالح را کشت، وشقی ترین فرد از آخرین قاتل تو است و در روایتی آمده که او کسی است که محاسنت را باخون فرق سرت خضاب کند[[25]](#footnote-25) ـ

**رویای صادقانه**

امام حسن(علیه السلام) روز نوزدهم رمضان که سحر آن به فرق مقدس علی(علیه السلام) ضربت زدند فرمود: شب گذشته در همین مسجد کوفه پدرم به من فرمود: پسرم من نماز شب را خواندم و سپس خوابیدم، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را در خواب دیدم و از وضع خودم و سستی اصحاب در امر جهاد شکایت کردم، آن حضرت به من فرمود: « اُدعُ اللهَ اَن یُریحَکَ مِنهُم فَدَعَوتُ اللهَ » ـ دعا کن و از خدا بخواه تا تو را از دست آنها راحت کند، من هم همین دعا را کردم[[26]](#footnote-26) ـ

**فرزندان امیرالمومنین(علیه السلام) در کنار بستر آن حضرت**

هنگامی که امیرالمومنین(علیه السلام)بستری شد، فرزندانش یک یک آمدند و به دست و پای پدر افتادند و قدم مبارک او را می بوسیدند و می گفتند: پدر جان این چه حالی است که از شما مشاهده می کنیم؟ کاش مادرمان زنده بود و ما را تسلی می داد. کاش در مدینه کنار قبر جدمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)بودیم و درد دل خود را به آن حضرت می گفتیم: آه از غریبی و یتیمی... آه جانسوز و شیون جانکاه آنها به گونه ای بود که هر کس می شنید بی اختیار گریه می کرد.

امیر مومنان(علیه السلام)یکایک آنها را به آغوش می گرفت و می بوسید و می فرمود: صبر کنید من نزد جد شما محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله)و مادر شما می روم. من در این شبها در خواب دیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله)با آستین خود غبار از چهره ام پاک کرد و می گفت: ای علی! آنچه بر تو بود به جای آوردی. این خواب دلالت دارد که نقاب جسم را از پیش روی جانم بر خواهند داشت. در نقل دیگر آمده علی (علیه السلام) در بستر بود. فلذا نگاهش به حسین (علیه السلام) افتاد و فرمود: «یا اَباعَبداللهِ اَنتَ شَهِیدُ هذِهِ الاُمَّهِ فَعَلَیکَ بِتَقوَی اللهِ وَ الصَّبرِ عَلی بَلائِه» ـ ای حسین! تو شهید این امت هستی بر تو باد به تقوا و صبر بر بلای الهی[[27]](#footnote-27)ـ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش چهارم؛ بیانات رهبری در دیدار با مداحان**

**جامعه ی مداحی باید در کشور تحول ایجاد کند**

برادران عزیز! این سنّت مدّاحی شیوه‌ی مدّاحی و ستایشگری خاندان پیغمبر ـ که افتخار بزرگی است ـ در بین جامعه‌ی ما خوشبختانه رواج پیدا کرده است، ریشه‌دار شده است، قبلها بود، امّا محدود بود؛ امروز این سفره، گسترده شده است؛ این میدان، باز شده است. افراد زیادی امروز در سرتاسر کشور با استفاده از ذوق و هنر و انواع و اقسام شیوه‌های بیانی، در این عرصه مشغول فعّالیّتند؛ خب، این می شود یک فرصت. هر فرصتی همراه است با یک مسئولیّت؛ وقتی شما نتوانید با کسانی مخاطبه بکنید، مسئولیّتتان در یک حد است؛ وقتی توانستید مخاطبه کنید، طبعاً فراتر از حدّ شخصی و به اندازه‌ی حوزه‌ی توان تَخاطُب،مسئولیّت گسترش پیدا می کند. شما که می توانید با مردم حرف بزنید، با [هنر](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2578) شعر و صدا و آهنگ می توانید با مردم مخاطبه کنید، این مسئولیّت‌آور است. همه‌ی این فرصتها و امکانات، همراه خود دارای یک مسئولیّتی هستند؛ این مسئولیّت را باید خوب بتوانید ادا کنید. اگر جامعه‌ی مدّاح کشور آنچنان‌که شایسته‌ی این رُتبَت و این مقام است بتواند مسئولیّت خود را ادا کند، تحوّلی در سطح کشور اتّفاق می‌افتد.

**تاثیر عجیب یک قطعه شعر در مداحی**

من مکرّر عرض کردم، گاهی یک قطعه‌ی شعر که شما در یک مجلسی می خوانید، آن را خوب ادا می کنید، وقتی یک قطعه‌ی پر مغزِ خوش‌مضمونِ آموزش‌دهنده و آموزنده‌ای است، گاهی از یک سخنرانی دو ساعته، سه ساعته‌ی ما تأثیر آن بیشتر است؛ گاهی این‌جور است؛ خب، این خیلی فرصت خوبی است.

**نقش موثر مداحان در شکل گرفتن نظام اسلامی در حکومت جهانی**

اگر این هزاران عنصر ستایش‌گر و مدّاح و خواننده‌ی مذهبی که در سراسر کشور، در مجالس، در محافل، با مردم مخاطبه می کنند و می خوانند، حدود و ضوابط این کار بزرگ را درست رعایت بکنند، شما ببینید چه اتّفاقی می‌افتد. دشمنان ما از صدها وسیله، با صدها زبان، با انواع و اقسام کارها، در صدد تخریب اعتقاد، تخریب عمل، تخریب مسیر هستند؛ در نظام جمهوری اسلامی در درجه‌ی اوّل، و در دنیای اسلام در درجه‌ی بعد. خیلی از آحاد مردم می فهمند، می‌بینند، می دانند کارهایی را که دشمن دارد میکند، کانال‌های تلویزیونی، شبکه‌های رادیویی، انواع و اقسام شیوه‌های ارتباطی جدید الکترونیکی و غیره؛ یک چیزهایی هم هست که ما بیشتر اطّلاع پیدا می کنیم، آحاد مردم نمی دانند چه کارهای پیچیده‌ای دارد در کشور ما برای انحراف افکار آحاد مردم، برای تغییر مسیر حرکت این ملّت، برای به زانو درآوردن اسلام انجام می گیرد، برای الگو نشدن جامعه‌ی شیعه و معارف شیعه در دنیای اسلام، خیلی کارها دارد می شود.[[28]](#footnote-28)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش پنجم؛ اشعار منتخب مناسبت های مذهبی**

**فصل اول؛ امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)**

محمدعلی بیابانی

ای کاش ببینیم همه ی ماه نهان را

همراه طلوع تو شروع رمضان را

با تلخی اشک غمت افطار نمودیم

از مسجدمان تا که شنیدیم اذان را

چندی ست که چشمان زمین بی تو ندیده ست

از باد صبا آن نفس مشک فشان را

تلخند زبان ها بگذار از تو بگویند

تا نام تو تغییر دهد طعم دهان را

قلبی که ز خاک کف پاهای تو دور است

صد سال نخواهیم برایش ضربان را

هر گاه که با تو به مناجات نشستیم

یک بار هم احساس نکردیم زمان را

گیریم که از دیدن تو چشم بپوشیم

آقای دل ما! چه کنیم این دلمان را ؟

امسال رسیدیم که از سفرۀ زینب

بر دست گدایان بدهی لقمه نان را

خون گریۀ روز و شبت از غصۀ زینب

باعث شده در کام بگیریم زبان را

برگرد که از کوفه نه، از کرب و بلا نه

از شام بپرسی سبب قد کمان را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمدعلی بیابانی

خورشید پشت ابر! نشانی به ما بده

ای ماه! مژدۀ رمضانی به ما بده

مثل نسیم صبح از این جا گذر کن و

باد صبای مشک فشانی به ما بده

بی کس تر از همیشه رساندیم خویش را

آواره ایم... جا و مکانی به ما بده

از بس که در پی همه غیر از تو بوده ایم

از پا نشسته ایم... توانی به ما بده

از سفره ای که وقت سحر پهن می کنی

مانده غذا و خوردۀ نانی به ما بده

"با روضۀ حسین نفس تازه می کنیم"

روضه بخوان دوباره و جانی به ما بده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم نعمتی

برای دیدن روی تو ناله ها دارم

خوشم اگر چه غریبم ولی تو را دارم

تمام سوز دل من ز ناله های شماست

ز درد هجر تو سوز ی در این صدا دارم

گدائی در این خانه آبروی من است

به نام توست اگر ذره ای بها دارم

به نامۀ عملم نیست جز گناه گناه...

ولی به وقت سخن کوهی ادعا دارم

الا امیر سحر ای مسافر صحرا

امید وصل تو را بین هر دعا دارم

به کام خویش چشیدم غم جدایی را

نشان رحمتی از یار آشنا دارم

مرا میان قنوت سحر مَبر از یاد

که احتیاج شدیدی بر این دعا دارم

به آه نیمه شب تو قسم عنایت توست

اگر زبان مناجات با خدا دارم

بیا و نامه اعمالِ من مرور نکن

که بر جبین عرق شرم از شما دارم

بدست خود بده خرج زیارت ما را

هوای بوسه ای از خاک کربلا دارم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

دل بسته ام مرا ز سر خویش وا مکن

از من مرا جدا کن و از خود جدا مکن

هرگز نگویمت که بیا دست من بگیر

گویم گرفته ای ز عنایت رها مکن

من با تو پیش از آمدنم آشنا شذم

ای آشنا مفارقت از آشنا مکن

تنها بود به دست تو طومار جرم من

این مشت بسته را به بر خلق وا مکن

درمان درد من نبود غیر درد عشق

این درد را ز لطف بیفزا دوا مکن

در من اگر سعادت ترک خطا نبود

در تو کرامت است تو ترک عطا مکن

خواهی اگر ز لطف به من اعتنا کنی

دیگر به کثرت گنهم اعتنا مکن

نزد کریم فرق ندارند خوب و بد

یکجا قبول کن همگان را سوا مکن

عمری به زخم تیر بلا سینه ام بسوز

آنی به هجر خویش مرا مبتلا مکن

«میثم» اگر ترک تن و ترک جان کنی

ترک محبت علی مرتضی مکن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد میرهاشمی

دلا بسوز که اشک روان ندارم من

برای روزه گرفتن توان ندارم من

همیشه ورد زبانم کلام بیهوده است

دعا و ذکر سحر بر زبان ندارم من

ز هر که اهل گنه شد علامتی دارم

چگونه شد که ز یارم نشان ندارم من

منم که سینه سپر کرده ام مقابل او

رکوع نکرده و قدّ کمان ندارم من

ز هول قبر و قیامت چرا نمی ترسم؟

یقین به رفتنِ از این جهان ندارم من

رسد چو جان به گلو می شوم بیدار

ولی چه سود به جبران، زمان ندارم من

نماز اول وقتی نخوانده ام هرگز

که اعتنا به صدای اذان ندارم من

خدا کند که دگر بهتر از گذشته شوم

و گر نه در بر جانان مکان ندارم من

برای آن که شود دلبرم ز من راضی

برای تحفه به او غیر جان ندارم من

کنند از می عشق حسین محرومم!

قسم به حضرت زهرا گمان ندارم من

خدا کند که شوم خاک کربلای حسین

جز آن حریم عزیز، آشیان ندارم من

کجاست خیمه ی یارم که حاجتم بدهد

امید، غیر امام زمان ندارم من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم؛ مناجات با خدا**

غلامرضا سازگار

یا رب ز کرم حال دعا بخش مرا

وز حال دعا جرم خطابخش مرا

تا امشب اگر مرا نیامرزیدی

امشب به علی مرتضی بخش مرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید قاسمی

در امتحان بندگی اش اشتباه كرد

برگ سپید دفتر دل را سیاه كرد

حتی به راز عطر خوش سیب پی نبرد

در محضر امام زمان هم گناه كرد

بیچاره آن كسی كه جوانی خویش را

در راه سركشی و معاصی تباه كرد

امثال ما مسبب این روضه ها شدند

یك عمر مرتضی سر خود بین چاه كرد

كو رزق گریه؟ دخل دلم خاك می خورد

این كسب را چگونه شود رو به راه كرد؟

با این همه گناه قیامت نمی شود

در چشم های حضرت زهرا نگاه كرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

الهی این من این جرم و خطایم رهم دادی، مکن دیگر رهایم

بگیر از من مرا، اما نه از خودر بسوز اما مساز از خود جدایم

تو را گم کردم و خود گشته‌ام گم صدایم کن صدایم کن صدایم

به من گفتند از اول عبد «هو» باش چه باید کرد من عبد هوایم

تو آن ربی که با عبدت رفیقی من آن خارم که با گل آشنایم

گنه کردم، نکردم شرم از تو نمی‌دانم کجا رفته حیایم؟

خجالت می‌کشیدم بازگردم تو گفتی باز هم سویت بیایم

نبودم عبد تا عبدم بخوانی نگویم بنده‌ام، گویم گدایم

سیه رویم مگر از لطف و رحمت بشـویی بـا غبـار کربـلایـم

از آن بر خود نهادم نام «میثم» که بخشی بـر علی مرتضایـم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد فردوسی

من کیم؟ عبد گنه کار الهی العفو

من کیم؟ بنده ی سربار الهی العفو

منم آن کس که نمک خورد و نمکدان بشکست

نه که یک مرتبه، بسیار الهی العفو

با گناهی که ز من سر زده، بین من و تو

چیده شد این همه دیوار الهی العفو

من زمین خورده ام و آمده ام توبه کنم

با چنین وضع اسفبار الهی العفو

بزنی یا نزنی مال تواَم جان علی

پس بیا رحم کن این بار الهی العفو

چیزی از سوختن من که نصیبت نشود

پس نجاتم بده از نار الهی العفو

مهربانی کن و این بار مرا نیز ببخش

ذوالکرم! حضرت غفّار! الهی العفو

زیر چتر کرمت آمده ام ربّ کریم

با علی ـ حیدر کرّار ـ الهی العفو

ای خدای علی و فاطمه! ای رحمت محض!

می زنم در همه جا جار الهی العفو

ذکر من بعد سلامی به حسین بن علی

می شود لحظه ی افطار: الهی العفو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسن علیپور

دل که در عصیان فتاد رو به بیراهه نهاد

حاصلم رفته به باد نعمتت بردم ز یاد

یا رئوفاً بِالعِباد

این منم بشکسته پر از همه دلخسته تر

آمدم وقت سحر یا کریم و یا جواد

یا رئوفاً بالعباد

بس ز تو غافل شدم خود حجاب دل شدم

بنده ای کاهل شدم رفت از یادم معاد

یا رئوفاً بالعباد

دیده را نوری بده سینه را شوری بده

از گنه دوری بده حاجتم باشد زیاد

یا رئوفاً بالعباد

ای انیس چشم تر از دلم داری خبر

یا بخر یا که ببر کار من بالا نهاد

یا رئوفاً بالعباد

بس که بر هر در زدم خود خبر دارم بدم

تو مکن دیگر ردم جز تو کس راهم نداد

یا رئوفاً بالعباد

خسته اما با امید چون گدا اینجا رسید

شه نوایش را خرید شد دل غمدیده شاد

یا رئوفاً بالعباد

کو هلال بدر من کو شفای صدر من

نور شام قدر من آن گل زهرا نژاد

یا رئوفاً بالعباد

هر که ذکرش یا علی ست حشر و میزان تا علی ست

چون شفاعت با علی ست در دلش غم ره نداد

یا رئوفاً بالعباد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید قاسمی

خود را به خواب می زنی ای بنده تا به كی

هی توبه پشتِ توبه، سرافكنده تا به كی

دنیا وفا نكرده وفا هم نمی كند

با زرق و برقش از غم دل، كم نمی كند

از حوضِ نور، كی به رخت آب می زنی

كی دست رد به سینه ی این خواب می زنی

ای بنده جزء برای خدا بنده گی نكن

کج می روی،لجاجت و یک دندگی نکن!

بنده در اوجِ فاجعه زانو نمی زند

غیر از خدایِ خود به كسی رو نمی زند

عقلت مگر به شاید و باید نمی رسد

بارِ كجت به منزل و مقصد نمی رسد

تیشه نزن به ریشه ی خود بنده ی خدا

بیراهه می روی، نشو شرمنده ی خدا

بیهوده هی برای دلت كیسه دوختی

باغ بهشت را به جوِ ری فروختی

ای ورشکسته، بیش تر از این ضرر نده

لحظه به لحظه عمر خودت را هدر نده

شب های قدر فرصت خوبی ست؛ گریه كن

آیا زمان توبه ی تو نیست گریه کن

شب های قدر فرصت خوبی ست؛ توبه كن

غیر از تو و خدا كه كسی نیست توبه کن

شب های قدر ناله بزن بی معطلی

دستم به دامنت، مددی مرتضی علی

شب های قدر اشك تو را كوثری كند

زهرا برای شیعه ی خود مادری كند

جا مانده ای ز قافله، هیهات، گریه کن

امشب برای عمه ی سادات گریه كن

شاید خدا به حالِ خرابت نظاره كرد

پرونده ی سیاه تو را پاره پاره كرد

مانند سوزِ صبحِ مه آلود می رسد

وقتی نمانده است، اجل زود می رسد

باید بری ! به فكرِ حساب و كتاب باش

فكر فشارِ قبر و سؤال و جواب باش

شب های قبر، تیره تر از كرده های توست

مهتاب روشنش سفر كربلای توست

بی نور عشق، قبر تو دلگیر می شود

امشب بگیر تذكره را، دیر می شود

ای تشنه لب، ز دست سبو آب را بگیر

امشب به گریه دامن ارباب را بگیر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رحمان نوازنی

منُ مشغول خودت کن بزار درگیر تو باشم

واسه من هم سفره بنداز که نمک گیر تو باشم

تا زیر چشمات بمونم زیر تدبیر تو باشم

دیونم کن دیونم کن که به زنجیر تو باشم

ای خدایا شب قدره من پیشت قدری ندارم

اومدم تا سر به روی دامن عفوت بزارم

منُ درگیر خودت کن که فقط مال تو باشم

منُ راهی سفر کن که به دنبال تو باشم

من بی چیزُ بخر تا جزو اموال تو باشم

حال خوبی نصیبم کن پی احوال تو باشم

من می خوام مال تو باشم سندم رُ بزن امضا

حلقه ای توی گوشم کن من بشم نوکر زهرا

تو قفس در به درم من زخمیه بال و پر من

گناهام رُ می بینی که چی آورده به سر من

چون که یک عالمه غفلت پر شده دور و بر من

توی تاریکی و ظلمت کو خدایا سحر من

سحر من یه نگاهت یه نگاه آسمونی

تا منم سفره نشین شم کنارت تو میهمونی

روسیاهم مثل شب ها مثل شب های جدایی

مثل تاریکی شب ها که نداره روشنایی

آسمون تا منُ دید گفت: چقده دور از خدایی

بعیده که روسفید شی بعیده به چشم بیایی

تنها یک راه جلو پاته اونم از لطف خداته

اون راهم راه حسینه سفر کرب و بلاته

سفر کرب و بلایی دو تا بال گریه می خواد

پا توی روضه گذاشتن شور و حال گریه می خواد

پا توی مقتل نزاری که مجال گریه می خواد

سر روی نیزه یار قیل و قال گریه می خواد

مشک خالی ابالفضل چشم به راه گریه هاته

دو تا دستای ابالفضل نگاه کن که جلو پاته

شاید آقا واسطه شه شاید آقا بپذیره

به دو تادست اباالفضل دستتُ امشب بگیره

آخه دستای این آقا تو کرامت بی نظیره

حرم چشماش قشنگه صحن چشماش دلپذیره

خوش به حال من بی کس که یک کس مثل تو دارم

جای مشک تو می خوام من همیشه گریه بیارم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

بس‌که به روی شانه‌ام کوه گنه کشیده‌ام

شکسته‌ام شکسته‌ام خمیـده‌ام خمیده‌ام

نوید لطف و رحمت و عفو تو را شنیده‌ام

این من و این عطای تو              این تو و این خطای من

خدای من خدای من

الـه من! الـه من! الـه من! الـه من!

نگه مکن نگه مکن بـه نامۀ سیاه من

دود گنه به سوی تو بسته ره نگاه من

دست عنایت تو گر           شود گره‌گشای من

خدای من خدای من

رفیق من تویی تویی حبیب من تویی تویی

قرار من تویی تویی شکیب من تویی تویی

دوای من تویی تویی طبیب من تویی تویی

ذکر خوشت بود دوا               به درد بی‌دوای من

خدای من خدای من

تو خالقی تو داوری تو اعظمی تو اکبری

تو از همـه کریم‌تـر تـو از همـه فراتری

گمان نمی‌کنم مرا به سوی دوزخت بری

مگر نه خلق کرده‌ای         بهشت را برای من

خدای من خدای من

به نـام تـو بـه ذکـر تـو همیشه ابتدا کنم

به هر نفس که می‌کشم خدا خدا خدا کنم

اگر بـری بـه دوزخـم باز تـو را صدا کنم

رود ز نـار قهر تو                    به آسمان صدای من

خدای من خدای من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفائی

یا غافر الخطایا، یا دافع البلایا

یا مجزل البلایا، یا منهی الرجایا

یا باعث البرایا، یا واجب الهدایا

یا قاضی المنایا، یا سامع الشکایا

با آه سرد غفلت، با اشک گرم خجلت

از نفس سرکش خود، آورده ام شکایت

ازبس گناه کردم، دل را سیاه کردم

عمر عزیز خود را، من صرف آه کردم

اشک خجالتم را، هرشب گواه کردم

من اشتباه کردم، خود را تباه کردم

گر بر فلک رسیده، آوای یارب من

جان مرا گناهان، آورده برلب من

ای خالق خبیرم، ای قادر و قدیرم

از نور رحمت تو، روشن شده ضمیرم

تو آن همه بزرگی، من این همه حقیرم

تو بر همه کریمی، من بر درت فقیرم

برخوان رحمت خود، یک لحظه دعوتم کن

عفو و عنایتت را، از لطف قسمتم کن

من گرچه روسیاهم، سرتا به پا گناهم

شرمندۀ تو هستم، اشکم شده گواهم

ای آستان لطفت، تنها پناهگاهم

تا رحمت تو پُل زد، شرم من و نگاهم

بر عبد روسیاهت، یک دم نظاره ای کن

تا رو سفید گردم، بر من اشاره ای کن

در راه حق پرستی، یارب هدایتم کن

هنگام جنگ با نفس، مولا حمایتم کن

سوگند بر علی و، زهرا عنایتم کن

سرشار شور و عشق، مهر ولایتم کن

فردا اگر «وفائی»، روسوی محشر آرد

جز گوهر ولایت، چیزی دگر ندارد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

عبدم ولی عبد گنه‌کار

هم روسیاهم هم گرفتار

معبود من ای حیّ دادار

من بنـدۀ عاصی، تو غفار           الغوث خلّصنا من النّار

دستـم بگیــر از پا نشستم

یک عمر عهدم را شکستم

عفو تو باشد بـود و هستم

یارب تو آبرویم را نگهدار           الغوث خلّصنا من النّار

من خستــه از بـار گنـاهم

مویــم سفیـد و روسیـاهم

این عفو تو این اشک و آهم

بـاز آمـدم با جرم بسیار            الغوث خلّصنا من النّار

اگـرچـه مستحـق نـارم

روزم شده چون شام تارم

مولا علی را دوست دارم

بـر حـرمت حیـدر کرّار         الغوث خلّصنا من النّار

یا سیـدی تـا زنـده هستم

از عفو تـو شرمنـده هستم

شرمنده زین پرونده هستم

خواندم تو را با این دل زار            الغوث خلّصنا من النّار

از جرم بسیارم چه گویم؟!

حتـی نیاوردی بـه رویم

پیوستـه دادی آبــرویم

در بین خلق ای حیّ دادار                  الغـوث خلّصنا من النّار

یـارب یـارب یـا الهـی

بر جرم سنگینم گواهی

من بی‌پناهم تـو پناهی

من معصیت‌کارم تو ستّار                 الغوث خلّصنا من النّار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ وفات حضرت خدیجه(علیها السلام)**

مهدی نظری

دنیا اگر چه مثل پیمبر نداشته

قطعاً نبی مثال تو همسر نداشته

دادی تمام ثروت خود را به راه دین

دین خدا شبیه تو یاور نداشته

وقتی وجود پاک تو شد مهد فاطمه

یعنی کسی شبیه تو مادر نداشته

بی بی خوشا به حال تو، چون هیچ مادری

داماد، مثل ساقی کوثر نداشته

چشمش همیشه دوخته بر دست ها بُود

هر کس ز خاک خانۀ تو بر نداشته

سلطانی اش ز خادم دربار کمتر است

آن کس که منصب خود از این در نداشته

جن و ملک به خاک درت غبطه می خورند

بر ذکر و سجدۀ سحرت غبطه می خورند

تو در میان خیل زنان بهترین شدی

ام الائمه، لایق صد آفرین شدی

تو در گذشت عمر خودت با رسول ما

بالاتر از همه، به خدا یار دین شدی

بسیار با دعای تو مؤمن شدند و بعد

تو مادرانه مادر این مؤمنین شدی

حُسن جهان به بودن عرش برین اوست

بی بی تویی که زینت عرش برین شدی

از جان و مال و هستی و عمرت گذشتی و

با حضرت رسول امین همنشین شدی

بی بی چه شد که خسته شدی از زنان شهر

بی بی چه شد که با غم و غصه عجین شدی

بی بی چه شد که درد و اَلَم کم نداشتی

هنگام مرگ خود کفنی هم نداشتی

بی شک پس از تو همسر تو بی سپر شد و

بار رسالتش به یقین بیشتر شد و

در بین دشمنان به ظاهر رفیق خود

با غصه های امت خود خونجگر شد و

با رفتنش شکست دل و شعلۀ فراق

در بین قلب فاطمه ات شعله ور شد و

این شعله ها به خانۀ حیدر نفوذ کرد

تا فاطمه شهیدۀ دیوار و در شد و

فریاد زد که فضه بیا محسنم، ولی

با ضرب کینه دختر تو بی پسر شد و

افتاد کنج بستر و هی ناله کرد و بعد

مانند یک کبوتر بی بال و پرشد و

با دیدنش علی چقدر سر به زیر شد

لحظه به لحظه زینب دلخسته پیر شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن ناصحی

سرمایه ات خرج مسلمانی ما شد

حق مسلمانی ما با تو ادا شد

دستت کلید قفل های بسته بوده

پیغمبر از دستان تو حاجت روا شد

اسلام بی تو بی گمان در شعب می مرد

دین خدا با همتت دین خدا شد

تو اجر زحمت های احمد بودی اما

مزد تو بانو! حضرت خیرالنسا شد

مادر بزرگی مثل تو دارد جز این نیست

زینب اگر آیینۀ زهرا نما شد

ای داغ تو بر سینۀ خاتم نشسته

بی تو درون قلب زهرا غم نشسته

در عفتت مریم کنیز صبح و شامت

آسیه خدمت می کند، هاجر سلامت

مال و منال و هستی ات شد خرج اسلام

احمد به حیرت مانده در نوع مرامت

زهرا فقط در دامن تو رشد کرده

ای مادر زهرا همین بس در مقامت

طرز جهاد تو زبان زد مانده بانو

خلق خدا ماندند در نوع قیامت

حق است اگر در رتبه ات عمری بگوئیم

دین خدا یکجا سند خورده به نامت

با این که بر عرش خدایت پا نهادی

رفتی و داغی بر دل زهرا نهادی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد فردوسی

شکر خدا که عبد خدای خدیجه ایم

ما بنده ایم و زیر لوای خدیجه ایم

ما عاقبت به خیرِ دعای خدیجه ایم

سینه کبودهای عزای خدیجه ایم

از لطف فاطمه است که ما مادری شدیم

با یک دعای نیمه شبش کوثری شدیم

وقتی خدیجه مادر ما شیعه ها بُوَد

دیگر چه غم که جای من و تو کجا بُوَد

با یک دعاش، حاجت ما هم روا بُوَد

از چه پی عبای رسول خدا بُوَد؟!

وقف خدا شده همه مال و منال او

پیغمبر خدا شده محو خصال او

این روزها که حال و هوایش عوض شده

از بس که گریه کرده صدایش عوض شده

مکّه، مدینه شد که صفایش عوض شده

از چه خدیجه طرز دعایش عوض شده؟!

دختر برای مادر خود گریه می کند

مادر برای دختر خود گریه می کند

دنیا بنا نداشت به زهرا وفا کند

دنیا بنا نداشت که حق را ادا کند

می خواست که خون به دل مرتضی کند

با هیزم آمده که جهنّم به پا کند

نامردِ بی حیا... روی او را کبود کرد

با تازیانه بازوی او را کبود کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مسعود اصلانی

تو كیستی كه سینه ی ما بی قرار توست

چشم زمین و چشم زمان سوگوار توست

كم نیست این كه مادر زهرای اطهری

سوگند می خورم كه همین افتخار توست

در هر كجا همیشه كنار پیمبر و

در هر كجا همیشه پیمبر كنار توست

مادر بزرگ محترم خانواده ای

داماد خانواده علی بی قرار توست

دنیای تو همیشه هوایش بهاری است

در بین خانه ات نوه هایت بهار توست

خیل كثیر خانه ی پیغمبر از تو بود

زهرای خانه ی نبوی یادگار توست

بی خود نبی به پای كسی پا نمی شود

هر مادری كه مادر زهرا نمی شود

دنباله دار عشق و اویس قرن شدی

در شب دلیل گریه ی چشمان من شدی

جایت اگر چه زیر كسای نبی نبود

مادر شدی خلاصه ی آن پنج تن شدی

در هر نماز نافله پشت پیمبرت

محو عروج هر شبی خویشتن شدی

دخت علی ز چهره ی تو ارث برده است

ای مادری كه مادر ام الحسن شدی

چندین كفن اگر چه محیای تو شده

مادر بزرگ یك نوه ی بی كفن شدی

گریان روضه های رسول خدا شدی

گریان داغ غربت یك پاره تن شدی

جبریل گفت روضه ی زخمی دوباره را

در روی خاك یك بدن پاره پاره را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی صالحی

لحظاتی كه نشستی بغل بستر من

این قَدَر گریه نكن فاطمه جان در بر من

دیدن اشك تو والله برایم سخت است

پس عذابم نده در این نفس آخر من

تو اجازه نده تنها بشود پیغمبر

بعد من باش كنار پدرت دختر من

صَرف دین پدرت شد لحظات عمرم

وقف شد دار و ندارم به ره همسر من

همه‌ی زندگی‌ام خرجیِ اسلام شده

جان من نیز فدای سر پیغمبر من

از همه ثروت من كه به هوای دین رفت

یك كفن نیست بپیچند بر این پیكر من

این همه سال غمی در دل من راه نیافت

ولی امشب غم فردای تو آمد سر من

می‌روم زود ز پیش تو دلیلش این است

كه نبینم چه می‌آید به سر كوثر من

می‌روم تا كه نبینم كه به ضرب سیلی

چه می‌آرند به روز گل نیلوفر من

پدرت گفته كه پهلوی تو را می‌شكنند

وای از صدمه‌ی مسمار و گل پرپر من

وسط هجمه‌ی مردم تو صدا خواهی زد

محسنم كشته شد ای وای بیا مادر من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسن لطفی

چشمم به غیر خون دلی مبتلا نداشت

این خانه بعد رفتن تو آشنا نداشت

زهرا یتیم شد غم بی مادری رسید

بی تو دل شکسته ی من هم نوا نداشت

خاک عزا به روی سرم ریختم ولی

خون گریه های دخترکت هم صدا نداشت

رفتی و در مزار تو دیدم که پیکرت

بر پای تا سرش کفنی جز عبا نداشت

بابا گرفته روضه و من گریه می کنم

در خانه ای که بعد نگاهت صفا نداشت

می گوید از من و تو و از پارۀ تنم

از تشنه ای که روی لبش جز دعا نداشت

شد رسم بعد تو که عبا را کفن کنند

اما برای قامت او کربلا نداشت

از بس که تیغ و نیزه تنش را گشوده است

گودال قتلگاه به جز بوریا نداشت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ ولادت امام حسن(علیه السلام)**

حسین ایزدی

دل را سپرده ایم به دست کریم ها امروز نه، ز روز ازل از قدیم ها

ما خاک پای خادمتان هم نمی شویم دلداده تو نوح و مسیح و کلیم ها

بر سینه کسی نزند دست رد حسن دلبسته عطای تو حتی رجیم ها

هر کس که زیر سایه حُسنِ حَسن رسید پر می زند ز قلب و دلش کل بیم ها

خیره شدن به تابش خورشید کی شود درک شما کجا و عقول فهیم ها؟!

وقتی حسن امام شود در تمام شهر راحت شود خیال تمام یتیم ها

در اوج غربتش به برادر خطاب کرد لا یوم مثل قصۀ ذبح عظیم ها

از تربت تو بوی غم و غصه می وزد بویی ز دود کوچه گرفته نسیم ها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم نعمتی

در جهان مفتخر از عزت نام حسنیم متحیر ز کمالات مقام حسنیم

با عنایات خدا محضر زهرا رفتیم با ید حیدر کرار به نام حسنیم

جبرئیل از ره ما بال و پرت را جمع کن ساکن عرش خداییم غلام حسنیم

نسل سلمان رجزش در صف محشر این است ما مسلمان شدۀ دست امام حسنیم

نا سزا گفته به او یک شبه مستغنی شد مست و آواره این مشی و مرام حسنیم

لحظۀ سینه زدن جلوه طوفان اما در عبودیت حق بنده ی رام حسنیم

خون دل خوردن از اول شده سهم شیعه غرق دردیم ولی تشنه جام حسنیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید قاسمی

در مدح تو باید که ببندیم دهان را وقتی که بریدند ادیبانه زبان را

ای آینه ی حسن خدا، یوسف مصری با آمدنت تخته کند زود دکان را

بازار سر زلف تو از بسکه شلوغ است انگشت به لب کرده زلیخا صفتان را

وصف مژه ها و خم ابروت مرا کشت زحمت نده صیاد دگر تیر و کمان را

با تکه کلافی به وصال تو رسیدم زهرا به حسابم زده این سود کلان را

تا سفره ی احسان کرم خانه تان هست سائل نخورد ثانیه ای غصه ی نان را

زرتشت مسلمان شده ی چشم خمارت انداختی از چشم همه دیر مغان را

ما بهتر از این روضه، بهشتی نشناسیم بهتر که بچسبیم همین نقد جهان را

با طشت نگو، کوچه ی غم خون جگرت کرد ترسم که به زینب برساند جریان را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجتبی شکریان همدانی

از آسمان نگاهت وقار می ریزد ز پلک پاک تو صبح بهار می ریزد

برای گریه برایت اجازه می خواهم به چشم ما تو بگویی ببار می ریزد

فدای مرد کریمی که رسمش این باشد به پای عاشق دلخسته دار می ریزد

تمام ملک خدا در دو دست قدرت توست خدا به دست شما اختیار می ریزد

رسول، هیبت خود را به تو کرامت کرد و از سیادت تو اقتدار می ریزد

اگر به صلح تو طعنه زند کسی غم نیست خدا به کار شما اعتبار می ریزد

تمام عرشِ خودش را خدا به وقت نماز به زیر پای تو روزی سه بار می ریزد

فقط کرم به تو می آید ای خدای کرم! که جز تو پای گدا بی شمار می ریزد

علی طراوت باران بوسه هایش را به روی دست تو با افتخار می ریزد

به یمن چشم تو هفت آسمان بپا باشد از آسمان نگهت برندار می ریزد

ببین که خانه قلبم ترک ترک شده است اگر نظر نکنی ای نگار می ریزد

مرا ز دست هواهای خود رهایی ده که آبروی مرا پیش یار می ریزد

تمام هر چه که دارم نثار مقدم تو خدا کند که بمیرم به پای ماتم تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اکبر لطیفیان

به یمن مِهر تو شد از سراب، آب درست

بدون مِهر تو از آب شد سراب درست

نگاه کردن تو خلقت است تکویناً

نگاه کردی و شد ماه... آفتاب... درست

خدا به طرح تو پرداخت، شد امام درست

خدا به شرح تو پرداخت، شد کتاب درست

اگر قبول کنی من تراب نعلینم

مرا برای تو کرده ابوتراب درست

یکی برای حسین و یکی برای حسن

از این دو قطره فقط می شود شراب درست

بتول در عوض پیرهن برای حسین

برای صورت تو می کند نقاب درست

بقیع مظهر آبادی است پس عرش است

بهشت نیز شده از همین خراب، درست

عتاب یار پری چهره را کشیدم من

اگر چه هم نشود کار با عتاب درست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

امشب که شب اوج مناجات دل ماست

این مسجد و محراب خرابات دل ماست

با یار شب وصل و ملاقات دل ماست

بر مقدم دلدار مباهات دل ماست

حیف است که دور از رخ جانانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

امشب که در میکده ی عشق تو باز است

دست همه عشّاق بسوی تو دراز است

یا رب سببی ساز شب ماه حجاز است

با حضرت معشوق شب راز و نیاز است

وقت است که بر مقدم جانانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

یکروزه شده دلبر ما عید بگیرید

از معرفتش هدیه ی جاوید بگیرید

از دست حسین باده ی توحید بگیرید

وز مادر او برگه ی تائید بگیرید

اینجاست که واجب شده رندانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

با ماه خدا زمزمه ی یار بگیریم

از کام حسن تا سحر افطار بگیریم

هنگام سحر می طلبد سجده ی خونین

آن روز که ما روزه علی وار بگیریم

مجنون شده و با دل دیوانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

ما طاقت یک جلوه ی دلدار نداریم

حیف است که ما دیده ی دیدار نداریم

ظرفیّت هم صحبتی یار نداریم

با این همه با غیر حسن کار نداریم

ای کاش که در عشق کریمانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

بد مستی ما را مکن ابراز نگارا

با مستی مستان بنما باز مدارا

تقصیر لب لعل نگار است خدا را

خجلت زده کن مثل همیشه تو گدا را

موسی صفت از جلوه ی پیمانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

ای خوش سحری را که سر دار بمیرم

منصورم و چون میثم تمّار بمیرم

در حال ثنا خوانی دلدار بمیرم

سخت است که بیمار و گنهکار بمیرم

هر چند که یک گوشه غریبانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

آن بنده ی زشتم که خریدار ندارم

برده نفروشید که بازار ندارم

از خدمت ارباب کرم عار ندارم

در کوله به جز توشه ای از خار ندارم

خوب است که در کنج همین خانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

بد تر ز من ای خالق بخشنده نداری

همچون من خود باخته شرمنده نداری

مأموریت حضرت موساست بهانه

در خلقت خود بد تر از این بنده نداری

بیمارم و در پای طبیبانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

عمریست که جان در غم جانانه بسوزد

دل در غم یک دختر دردانه بسوزد

آن شمع که در گوشه ی ویرانه بسوزد

از غربت او غربت پروانه بسوزد

با دختر سلطان به عزا خانه بمیرم

مگذار که پشت در میخانه بمیرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیرحسین الفت

شعر و غزل برای تو گفتن عنایت است

از بس که لطف حضرتتان بی نهایت است

این جا سیاه کردن دفتر عبادت است

اصلاً به افتخار تو ماه ضیافت است

ابر کرم ببار که هنگام رحمت است

از گوشه های لعل لبت می چکد عسل

دیوانۀ تو بوده و هستیم از ازل

آقا بگیر دست مرا نیز لااقل

ای قهرمان عرصۀ پیکار در جمل

وقتی قیام می کنی اصلاً قیامت است

خاکی تر از تمامی شاهان عالمی

زیباترین سرودۀ دیوان عالمی

در امتداد دست تو چشمان عالمی

قربان خال هاشمیت جان عالمی

آن نقطه ای که نقطۀ آغاز خلقت است

ای سفره دار شهر نبی ای بزرگوار!

ای توده های ابر کرم! بر زمین ببار

وا می کنم به نام تو لب های روزه دار

هرگز نمی روم به خداوند زیر بار

باور نمی کنم که مزار تو خلوت است

تا می وزید بوی شما در فضای شهر

می آمدند مردمی از جای جای شهر

در ازدحام، کوچه و پس کوچه های شهر

تا بنگرند جلوۀ یوسف نمای شهر

یعنی نگاه کردن رویت عبادت است

بر سفره هاست روزی و ماهانه هایتان

گرمی گرفت خانۀ پروانه هایتان

دیوانه ایم و عاشق دردانه هایتان

سنگین شده ز پستی ما شانه هایتان

این عبد رو سیاه چه اسباب زحمت است

با قاتلت چگونه به یک خانه زیستی

زخم زبان شنیدی و هر شب گریستی

باید که پای درد صبوری بایستی

یا للعجب! کریم مدینه! تو کیستی؟

درد تو درد بی کسی و درد غربت است

دشنام ها شنیده ولی خنده می کنی

دشنام داده را تو چه شرمنده می کنی

هر کیش را به دین خودت بنده می کنی

تو خاطرات فاطمه را زنده می کنی

یک گوشه نگاه تو ما را کفایت است

در بین بچه ها ز همه مادری تری

یعنی تو از تمامیشان کوثری تری

با این عبای سبز، تو پیغمبری تری

پایش بیفتد از همه شان حیدری تری

شمشیر هم به دست تو تمثال غیرت است

کم کم به روضه پای مرا می کشی خودت

شمع مذاب در وسط آتشی خودت

پس طعم درد فاطمه را می چشی خودت

در این مسیر روضه مرا می کشی خودت

در روضه ات هلاک شدن هم شهادت است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حامد شریف

از نان تو بلند شده بوی دیگری اعجاز کردی و غزلم شد پیمبری   
ای یاکریم در دل من خوب می پری وقت قنوت ها به خدا عین مادری   
مستت شدیم به چقدر شکل حیدری آقا قسم به جان اباالفضل محشری

ماییم و سفره های پذیرایی شما ایل و تبار من ، همه بر نان تو گدا   
وقتی گذر کند ز سر موی تو هوا بی هوش می شویم ، نکن زلف را رها   
یوسف گدای خانه ی تو بهر دلبری آقا قسم به جان اباالفضل محشری  
  
امشب نریز مِی بده بر این جگر عسل کاری که مِی کند، بکند بیشتر عسل   
مادر عسل ، پدر عسل و این پسر عسل شیرین بنوش چون که ندارد ضرر عسل  
حتی عسل به قند لبان تو مشتری آقا قسم به نام اباالفضل محشری  
  
باده کنار زلف تو تعریف می شود شور از سه تار زلف تو تعریف می شود  
داغ از شرار زلف تو تعریف می شود مه در مدار زلف تو تعریف می شود  
بیچاره ات شدیم به مصراع آخری آقا قسم به جان اباالفضل محشری  
  
مدهوش جلوهای نحیف لب توییم حیران آیه های شریف لب توییم   
دیوانه ی صدای لطیف لب توییم ما کشتگان نقش ظریف لب توییم   
به به به خالق هنر و این فن آوری آقا قسم به جان اباالفضل محشری  
  
ای منتهای جود و کرم شاه بی بدل جان مرا بگیر به پایان این غزل  
انگور های قلب تو احلی من العسل یک نعره ای کشید که حی علی الاجل  
بر تیغ قاسم تو سر ماست مشتری آقا قسم به جان اباالفضل محشری  
  
قدی نبود کز غم قاسم دوتا نشد حق عسل به شعر شما هم ادا نشد  
آقا اگر حریم تو چون کربلا نشد اما کفن برای شما بوریا نشد  
غصه برای نسل شما ارث مادری آقا قسم به نام اباالفضل محشری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مسعود یوسف پور

چه سفره ای چه كرم خانه ای چه مهمانی

چه میزبانی و چه روزیِ فراوانی

چه ازدحام عجیبی یقیناً آقا نیست ـ

ـ گدایی درِ این خانه كار آسانی

دخیل دست كریمت شده ست میكائیل

فقط نه اینكه تو روزی دهِ هر انسانی

به رازقیّت تو می خورم قسم كه تو را

رها نمی كنم آنی و كمتر از آنی

هر آینه دل من چون كویر می خشكد

بدون لطف تویی كه جناب بارانی

بیا و بر دلم امروز یك دقیقه ببار

بیا و با نَفَست بویی از بهشت بیار

من و هوای تو و شوق نوكری كردن

تو و حوالی دنیا و سروری كردن

دلم اسیر تو شد، چشم های معصومت

چه خوب یاد گرفته است دلبری كردن

من عادتی شده ام، عادتی این اطراف

من و فراز بقیعت كبوتری كردن

همیشه روزی من را تو داده ای؛ ننگ ست ـ

ـ كنار سفره ی تو میل دیگری كردن

كریم شهر مدینه چقدر می آید

به دست های شما ذره پروری كردن

مرا كه ذره ی ناچیزتر ز ناچیزم

بیا و پرورشم ده كه دست آویزم

به غیر وصله ی نعلین یا عبای تو نیست

و جز گلیم پر از نور زیر پای تو نیست

كرم نما ، به من سائلت هم احسان كن

كه تكیه گاه دلم غیر دست های تو نیست

شروع می شوی از انتهای آقایی

تویی كه نوكری شیعه جز برای تو نیست

كسی كه از همه در آخرت فقیرتر است

همان كسی ست كه در این سرا گدای تو نیست

چقدر بی كس و تنهاست آن كه در دنیا

همیشه با تو غریبه ست و آشنای تو نیست

مرا گدای خودت كرده ای خدا را شكر

و آشنای خودت كرده ای خدا را شكر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ مدح حضرت علی(علیه السلام)**

مهدی نظری

شیعه با عشق علی همواره عزت داشته

با ولای مرتضی رمز هدایت داشته

هرکسی که شیعه مولاست خورده شیر پاک

خوش به حالش از همان اول سعادت داشته

حیدر کرار آقائیست که مثل نبی

بر پیمبرهای قبل از خود ولایت داشته

چند باری بند قنداق خودش را پاره کرد

از همان طفلی علی نیرو و قدرت داشته

کل عالم یک طرف شمشیر حیدر یک طرف

"لافتی الا علی"یعنی شجاعت داشته

شیعه حیدر همیشه برلبش ذکر علیست

اینچنین در نامه اعمال عبادت داشته

گفت پیغمبر فقط مولای بعد از من علی ست

هر کسی که منکر او شد حماقت داشته

او امیرالمؤمنین و ما یقیناَ مؤمنینم

شکر حق او بر سرما دست رحمت داشته

حضرت صادق پس از صوم وصلاة خویش بر

چارمرد و چار زن نفرین و لعنت داشته

لطف زهرا بوده که درسایه سار حیدریم

تا علی داریم از هر ملتی بالاتریم

تا علی داریم هر دم ذکر ما یا فاطمه ست

تا علی داریم محشر شافع ما فاطمه ست

تا علی داریم با سلمان برادر می شویم

با دعای زینبش مقداد و بوذر می شویم

راه بی عشق علی آخر به شیطان می رسد

راه بیراهه ست وآخرهم به زندان می رسد

هر مسلمانی که جزو منکران حیدر است

حتم دارم این مسلمان از یهودی بدتر است

بی علی صوم و صلاة و هر دعا بی فایده ست

حافظ قرآن شدن بی مرتضی بی فایده ست

چونکه قرآن حقیقی روح و جان مصطفاست

ازهمان اول وصی و نفس احمد مرتضاست

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

مهرشاد واحدی

قرعه در دایره عشق به نامم افتاد

یک کبوتر گذرش بر سر بامم افتاد

طرح انگور نجف باز به جامم افتاد

گره عشق ، مجدد به کلامم افتاد

که ز عشق تو شب و روز و سحر می گویم

" ها علی بشر کیف بشر می گویم"

تا تو هستی نظر اسپند نمی خواهد که

چایی روضه تو قند نمی خواهد که

دل شیدا شده ام بند نمی خواهد

پیر می خانه تو پند نمی خواهد که

آرزو مانده به دل تا که مسافر باشم

می رسد عاقبت آن روز که زائر باشم

می کشد نام تو بر دار جنون عاقل را

به ضریحت گره بستم دل ناقابل را

تر کن از روی کرم خشکی این ساحل را

گوشه چشم تو دارنده کند سائل را

گوشه چشم تو و این دل ما بسم الله

هر که دارد هوس صحن تو را بسم الله

آنکه در شهر خودش آینه دق می شد

مات ایوان طلا بین دقایق می شد

بعد هر ثانیه او بیشتر عاشق می شد

سختی باورش اینجاست ، که لایق می شد ؟

آنکه بر پای براتش شده باشد امضا:

این ضمانت شده است از علی بن موسی

به خدایی تو سوگند که مولا بشری

شمع تابنده عشقی و سراسر گوهری

بده در راه خدایی خدا بال و پری

تا که در عشق تو جانانه بسوزم سحری

افتخاریست که دلداده حیدر باشم

هم غلام علی و نوکر مادر باشم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم صرافان

سرنوشت ما گره خورده به گیسوی علی

از ازل چرخانده دلها را خدا، سوی علی

او مع الحق گفت و از آن روز ما را می‌کُشند

دار ما خرما فروشان حلقه موی علی

مانده‌ام احمد پیمبر بود یا عطار عشق

بس که سلمان ها، مسلمان کرد با بوی علی

گر می‌اندیشی نماز و روزه‌ات را می‌خرند

ای برادر! این تو و این هم ترازوی علی

بیشتر از برق دَم‌های دو سوی ذوالفقار

دوستان را کشته خَم های دو ابروی علی

هر که دل خوش کرده در عالم به نام دیگری

یا علی نشنیده است از سوی بانوی علی

آری آداب خودش را دارد اینجا عاشقی

ما و خاک کوی قنبر، قنبر و روی علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی حسنی

در کشورم گدای علی موج می زند شکر خدا ولای علی موج می زند

خالی نرفته دست گدایان مرتضی دست گدا عطای علی موج می زند

مرغ دلم میان نجف جلوه می کند تا در اذان ندای علی موج می زند

بال و پر ملائک حق دیده می شود هر جا که ردّپای علی موج می زند

ذکر قنوت اهل سما ذکر حیدر است پیش خدا صدای علی موج می زند

پیغمبری که عازم معراج گشته است زیر لبش ثنای علی موج می زند

در دست سیدی که شبیه پیمبر است گر بنگری لوای علی موج می زند

وقتی به روی کعبه ی حق نعره می زند بردوش او عبای علی موج می زند

شأن نزول تک تک آیات حیدر است ماهِ خدا هوای علی موج می زند

در قامت رشید اباالفضل فاطمه لاحول و لا فتای علی موج می زند

ماهِ محّرمی که خدا گریه می کند ماتم! که کربلای علی موج می زند

عمان و محتشم که غزل ها سروده اند در شعرشان عطای علی موج میزند

زیباترین نماز گدا بعد کربلا در خانه ی خدای علی موج می زند

سلمان که خار چشم عرب های جاهل است در چهره اش وفای علی موج می زند

هر عاشقی که عبد غلامان حیدر است در سینه اش صفای علی موج می زند

گریان کوچه های غریب مدینه ام آنجا که انتهای علی موج می زند

او ماجرای فاطمه را با کسی نگفت در کوچه ربنای علی موج می زند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم؛ شب نوزدهم**

علی انسانی

ای خواب به چشمی که نمی خفت بیا

ای خندۀ غنچه ای که نشکفت بیا

دیوار و در کوفه زبان شد که مرو

امّا چه کنم فاطمه می گفت بیا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفائی

فلک امشب نسیمی سرد دارد زمین از غصه رنگ زرد دارد

بیا ای دل بنالیم و بگرییم هوای کوفه بوی درد دارد

خدایا این جماعت خودپرستند به روی دین و قرآن دیده بستند

پس از بشکستن پهلوی زهرا سر مظلوم عالم را شکستند

ز خون محراب را گلپوش کردند جهان را با غمی همدوش کردند

چه تاریک است دل ها ای دریغا چراغ عشق را خاموش کردند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اکبر لطیفیان

صد جلوه از پیمبر تو قد علم کند

آیینه چون به محضر تو قد علم کند

جایی برای پر زدن جبرئیل نیست

در آسمان اگر پرِ تو قد علم کند

دنیا کم است ظرفیتش، پس مجال نیست

تا جلوه های دیگر تو قد علم کند

راه فرار نیست هزاران سپاه را

هر وقت نام حیدر تو قد علم کند

دیگر به ذوالفقارِ دو دم احتیاج نیست

آن لحظه ای که همسر تو قد علم کند

افتادنِ به پات مرا سربلند کرد

از این طریق نوکر تو قد علم کند

فردای رستخیز، شفاعت تو را کم است

در آن مقام، قنبر تو قد علم کند

از پشت سر زدند تو را... جراتش نبود

شمشیر در برابر تو قد علم کند

زینب نمی گذاشت که فرقت دو تا شود

فرصت نبود دختر تو قد علم کند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اکبر لطیفیان

از سر شانه ی در حال نماز سحرش

چقدر بال ملک ریخته تا دور و برش

او بزرگ است و در این خاک نمی گیرد جا

آسمان است و رسیده است زمان سفرش

همه ی شصت و سه سالش به غریبی طی شد

می رود تا که خدایش نکند بیشترش

یاد شرمندگی از فاطمه می اندازد

به خداوند قسم دیدن چشمان ترش

ایستاده است کسی پشت در خانه ی او

جبرئیل آمده انگار به مسجد به برش

سحر نوزدهم خانه ی دختر برود

آنکه دلسوز ترین است برای پدرش

دخترش نیز یقین داشت شب آخر اوست

کاسه ی آب نپاشید اگر پشت سرش

همه مبهوت و همه محو نمازش بودند

کاش این منبر و محراب نمی زد نظرش

این طرف دست توسل به عبایش که بمان

آن طرف حضرت صدیقه بود منتظرش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مسعود اصلانی

در شب بهت چشم عرش خدا پدری مهمان دختر بود

مثل هر شب دوباره نان و نمك وقت افطار سهم حیدر بود

در گلویی كه استخوان مانده بغض دلتنگیش ترك برداشت

با تماشای اشك و آه پدر چقدر اضطراب دختر داشت

اضطراب زمان كودكیش متولد شد از دو چشم ترش

در نگاهش تجسم مادر خیره مانده به رفتن پدرش

مرد بی فاطمه به روی لبش آیه های وداع می خواند

آسمان را نگاه می كند و درد او را كسی نمی داند

دلش از دست زندگی پر بود سمت مسجد روانه شد بابا

عزم خود جزم كرد و راه افتاد زیر لب گفت آه یا زهرا

ناگهان آسمان به خود لرزید به سرش ضربه ای فرود آمد

صورتش روی جانماز افتاد مرتضی باز به سجود آمد

عاقبت همنشین دلتنگی راحت از بغض بی كسی ها شد

استخوان سرش شكافی خورد زخم سربسته ی علی وا شد

وقت برگشت سمت خانه، علی گریه می كرد و اشك غم می ریخت

خوب شد دستمال آوردند ورنه از زخم، سر به هم می ریخت

شانه ای كه بلند تر شده است بار دیگر عصای درد شده

كوچه آن كوچه نیست و آه كودك آن كودك است و مرد شده

گوییا مجتبی غریبانه مادرش را به خانه برگرداند

دردهای مدینه را حس كرد زیر لب روضه ای ز مادر خواند

مرتضی خانه آمد و زینب ناگهان دید زخم بابا را

به سرش زد كنار او افتاد تیره شد در نگاه او دنیا

تازه این سومین غم او بود مانده دلتنگی غم فردا

الأمان از غم برادرها وای دل از غریب عاشورا

تشنه ای روی خاك افتاده تشنه ای را كه سر جدا كردند

بدنش را مقابل زینب با سر نیزه جا به جا كردند

كاكلش دست یك نفر افتاد زره اش دست یك كس دیگر

نا نجیبان به جانش افتادند همه با تیغ و نیزه و خنجر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مسعود اصلانی

امشب علی می بیند اشک دخترش را

در کوفه می گوید اذان آخرش را

مرغابیان خانه دامن را نگیرید

خالی کنید ای عرشیان دور و برش را

روی لبش انّا الیه راجعون است

بر آسمان ها دوخته چشم ترش را

با رفتن بابا خدا می داند و بس

در خانه بی تابی قلب دخترش را

ای ابن ملجم زودتر از جای برخیز

او قصد دارد که ببیند همسرش را

دلتنگ مانده تا ببیند بار دیگر

رنگ کبود صورت نیلوفرش را

حالا علی را سوی خانه می برندش

جبریل می گیرد کمی زیر پرش را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

لاله‌گون گشت ز خون روی دل‌آرای علی

می‌چکد اشک حسن بر رخ زیبای علی

مـرغ آمیـن بـه دعـای سحـرش پاسخ داد

از خداونـد همیـن بــود تمنـای علی

که گمان داشت که چون فاطمه تنها و غریب

در دل خـاک رود قـامت رعنای علی

جای یک ضربـۀ شمشیر به پیشانی داشت

جای صد زخم، عیان بود به اعضای علی

آسمـان شست مـه روی علـی را از خـون

عوض آن که نهد رو به کف پای علی

هرچه آب است اگر اشک شود باز کم است

در غم فاطمـه و ماتـم عظمای علی

صـورت شیرخـدا سرخ شد از خـون جبین

نیلگون گشت ز سیلی رخ زیبای علی

از جنـان فاطمه آیـد بـه بیابـان نجف

تا کند خون جبین پاک ز سیمای علی

نـخل‌هـا منتظـر بانـگ الهــی العفـو

چاه‌ها منتظر نالـۀ شب‌هـای علی

"میثم" از سوز درون گرید و خواهد ز خدا

ناله‌اش را برسانند به امضای علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هفتم؛ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)**

وحید قاسمی

کیسه های نان و خرما خواب راحت می کنند

دست های پینه دارش استراحت می کنند

نخل ها از غربت و بغض گلو راحت شدند

مردم از دستِ عدالت های او راحت شدند

ای خوارج، بهترین فرصت برای دشمنی ست

شمع بیت المال را روشن کنید، او رفتنی ست

درد را با گریه های بی صدا آزار داد

با لباس نخ نمایش، کوفه را آزار داد

مهربانی نگاهش حیف مشگل ساز بود!

روی مسکین ها درِ دارالخلافه باز بود

دشمنانش درلباسِ دوست بسیارند و او...

بندگان کیسه های سرخ دینارند و او...

سادگی سفره اش خاری به چشم شهر بود

مرتضی با زرق و برق زندگی شان قهر بود

نیمه شب ها کوچه ها را عطرآگین می کند

درعوض، درحقِ او هر خانه نفرین می کند

حرص اهل مکر، از بنده نوازیِ علی ست

داستان بچه هاشان بی نمازی علی ست

گام در راهِ فلانی و فلان برداشتند

از اذان ها نام او را مغرضان برداشتند

جرم سنگینی ست، بر لب خنده را برجسته کرد

چاه ها دیدند مولا خستگی را خسته کرد

جُرم سنگینی ست، تیغ ذوالفقاری داشتن

زخم ها از بدر و خیبر یادگاری داشتن

جُرم سنگینی ست،از غم کوله باری داشتن

مثل پیغمبر عبایِ وصله داری داشتن

جُرم سنگینی ست، بر تقدیر حق راضی شدن

با یتیمان روزهای گرم همبازی شدن

جُرم سنگینی ست، جای زر، مقدر خواستن

در دو دنیا خیرخواهیِ برادر خواستن

جُرم سنگینی ست، در دل عشق زهرا داشتن

سال ها در سینه داغ کهنه ای را داشتن

هیچ طوفانی حریف عزم سکانش نبود

تیغ تیز ابن ملجم قاتل جانش نبود

پشت در، آیینه اش را سنگ غافلگیر کرد

زخم بازویی، امیرالمومنین را پیرکرد

مرگ سی سال است بر او، خنجر از رو می کشد

هر چه مولا می کشد، از درد پهلو می کشد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

یوسف رحیمی

با آنکه استقامت تو فرق می کند

این روزها حکایت تو فرق می کند

اینجاست درد، دشمنت آخر غریبه نیست

بعد از رسول، غربت تو فرق می کند

دستان حیدری تو را صبر بسته است

با دیگران اسارت تو فرق می کند

دستی که روی فاطمه ات را نشانه رفت

فهمیده بود غیرت تو فرق می کند

سیلی به روی ام ابیها تو را شکست

آقای من! مصیبت تو فرق می کند

گفتند بعد فاطمه از پا فتاده ای

حق داشتی امانت تو فرق می کند

سی سال پیش! این در و دیوار شاهدند

اصلاً شب شهادت تو فرق می کند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی رحیمی

ای كاش بگیرند از امروز سحر را

ای اهلِ حرم سیر ببینید پدر را

شمشیر پُر از زهر گرفته ز طبیبان

بر نسخه ی تو فرصت اما و اگر را

جز تو چه كسی عفو كند قاتل خود را

آن قاتلِ خوابیده ی عمری دمِ در را

حتی خودِ قاتل پس از آن ضربه به خود گفت

ای كاش كه برداری از این سجده كمر را

باور نكند كوفه كه تو اهلِ نمازی

وامانده دهانش كه شنیده ست خبر را

سخت است ولی باز برای دلِ زینب

یك روز به تأخیر بینداز سفر را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سعید خرازی

درد دلهام برای تو حسین بسیار است

بسته ام بار سفر چشم به راهم یار است

خوشی عمر مرا بود به نه سال فقط

بعدِ زهرا علی از دست فلک بیزار است

ابن ملجم به خیالش که مرا کُشت ولی

قاتل اصلی من ضرب در و مسمار است

حسن از کوچه چه دیدست که لکنت دارد

که هنوزم که هنوز است دلش بیمار است

به ابالفضل سپردم که کنارت باشد

او گرفتار تو و در همه جا غمخوار است

بیشتر از همه دلواپس زینب هستم

که به هر شهر اسیرِ سرِ هر بازار است

زیور آلات به همراه مبر کرب و بلا

اُلفت مردم کوفه به طلا بسیار است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی انسانی

کنار من، صدف دیده پر گهر نکنید

به پیش چشم یتیمان، پدر پدر نکنید

توان دیدن اشک یتیم در من نیست

نثار خرمن جان علی، شرر نکنید

اگر چه قاتل من کرده سخت بی مهری

به چشم خشم، به مهمان من نظر نکنید

اگر چه بال و پرکودکان کوفه شکست

شما چو مرغ، سر خود به زیر پر نکنید

از آن خرابه که شب ها گذر گه من بود

بدون سفرۀ خرما و نان گذر نکنید

به پیرمرد جذامی سلام من ببرید

ولی ز مرگ من او را شما خبر نکنید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

مرهـم زخـم دلـش تنهـا دم شمشیـر بود

مردم از او سیـر بودنـد او ز مـردم سیر بود

خار در چشم، استخوان در حلق، آتش بر جگر

در کف گردون کمـان، در سینۀ او تیر بود

گنج عالـم زیـر پـا و ثروتش هنگام مـرگ

چند قرص نان جو، یک اسب، یک شمشیر بود

زود زهـر تیـغ قاتـل کـرد بـر جـانش اثـر

مجتبـی بـر او طـبیب آورد امـا دیــر بـود

در حرم آمد به دنیا، گشت در مسجـد شهید

قطره‌قطره خون پاکش را همین تفسیر بود

بی‌گناهی کم گناهی نیست، بـر اهـل گناه

شـدت عـدل علـی بالاتــرین تقصیـر بود

بر زمین افتاده، خون فواره می‌زد از سـرش

در دو چشمش اشک شوق و بر لبش تکبیر بود

گرچه طی گردیده بود از عمر او شصت و سه‌سال

او در ایــام شبـاب از داغ زهــرا پیــر بـود

شیـر، بهـر قاتـل خـود می‌فرستـاد از کـرم

با وجـود آن که خـود تنها غـذایش شیر بود

کار مولا بود «میثم» لطف و صدق و دوستی

کار دنیـا ظلـم و جـور و حیلـه و تزویـر بود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سعید خرازی

خدایا مشکل از کار منِ مشکل گشا وا کن

بُوَد درمان من زهرا، مرا مهمان زهرا کن

اجل از بعد زهرا منتظر بودم که برگردی

بیا امشب علی را بین شهر کوفه پیدا کن

من از تو یاد دارم فاطمه عجِّل وفاتی را

بیا مرگ مرا از حق به جای من تمنا کن

نشانِ من نمی دادی اگر آن روز رویت را

کنون رخسار سیلی خورده ی خود را هویدا کن

طبیبم را بگو زینب که من دارو نمی خواهم

ز خاک چادر زهرا تو زخمم را مداوا کن

بدان ای کوفه هر چه خواستی بر من جفا کردی

گذشت آب از سرم اما تو با زینب مدارا کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

با خود بگذارید كه نجوا كند امشب

این روح مگر بال و پری واكند امشب

یك لحظه دگر طاقت این هجر ندارد

سخت است تحمل، غم زهرا كند امشب

این فرقِ ترك خورده تسلی شدنی نیست

جز فاطمه اش كیست تسلا كند امشب

اسرار مگوی علی و چاه بماند

با فاطمه خود حلِّ معما كند امشب

مردی كه جدا از دل محراب نمی شد

بایست که بالِشت، مصلی كند امشب

ای كاش بگویند به زینب خبری نیست

بگذار پرستاریِ بابا كند امشب

شد زنده دگر بار شب سخت وصیت

بگذار كمی زمزمه مولا كند امشب

زان بسته كه جبریل سفارش به نبی داشت

باید كفنِ تازه تری واكند امشب

فرمود: حسینم ! حسنم سخت غریب است

بسیار دعا زینب كبری كند امشب

این سنّتِ تشییعِ غریبانه به جا ماند

می خواست علی یاد ز زهرا كند امشب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هشتم؛ شام غریبان**

غلامرضا سازگار

در راه نماز جان بیفشاند علی بر خلق نماز را شناساند علی

با این همه چون شهید شد در محراب گفتند مگر نماز می خواند علی

دلت از بی کسی دریای خون بود غمت از ریگ صحراها فزون بود

خودم دیدم که در هنگام دفنت کفن از خون فرقت لاله گون بود

غم طفلی فراموشم نرفته که بار غصه از دوشم نرفته

گذشته سال ها از کوچه اما صدای سیلی از گوشم نرفته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی نظری

خانه با رفتنت این بار به هم ریخته است

شهر بی حیدر کرار به هم ریخته است

پدرم نبض زمان بودی و با رفتن تو

سحر و روزه و افطار به هم ریخته است

هرکسی دید پدر، حال مرا گفت به خویش

دختر فاطمه بسیار به هم ریخته است

بستر خالی تو گوشۀ این خانه پدر

علتی شد که پرستار به هم ریخته است

بودنت مایۀ آرامش و آسایش بود

حال با رفتن تو کار به هم ریخته است

حَسَن غمزده را بیشتر از زخم سرت

قصۀ سینه و مسمار به هم ریخته است

حرفی از کوچه نباید بشود پیش حسین

چون که با گفتنش هر بار به هم ریخته است

صحبت از کوفه و بازار و اسیری کردی

از همان لحظه علمدار به هم ریخته است

گفته ای کوفه میارند مرا طوری که

همه ی کوچه و بازار به هم ریخته است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

که دیده بی کفنی را کفن کند بدنی را

که دیده دست حسینی مدد کند حسنی را

حسین آب بریزد حسن به اشک بشوید

که دیده غسل نهانی به نعش بت شکنی را

شده خموش چه آسان زبان ناطق قرآن

حسن حنوط ببندد عجب لب و دهنی را

سرِ شکسته و خوناب زیر تابشِ مهتاب

که دیده در همه عمرش بخود چنین محنی را

فدای غربت مردی که خود ز غصه و دردی

شبانه غسل و کفن کرد جسم خسته تنی را

قسم به سینه شکسته قسم به فرقِ شکسته

وصالِ حیدر و زهرا سرود، خوش سخنی را

که نیست فاصله باقی میان کوثر و ساقی

خدا نداده از اول به عشق، ما و منی را

فدای دست شکسته که با تن و دل خسته

برای بی کفنِ خود گذاشت پیرهنی را

و آن امام اسیری که در میان حصیری

گذاشت با تن بی سر غریبِ بی کفنی را

به گریه از رگِ پاره گرفت بوسه دوباره

شبیه عمه فنا کرد، کاخ خصمِ دنی را

دعا ز جود و کرم کرد روی خود به حرم کرد

که از قتیلِ قلیلت قبول کن بدنی را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

خوشدل تهرانی

نه همین خون علی دامن محراب گرفت

از دل زینب بی مادر خود تاب گرفت

او نشد کشته که عدل و شرف و تقوی مرد

مرگش از دیده ی صاحب نظران خواب گرفت

تازه شد محنت بی مادری اطفالش

که فلک از سرشان سایه ی آن باب گرفت

نوح در نوحه که طوفان مصائب برخاست

خاک را گویی که یک بار دگر آب گرفت

روی قنبر که چو گیسوی حسن بود سیاه

از غم قتل علی گونه ی مهتاب گرفت

حسنش شال عزا کرد به گردن چو حسین

آه کاین منظره جان از تن اصحاب گرفت

خوشدل از خون علی لاله و گل رنگین است

نه همین خون علی دامن محراب گرفت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

به خون شستند بیت ذات پاک حق تعالی را

الا ای اهل عالم عاقبت کشتند مولا را

چه دیدید از علی جز مهربانی مردم دنیا

چرا کشتید آن تنهاترین تنهای دنیا را

شما با کشتن مولا امیرالمؤمنین کشتید

محمّد را علی را انبیا را بلکه زهرا را

بگرد ای ماه از خون جگر اخترفشانی کن

خبرکن زین مصیبت چاه و نخلستان خرما را

الا ای داغداران علی آیید در کوفه

تسلا در غم مولا دهید آن پیر اعما را

ز پا افتاد با رخسار خونین بت‌شکن مردی

که در بیت خدا بگذاشت بر دوش نبی پا را

فلک یک زخم بر فرق امیرالمؤمنین دیدی

ندیدی بر دل مجروح او زخم زبان‌ها را؟

طبیبا جای مرهم اشک ریز از دیدگان خود

علی از دست رفته کن رها دیگر مداوا را

علی روز ولادت بوسه زد بر دست عباسش

شب قتل علی عباس بوسد دست بابا را

اگر آلوده‌ای «میثم» چه غم داری علی داری

خدا بخشد به روی غرقه در خون علی، ما را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سیدهاشم وفایی

 آماده نمودند حنوط و كفنش را  
شُستند به اشك غم و حسرت بدنش را  
مظلوم تر از او چه كسی بود كه در شب  
مظلوم تر از فاطمه بردند تنش را  
در آن شب تاریك و غم آلود سپردند  
بر زینب محنت زده بیت الحَزَنش را  
با دیده حیرت زده از عرش، ملایك  
دیدند غم و حُزن حسین و حسنش را  
در بین بیابان نجف عرش نشینان  
خواندند حدیثی ز ملال و محنش را  
قدسی نفسانِ حرمِ قدس شب قدر  
دادند به زهرا خبر آمدنش را  
رفت آن كه پس از غُربت طوفانی خود، باز  
 با فاطمه گوید غم تنها شدنش را  
پروانه پرش سوخت و شمع سحری مُرد  
گفتند به هم تا غمی از سوختنش را  
گویند خطیبان سماوات «وفائی»  
بر منبری از نور حدیث سخنش را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

عالم و آدم کند گریه برای علی

حیف که در خاک رفت قد رسای علی

نخل بوَد منتظر چاه بوَد بی‌قرار

حیف که خاموش شد صوت دعای علی

گریه کند صبح و شام اشک فشانَد مدام

تا که عدالت زند بوسه به پای علی

زندگی بی‌علی سخت‌تر از مردن است

کاش که ما می‌شدیم کشته به جای علی

دامن محرابِ خون گشته بر او قتلگاه

مسجد کوفه شده کرب و بلای علی

تیغ به دشمن دهد، بذل به قاتل کند

گر ببرد کودکی شیر برای علی

مسجدیان یک طرف جمله گشایید صف

تا که یتیمان نهند سر به سرای علی

پیر فقیری زند بر سر و بر سینه‌اش

طفل یتیمی شده نوحه سرای علی

بذل و عنایت ببین لطف و کرامت ببین

قسمت قاتل شده سهم غذای علی

می‌دمد از سنگ‌ها نالۀ «یا سیدی»

می‌چکد از نخل‌ها اشک عزای علی

ثروت هر کس همان مال و منالش بوَد

هستی «میثم» بـوَد مهـر و ولای علی

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل نهم؛ وداع با ماه مبارک رمضان**

احسان محسنی فر

دیدی رمضان رفته و پر باز نکردم

تا خیمه گهِ سبز تو پرواز نکردم

ماه تو گذشت عاشقی آغاز نکردم

من پُست غلامیِ تو احراز نکردم

ساقی بده جامی که تو را درک نکردم

شاید که دگر میکده را درک نکردم

من لایق مهمانی ات ای یار نبودم

من قابل الطاف تو ای یار نبودم

بودم به حضور تو و انگار نبودم

در محضر تو بودم و انگار نبودم

من بار دگر خسته و تنها شدم ای وای

شرمنده ی تو یوسف زهرا شدم ای وای

شب های مناجات و دعا رفت ز دستم

فیض سحر ذکر خدا رفت ز دستم

یک ماه نه یک عمر صفا رفت ز دستم

همسفرگیِ با شهدا رفت ز دستم

جامانده ترین رهروِ این جاده منم من

از پا و نفس بین ره افتاده منم من

افسوس که رفته ز کفم حاصلم ای دوست

آلوده نمودم به چه سرعت دلم ای دوست

بیمار گناهم چه کنم غافلم ای دوست

بنما تو به درک عرفه شاملم ای دوست

راضی شو ز من گرچه گنهکار و حقیرم

بنگر به «أجِرنا» پیِ احسان مجیرم

من جز تو کسی را گل زهرا نستایم

شکرانه به جا آورم از این که گدایم

با عشق تو می سوزم و می سازم و آیم

تا آنکه زنی در حرمت قفل به پایم

بگذار سحرها به قنوت تو بمانم

مثل تو سحر ناله ی العفو بخوانم

شب های زیارت ز دل خسته دلان رفت

هم ناله شدن با نفس سینه زنان رفت

گریه ز غم قافله ی اهل جنان رفت

تا اینکه براتی ز تو گیریم زمان رفت

هرکس که از او قلب تو دلدار رضا شد

داریم یقین روزیِ او کرب و بلا شد

دست کرمت گر ز کسی دست نگیرد

بیچاره شود زار و گنهکار بمیرد

خوش بخت هر آنکه دلت او را بپذیرد

از لوث گنه پاک شده عید بگیرد

بر ما که فقیران ره تزکیه هستیم

عیدی بده ما مستحق فطریه هستیم

ای آن که تو صاحب به زمین و به زمانی

هستی به کنار همه و باز نهانی

فرزند رضا ضامن عشاق جهانی

ای کاش نمازی به صف فطر بخوانی

تا آنکه به دست دل تو دل بسپاریم

سر بر قدمت یوسف زهرا بگذاریم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد فردوسی

وقت جدایی من و ماه صیام شد

یعنی غروب طلعت این بارِ عام شد

دارد بساط ماه خدا جمع می شود

آه درون سینه ی ما مستدام شد

توشه برای روز جزا بر نداشتم!

فرصت گذشت و خوشه ی عمرم تمام شد

یادش به خیر... سوز مناجات نیمه شب

وقتی که با خدا دل ما هم کلام شد

یادش به خیر... لحظه ی افطار... تشنگی

نام حسین گفتن ما التزام شد

دست ادب به سینه نهادم به سوی او

اشکم روان و ذکر لبم اَلسَّلام شد ...

... وای از دمی که خنده ی کوفی جماعتان

بر زخم بی شمار تنش التیام شد

هر کس به نوبه ی خودش از او بها گرفت!

وقتی میان قتلگهش ازدحام شد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد میرهاشمی

قسم به عشق جدایی ز آشنا سخت است

جدایی از سحر و محفل دعا سخت است

برای دیده شب زنده دار خود گریم

قسم به اشک سحر دوری از بکا سخت است

صفای هر دل عاشق مرو مرو رمضان

دوباره رویت دل های بی صفا سخت است

بیا مرو که شیاطین دوباره می آیند

بدون جلوه تو انس با خدا سخت است

دوباره وقت اذان غفلت عارضم گردد

غم جدایی از ذکر ربنا سخت است

پرستوی دل ما را ز بام خود مپران

که ترک سفره شاهانه بر گدا سخت است

بعید نیست به زودی فرا رسد مرگم

امان که این سفر آخرت دلا سخت است

قیامتی است قیامت که روز وانفساست

اگر نظر ننماید امام رضا سخت است

مرا به ساحل دیدار دلبرم برسان

شکسته کشتی و دریایی از بلا سخت است

بگو به خیمه نشینان جبهه ای شهدا

فدائیان حسین دوری از شما سخت است

هنوز مرغ دل خسته ام مهیا نیست

هنوز پر زدنم سوی کربلا سخت است

خدا کند به دلم مهر نوکری بزنند

خدا کند خودشان سوی دلبرم ببرند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مصطفی هاشمی نسب

آخــر مــاه شــد و مــاه نیــامد آخر

سی سحر نـاله زدیم آه نیــامد آخر

بـا کلافی سر بـازار نشستیـم ولی

حیف شد یوسفم از چاه نیــامد آخر

جان ما از غم دوریش به لب آمده است

صـاحب غیبـت جـانکــاه نیــامد آخر

شام هجران رخش از سر ما رخت نبست

فجــر امیـد سحـرگــاه نیــامد آخر

ترسم این است دوباره به تباهی بروم

مشعـل و روشـنی راه نیــامد آخر

روضه قتلگه جد غریبش سخت است

ای خــدا حضرت خونخـواه نیــامد آخر!

مرکبش خونی و بی صاحب و گریان برگشت

ذوالجنــاحا، ز چه رو شـاه نیــامد آخر؟

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رحمان نوازنی

آقا سلام! ماه مبارک تمام شد  
شب­های آخر من و ماه صیام شد  
درهایی از ضیافت حق بسته شد ولی  
پشت در نگاه شما ازدحام شد  
سفره دوباره جمع شد و دیر آمدیم  
دیر آمدیم و قسمت ما فیض عام شد  
بین دعای آخر سفره دعا کنید  
شاید که سال، سالِ ظهور امام شد  
آقا دعا کنید که شب­های آخر است  
شاید که مهمانی ما هم به کام شد  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

حیف که ماه رمضان شد تمام ماه دعا ماه صلات و صیام

ماه خدایی شده خود ساختن دل ز همه شسته به او باختن

ماه پر از نور الهی شدن خانۀ دل طور الهی شدن

شب همه شب تاب و تبی داشتیم اشک و مناجات شبی داشتیم

ماه خدا داشت چه عمر کمی عمر کمش بود به سان دمی

ذکر خفی ورد جلی داشتیم زمزمۀ علی علی داشتیم

روز در آغوش خدا جای ما شب همه شب لیلۀ احیای ما

روز نفس‌ها همه بودی نماز شب همه در ناله و راز و نیاز

روز ز سوز عطش افروختن شب همه دم شمع شدن سوختن

نیمۀ مه هر چه سخن داشتیم بر لب خود مدح حسن داشتیم

جلوه ز حُسن ازلی داشتیم روشنی از ماه علی داشتیم

ماه خداوند علیک السلام رفتی و باز آمده عید صیام

عید خدا عید دعا عید نور چشم بد از صبح دل‌آراش دور

عید قبولی صیام همه سجده و تکبیر و قیام همه

عید وصال است وصال خدا محو شدن محو جمال خدا

خندۀ شادی به لب روزه‌دار آتش حسرت به دل روزه‌خوار

آن که در این مه زده خود را به خواب وای بر او در صف یوم الحساب

طایفه‌ای را همه با جام نور داده خداوند شراباً طهور

وصل خدا شامل حال همه قرب خداوند حلال همه

طایفه‌ای تلخ شده کامشان روز شده تیره‌تر از شامشان

کور ز دیدار تجلاّی نور دور ز رحمتِ خدای غفور

ما به تولّای علی زاده‌ایم روز ازل دل به علی داده‌ایم

این سخن خلق همه عالم است گر چه روان از قلم «میثم» است

سرود آب و گل ما یا علی است حرف زبان و دل ما یا علی است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید قاسمی

وقتِ خداحافظیه، مهمونی ام تموم شد!

حسرتِ این روزایِ خوش، بغضی توی گلوم شد

صاب خونه ممنون توأم، هیچ چیزی کم نذاشتی

با اینکه لایق نبودم، سنگ تموم گذاشتی

نمی تونم دل بِکنم، جدایی خیلی سخته!

بدرقه رفتن اینطوری، خدایی خیلی سخته!

ماه رمضون کجا میری!؟ نرو دلم می گیره

از این به بعد باز غروبا، بی تو دلم می گیره

تا سال بعد چیکار کنم! زنده شاید نباشم

با چشم گریون دوباره، از تو باید جداشم

حرف جدایی که میشه، دلم عزا می گیره

دلم به یادِ روضه های کربلا می گیره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش ششم؛ اشعار منتخب بصیرتی**  
هوشیار فرازمند  
ماهواره در درون خانه چون یابد نفوذ  
می کند انواع آفتهای اخلاقی بروز  
آفت بی غیرتی ، بی عفتی و هرزگی  
آفت بی دینی و رجّالگی ، دریوزگی   
چون نهادی دیش بر بام سرا و خانه ات  
می دهی بر باد، جانا غیرت مردانه ات  
گوهر عفت به یغما می برند از همسرت  
شب کلاه بی حیایی می گذارند بر سرت  
دخترت با جامه و آرایشی شیطان پسند  
در ره اهداف ابلیس لعین پا می نهد  
برده ساز و غنا و رقص و شهوت می شوی  
سوی محفلهای شیطانی تو دعوت می شوی  
اعتقادت بس ضعیف و سست ایمان می شوی  
در نبرد خیر و شر مغلوب میدان می شوی  
ماهواره چون درون خانه تو پا نهاد  
هم جهاد و روزه و سجاده ات بر باد، باد  
چشمهایت هرزه گردد، سیرتت بد می شود  
یاد شهوت در دلت سنگین و بی حد می شود  
می کشد تا نیستی کانون گرم خانه را  
می زند بر هم بساط گرمی کاشانه را  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مرحوم محمدرضا آقاسی

خواهرم ای دختر ایران زمین             یک نظر عکس شهیدان را ببین

در خیابان چهره آرایش مکن              از جوانان سلب آسایش مکن

خواهر من این لباس تنگ چیست            پوشش چسبان رنگارنگ چیست

پوشش زهرا و زینب بهترین                بر تو ای محبوبه خواهر آفرین

پیش نامحرم تو طنازی مکن              با اصول شرع لجبازی مکن

یادت آید از پیام کربلا                    گاه گاهی شرمت آید از خدا

در جوارش خویش را مهمان نما              با خدا باش و بده دل را صفا

یاد کن از آتش روز معاد                   طره ی گیسو مده بر دست باد

زلف را از روسری بیرون مریز                 با حجاب خویش از پستی گریز

در امور خویش سرگردان مشو                نوعروس چشم نامحرم مشو

خواهر من قلب مهدی خسته است             از گناه ماست کو رو بسته است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید مصلحی  
رخت زیبای آسمانی را خواهرم با غرور بر سر کن  
نه خجالت بکش نه غمگین باش چادرت ارزش است، باور کن  
  
بوی زهرا و مریم و هاجر از پر ِچادرت سرازیر است  
بشکند آن قلم که بنویسد دِمُدِه گشت و دست و پا گیر است  
  
توی بال فرشته‌ها انگار حفظ وقت عبور می‌آیی  
کوری چشمهای بی‌عفت مثل یک کوه نور می‌آیی  
  
حفظ و پوشیده در صدف انگار ارزش و شأن خویش می‌دانی  
با وقاری و مثل یک خورشید پشت یک ابر تیره می‌مانی  
  
خسته‌ای از تمام مردم شهر از چه رو این‌قدر تو غم داری؟

نکند فکر این کنی شاید چیزی از دیگران تو کم داری  
  
قدمت روی شهپر جبریل هر زمانی که راه می‌آیی  
در شب چادرت تو می‌تابی مثل یک قرص ماه می‌آیی  
  
سمت جریان آب‌ها رفتن هنر هر شناگری باشد  
تو ولی باز استقامت کن پیش رو جای بهتری باشد

پر بکش سمت اوج می‌دانم که خدا با تو است در همه‌جا  
پر بزن چادرت تو را بال است و بدان می‌برد تو را بالا  
   
در زمانی که شأن و ارزش جز به دماغ و لباس و ماشین نیست  
توی چادر بمان و ثابت کن ارزش واقعی زن این نیست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد موحدیان

در زمان غيبت اي ياران بصيرت لازم است

گرچه در هر عصر و هر دوران بصيرت لازم است

در زمان غربت اسلام ناب و راستين

مسلمين را در دفاع از آن بصيرت لازم است

حق و باطل چون بهم آميخت يا وارونه شد

بهر تشخيصش به هر انسان بصيرت لازم است

در هجوم فتنه و امواج طوفان بلا

تا شناسي نوح كشتيبان بصيرت لازم است

اين نياز اول هر ذي شعور و عاقل است

شيعه را البته صد چندان بصيرت لازم است

بالاخص امروز كز هر موج خيزد فتنه اي

بر نجات از ورطه طوفان بصيرت لازم است

بهر حفظ وحدت و دشمن شناسي اين زمان

بيشتر بر مردم ايران بصيرت لازم است

گرگ‌ها را در لباس ميش و باطل جاي حق

تا كه بشناسي به هر عنوان بصيرت لازم است

نوح را فرزند چون نااهل شد از بهر دوست

طرد او با دشمنان يكسان بصيرت لازم است

در زمان انتخاب مال و جان يا آرمان

بهر بگذشتن ز مال و جان بصيرت لازم است

گرچه يابد عترت و قرآن كنار هم كمال

در كنار عترت و قرآن بصيرت لازم است

بعد پيغمبر كه امت غافل از حق شد به حق

تا كه اين غفلت شود جبران بصيرت لازم است

سخت باشد امتحان بهر خواص خودپرست

بر نجات از پنجه شيطان بصيرت لازم است

حال فعلي چون كه ميزان است از قول امام

در قضاوت با چنين ميزان بصيرت لازم است

عهد بستن با شهيدان كار احساس است و عشق

بهر ماندن بر سر پيمان بصيرت لازم است

با اميد ياري از رهبر، امام المسلمين

در زمان غيبت اي ياران بصيرت لازم است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش هفتم؛ گلچین مجالس مداحان**

**فصل اول؛ مناجات**

ترک01ـ مناجات[[29]](#footnote-29)

ای حی سبحان در ماه غفران سوی تو آمد عبد پشیمان

غرق تباهی با رو سیاهی گوید الهی از روی احسان

واستر عیوبی اغفر ذنوبی الهی العفو الهی العفو

یاذا المعالی با دست خالی رو کرده ام بر مولی الموالی

تو سفره داری رویم نیاری اشکو الیک من سوء حالی

یا قابل التوب یا غافر الذنب الهی العفو الهی العفو

دستم گرفتی چیزی نگفتی از فعل زشت و جرم و خطایم

دیدی جفایم دادی بهایم جای خطایم کردی عطایم

اکشف کروبی واغفر ذنوبی الهی العفو الهی الفو

حرمت شکستم غافل نشستم کردی فراموش نان و نمک را

رفته زیادم قبر و معادم پروا نکردم از روی مولا

یارب به زهرا انظر الینا الهی العفو الهی العفو

در می زنم من در این دل شب از ظلم عصیان خلصنی یارب

گر بی نوایم غرق خطایم ما را ببخش بر سالار زینب

واستر عیوبی اغفر ذنوبی الهی العفو الهی العفو

در بین گودال افتاده بی حال گردیده پامال قرآن زینب

بر خاک صحرا مظلوم زهرا هی می کشد پا جانان زینب

ذبح عظیم است شاه کریم است مظلوم حسینم مظلوم حسینم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ مناجات[[30]](#footnote-30)

الهی عبد گنهکار آمده دوباره گدای سربار آمده

بنده ات به شوق دیدار آمده

الهی عبد پشیمان توام سائل و محتاج احسان توام

رد مکن امشب که مهمان توام

قبولم بنما شبیه شهدا الهی اغفر لنا تقصیرنا

آمدم شنیدم می خری مرا بنما یک لطف دیگری مرا

از کرم تا نجف کی بری مرا

امشب که من بی قرار مهدی ام تا سحر در انتظار مهدی ام

مشتاق وصل و دیدار مهدی ام

کجایی آخر نگار آشنا الهی اغفر لنا تقصیرنا

هستم من به زیر دین فاطمه عفوم کن به نور عین فاطمه

آمدم من با حسین فاطمه

آمدم امشب با شاه سر جدا الهی اغفر لنا تقصیرنا

به حق ارباب بی کفن حسین به حق یار دور از وطن حسین

به حق آن پاره پیرهن حسین الهی اغفر لنا تقصیرنا

نامه ی مرا دست زهرا بده شب قدر بیا روزی من بده

جانم را بگیر و کربلا بده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ مناجات[[31]](#footnote-31)

اومدم نیمه شبی دعا کنم سر صحبتُ شاید که وا کنم

من می خوام که با خودت حرف بزنم من می خوام که با خودم دعوا کنم

یعنی میشه با تو درد دل کنم یعنی میشه دردامُ دوا کنم

اومدم خستگی هامُ بگیری خودمُ سبک تر از هوا کنم

کمکم کن به همین شب عزیز هر چی حق مردمه ادا کنم

دستم اینقدراهم اینجا خالی نیست بلدم یه گرد و خاک به پا کنم

برا تو بده اگر که من برم برم و سفرتُ بی گدا کنم

بذار کار من به اینجا بکشه که برم حسینتُ صدا کنم

می شینم انقده یا حسین میگم دل مادرش رُ کربلا کنم

تا نبخشی تو خودت محاله که چادر مادرمُ رها کنم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ مناجات[[32]](#footnote-32)

موقع سر شماریه منم با اینا بنویس اسممُ از بدا درآر قاطی خوبا بنویس

چی میشه تقدیر من کی میشه دستگیر من

منی که رو سیاهم محتاج یک نگاهم بگذر از اشتباهم

الهی العفو الهی

حواس من بهت نبود چه فرصتا بهم دادی دور شدم از تو ولی باز دنبال من فرستادی

حالا شب رحمته این آخرین مهلته

دستای من بلندند دارن در و می بندند نذار بهم بخندند [[33]](#footnote-33)

یه گوشه چشمی کن خدا به التماس و خواهشم به کی باید قسم بدم که پیش تو قبول بشم

تو رُ به جون علی به فرق خون علی

به پهلوی دریده به قامت خمیده به دستای بریده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ مناجات[[34]](#footnote-34)

می دونی که از تاریکی قبر خیلی می ترسم برس به دادم

موقع مرگم لااقل ای کاش ضامن آهو باشه به یادم[[35]](#footnote-35)

الهی العفو الهی العفو

ترسی که دارم از لحد و از عذاب قبر و سوال جوابه

توشه ندارم خالی دستم دلشوره هام از حساب کتابه

الهی العفو الهی العفو

امون از اون روز که آشناها میرن و دیگه تنهام می ذارند

امیدم اینه آقام حسین و حضرت زهرا هوامُ دارند[[36]](#footnote-36)

الهی العفو الهی العفو

آهای رفیقا موقع دفنم کنار تلقین بگید حسین جان

من یه غلامم کفن نمی خوام ارباب من بود بی سر و عریان

حسین حسین جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ مناجات[[37]](#footnote-37)

اومده صبح اجابت وقت بندگی عبادت

کی دیده یه ماه کامل وا باشه درای رحمت

وقتشه برای چند شب که ما هم خدایی باشیم

با هزار تا استغاثه دیگه از قفس رها شیم

توی کوچه باغ دلها می پیچه نسیم یارب

دیدنیه این شبا که مهمون خداییم هر شب

الهی العفو الهی العفو

نفسا که در شماره ست دیده ها پر ستاره ست

می ریزه ناله و شیون از دلی که پر شراره است

دلمُ دیوونه کردی سحرای دل سپردن

به سر ذولف نگارم عاشقونه گره خوردن

این شبا که چشم خستم غرق اشک و التماسه

دخیل تار عبای یه غریب ناشناسه

الهی العفو الهی العفو

آقایی که کوچه های کوفه می شنوند صداشُ

می بینند نیمه های شب تا خرابه رد پاشُ

دنبال رد نگاهش کوچه ها در به در او

سراغ بابا می گیرند یتیما از دختر او

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ مناجات[[38]](#footnote-38)

توی رو سیاها رو سیا تر از من نداری توی بی نواها بی نواتر از من نداری

نیمه شب آواره گرمی بازار توام دست خالی اومدم بگم خریدار توام

کورم اما پر کشیدن خوباتُ می بینم رام بدی میام و رام ندی همین جا می شینم

همه ی پلای پشت سر من خراب شده تو آتیش گناهام یخ جوونیم آب شده

روم نمیشه سرمُ بالا بگیرم ای خدا دارم از خجالت گناه می میرم ای خدا

آخه آلوده شده بازم لباس دل من تو بگو چیکار کنم حل نمیشه مشکل من

تو سرت شلوغه و به خلوت من نمیای توی خلوت پر از معصیت من نمیای

دارم از دستت میرم کاری برام نمی کنی این همه صدات زدم یه بار نگام نمی کنی

منُ خالی از خودم کن تا که از تو پر بشم من اسیر گنهم یه کاری کن که حر بشم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ مناجات امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)[[39]](#footnote-39)

نفس نفس جون می کنم کنج قفس همیشه غرق خودمم میون گرداب هوس

تموم شدم دیدی چجور حروم شدم یه قطره از چشام چکید کشته ی آبرو شدم

باز دوباره داره بارون می باره کیه داره اسم منُ میاره

یابن الحسن مولای من مولای من دستی بکش روی سرم به عاشقات سری بزن

دل بستم و توبه هامُ شکستم و در خونت نشستم و بازم بگیری دستمُ

آقا بیا آقایی کن دوباره نجات من برات کاری نداره

در به درم از این طرف به اون طرف گاهی میرم به کربلا گاهی میرم صحن نجف

پریشون پریشون پریشونم نمی دونم نمی دونم از کجا روضه بخونم

من تو نجف سر شکسته دیدم تو کربلا داغ سر بریدم

شیب الخضیب افتاده تو بستر غریب زبون گرفته زینبت با ناله ی امن یجیب

ای دخترم اصل غمت محرمه شیب الخضیب بعد من حسینمه حسینمه

من خوب میشم با اشک دونه دونه ولی حسین شیب الخضیب می مونه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ مناجات امام زمان(عجل الله فرجه)[[40]](#footnote-40)

السلام یا عشق فاطمه یک کاری بکن اشک من کمه

من با رفقام گریه می کنم تا اینکه صداها گم بشه تو همهمه

السلام یا عشق با وفا امشبُ یه بار بین ما بیا

من نوکرتم جان مادرت من هیچی به خاطر دل اینا بیا

اومدم با تو امشب بشینم تو تو آسمون من رو زمینم

از زخم زبون جون به لب شدم کاشکی تو رُ یک لحظه تو رویا ببینم

از حال دلت من با خبرم این جا هم نیام پس کجا برم

تو خسته شدی از دست کارام ای روم سیاه خاک عالم به سرم

کوچه ها پر از بچه یتیم ماهرم ببر ما خیلی بدیم

کاسه های شیر دست بچه هاست ما با کاسه های چشم پر خون اومدیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم؛ وفات حضرت خدیجه(علیها السلام)**

ترک 01ـ روضه[[41]](#footnote-41)

مادر به نونهالی زهرا قسم مرو مادر تو را به عصمت طاها قسم مرو

بابا غریب تر شود ازاینکه دیده ای رحمی کن و به غربت بابا قسم مرو

یک دست مهربان به سر دخترت بکش بر این یتیم بی کس و تنها قسم مرو

یک شهر بر علیه پدر نقشه می کشند ای بانوی بهشت به عقبی قسم مرو

بر دشمنان فاطمه نفرین بگو ولی با این دل شکسته از اینجا قسم مرو

بر بازویم کنون بوسه میزنی ای دست بوس فاطمه من را قسم مرو

باور نکن که چهره ی زهرا شود کبود گریه نکن به صورت حورا قسم مرو

من سعی می کنم نروم پشت در ولی پیشم بمان به یاری مولا قسم مرو

من خود به خود به آتش دل مبتلا شدم شعله مزن فزون تر از این ها قسم مرو

با این کفن چه انس گرفته نگاه تو جان حسین بی کفن ما قسم مرو

دنیا به تو اگرچه وفائی نداشته اما به با وفائی زهرا قسم مرو

بالا سر مادر داشت گریه می کرد، کنیزها زهرا رُ از کنار بدن خدیجهدور کردند. هی زار می زد، می گفت: مادر بمیرم، ولی رفتن تو رُ نبینم، اما من میگم خانم جان! خدیجه جان! بدنت سالم بود و دخترت اینجوری ناله می زد، آی بمیرم برای اون دختری که می گفت مادر هرچی من حرف می زنم تو جواب نده، چون وقتی لب از لب باز می کنی، زخم هات سر باز می کنه، مادر من هر روز بسترت رُ عوض می کنم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ روضه[[42]](#footnote-42)

ای داده به اسمت شرف و نام خدیجه ای بسته به طوفت فلک احرام خدیجه

ای همسر پیغمبراسلام خدیجه ای عصمت حق فاطمه را مام خدیجه

ای ختم رسل را ز شرف نور دو دیده پیش از شب بعثت به محمد گرویده

ای برتو سلام آمده از داور هستی بگذشته در آئین نبی از سر هستی

دلداده و دل برده ز پیغمبر هستی زین بعد که بخوانند تو را مادر هستی

الحق که خدا هستی خود را به تو داده ام النجبا فاطمه زهرا به تو داده

ای مکه زخاک قدمت خلد مخلد ای عصمت معبود و امید دل احمد

اسلام ز پا خواست وگردید موید از ثروت تو تیغ علی خلد محمد

تا هست خلائق که خدا را بپرستند مرهون فداکاری وایثار توهستند

آن روز که پیغمبر اسلام شبان بود در سینه ی او سر خداوند نهان بود

پیش از همه پیغمبری اش برتو عیان بود ایمان تو پروانه ی آن شمع جهان بود

حق برهمه زن های جهان سروری ات داد با خواجه ی عالم شرف همسری ات داد

تنها نشدی همسر ودلدار محمد در سخت ترین روز شدی یار محمد

در شدت غم گشتی غمخوار محمد پیوسته دلت بود گرفتار محمد

در پیش رویت گشت وجودت سپر سنگ باشد که کنی در ره او چهره زخون رنگ

گاهی پیغمبر رُ به خاطر تبلیغ توحید سنگ باران می کردند، می دیدند یک خانمی اومده جلو ایستاده، میگه منُ بزنید. اما تا زینب به دنیا اومد، پیغمبر بغلش کرد گریه کرد. فاطمهعرض کرد باباجان چی شده؟ فرمود: دخترم این دختر خیلی شبیه خدیجه ست. انقده به عشق حسین زینبُ زدند...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ روضه[[43]](#footnote-43)

یه درد دل کرد بادختر، فاطمه اومد پهلوی رسول خدا، باباجان مادرم اینطور گفته: پیغمبر انقدر گریه کرد، اما خدا نگذاشت رسول خدا خجالت بکشه. جبرئیل نازل شد پنج تا کفن آورد، یارسول الله! یه دونه برای خدیجه ست، یه دونه برای توئه، یه دونه برای دخترت زهراست، یه دونه برای علیه، کفن آخر برای حسنه، فاطمه با خبر شده می دونه چه خبر شده، سهم حسینشُ خودش بافته، خودش پیراهن براش دوخته، اما وقتی زینب را آورود، گفت: این ساروق بسته رُ باز کن توضیح داد کفن ها رُ، زینب از هیچ جا خبر نداره، یه مرتبه گفت: مادر پس کفن حسینم چی میشه؟ چرا برای حسین کفن نذاشتی؟ پیراهن رُ به دست گرفت، پیراهن را به دست دختر داد. فرمود: دخترم این سهم حسینه، اون لحظه ی آخر وقتی میاد باهات وداع بکنه، یادت باشه یه سفارش مادر بیشتر نداره، وقتی این پیراهن رُ ازت خواست، عوض من زیر گلوی حسینُ بوسه بزن. داستان کفن برای زینب حل شد، پیراهن رُ گرفت، اما اینکه چرا مادر گفت جای من زیر گلوی حسین رُ بوسه بزن، هنوز برای زینب حل نشده، تا اون موقعی که اومد بالای گودال دید نانجیب خنجر روی حنجر برادر گذاشته...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ زمینه[[44]](#footnote-44)

زار ومحزون و دل شکسته دختری تنها و خسته

بالای پیکر مادر کنار باباش نشسته

هنوز اون سنی نداره دل پریش و بی قراره

بارون چشمای خیسش می باره همش ستاره

ممنونم اگر نروی می میرم اگر بروی

مادر مرو مرو مادر

شب غم شب پائیزه شب مرگ یک عزیزه

دختری برای غسل مادر خود آب میریزه

دختری که سوگواره عزای مادرُ داره

به جای کفن عبای بابا رُ میره میاره

مادر مرو مرو مادر

پریشونه داره بونه دلش از زمونه خونه

کنار پیکر مادر روضه ی حسین میخونه

میگه از حد جسارت میگه از چشم حقارت

میگه از گودال خون و پیرهن رفته به غارت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ زمینه[[45]](#footnote-45)

قلب حیدر گرفته بود دستی بر سر گرفته بود

مادر دنیا غصه دار ذکر مادر گرفته بود

چشم زهرا بهاریه وای وای وای

سرگرم آه و زاریه وای وای وای

کار اون خونه داریه وای وای وای

وای وای وای واویلتا

بازندگی ساده ای بر دلها پا نهاده ای

ام الزهرا همه میگن عشق این خانواده ای

وقف دین شده جان تو وای وای وای

مقبول امتحان تو وای وای وای

آن قلب بی کران تو وای وای وای

وای وای وای مادر

دلها رفته کرب و بلا دور اون گنبد طلا

زهرا باز روضه میخونه مثل هرشب پائین پا

وای از گودال کربلا وای وای وای

فریاد وا محمدا وای وای وای

والشمر و جالس علی وای وای وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ زمینه[[46]](#footnote-46)

یا خدیجه ای همیشه یار احمد ای به موج غصه ها غمخوار احمد

ای نگاهت باعث آرامش او با تو بودن با تو ماندن خواهش او

واغریبا واغریبا واغریبا

ای که هستی مادر زهرای اطهر فخر تو بس گشته داماد تو حیدر

بین زن های پیمبر بی قرینی تو برای شیعه ام المومنینی

واغریبا واغریبا واغریبا

می وزد بوی پیمبر از تن تو روز محشر دست ما و دامن تو

رشته ای از چادرت حبل المتین است ای که دامادت امیرالمومنین است

واغریبا واغریبا واغریبا

شد محمد بعد تو تنهای تنها در هجوم طعنه و زخم زبانها

بعد تو آتش به جان حیدر افتاد دختر تو بین دیوار و در افتاد

آتش کین می کشید از در زبانه بازوی زهرا کجا و تازیانه

فاطمه جان فاطمه جان فاطمه جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شور[[47]](#footnote-47)

تنگه دلم بازم برا غم تو سر می کنم بازم با ماتم تو

بانوی حضرت رسول خاتم سینه زنت شدم با این دم تو

از جود واحسانته سفره ی اهل بیت اگر که برپاست

اگه دلامون هوائیه زهراست اگه چشامون به چشای مولاست

یا ام مومنین بی بی خدیجه

رفتی و غصه داره دختر تو رفتی و خونه چشم همسر تو

رفتی و پا گرفته با ملائک نماز گریه بالای سر تو

آروم آروم بسته شد وقتی چشای تو به روی عالم

عزاگرفت برات رسول خاتم روضه خونت شدن با زهرا باهم

یا ام مومنین بی بی خدیجه

خوب شد که رفتی و ندیدی زهرا مونده به پشت در برای مولا

خوب شد نمی ببنی یک روز دخترت نمی تونه که حتی پاشه از جا

حالا آروم گریه کن دیگه نکن به دخترت تبسم

که بی حیا میشن یک روزی مردم پشت در خونه میارن هیزم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ ولادت امام حسن(علیه السلام)**

ترک01ـ شعر[[48]](#footnote-48)

خدا به هر که شبی عاشقانه تر داده دو چشم جاری و اشکی روانه تر داده

زمان خلقت عالم خدای عشق پسند به عاشقان جگری پر زبانه تر داده

کنار سفره ی اکرام آمدم دیدم کریم رزق مرا دیدگان تر داده

به نیمه ی رمضان حق فاطمه به علی ز بوی عشق شبی جاودانه تر داده

اگر چه نسل امامان حسینی است خدا به مجتبی نمکی مادرانه تر داده

شکوه عشق ز لبهای یار می ریزد رگ گدا شدنم را چه بر می انگیزد

 تو آسمانی و می ریزد از تو بال فقط یکی دو بال به مرغ دلم بمال فقط  
و بعد خوب تماشا کن و ببین چطور در آسمان توام من تمام سال، فقط

تو ریسمان بلند خدایی و من هم رسیده ام که بگیرم نخی ز شال فقط

اگر چه داشته باشد علی هزار پسر تویی کریم ترین مرد ایل و آل فقط

نوشته اند که باشی خدای شاه و گدا نوشته اند که باشم فقط سوال فقط

سپیده ی سحرم را تو شام تار مکن مرا به غیر در خانه ات دچار مکن

کریم! باز کرم کن که باز منتظرم ببینم از پس پسره تو را به چشم ترم

قلوب منکسر عاشقان که هست اصلا تو احتیاج نداری به بارگاه و حرم

سوال می کنم از تو سوال کن از من که جز تو خواهش خود پیش دیگری نبرم

طمع به جود تو امری است لاجرم آقا یکی دو کیسه بده تا اضافه تر ببرم

به من مگو که بگیر و برو خداحافظ من خراب شده چند روزی است کرم

تو مرهمی تو دوای دل خراب منی تو میکده تو بساط می و شراب منی

تو آفریده شدی تلو کردگار شوی فرید باشی و خود آفریدگار شوی

من آفریده شدم تا که ریزه خوار شوم تو آفریده شدی تا که سفره دار شوی  
عجیب نیست از این تار و مار دل، زیرا قرار بود که زیبای روزگار شوی  
چقدر پای پیاده به حج سفر کردی یکی دو مرتبه خوب است تا سوار شوی  
شلوغ می شود و راه بند می آی همین که بر سر کوچه آشکار شوی  
خیال می کنم امشب که عابرت شده ام کنار کوچه نشستی و زائرت شده ام[[49]](#footnote-49)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ شعر[[50]](#footnote-50)

ای عشق ببین حال پریشانی ما را ای شوق نشان آتش حیرانی ما را

ای شور بیاور می طوفانی ما را تا صبح ببین ناد علی خوانی ما را

ما مرد شرابیم اگر هست بیارید ما را به در بیت علی مست بیارید

دیدند همه قبله ی دنیا شدنش را ذوق علی و گرم تماشا شدنش را

دیدند و ببینید مهیا شدنش را لبخند علی و شب بابا شدنش را

تنها نه پدر عاشق خندیدن او بود تا صبح نبی منتظر دیدن او بود

انگار شب قدر مقدر شده امشب انگار نبی باز پیمبر شده امشب

برخیز زمین گوش زمان کر شده امشب برخیز و ببین فاطمه مادر شده امشب

یک جلوه ز تصویر خداوند رسیده امشب پسر شیر خداوند رسیده

یک چشم بگردان و زمین زیر و زبر کن یک ناز بفرما همه را خون به جگر کن

بند آمده این راه از آن کوچه گذر کن ما خاک قدمهات به ما نیز نظر کن

چشمان تو محراب سحرهای حسین است آقا پسران تو پسرهای حسین است

وای از جلوات جبروتی که تو داری از شدت نور ملکوتی که تو داری

فریاد از آن اوج سکوتی که تو داری حق گرم تماشای قنوتی که تو داری

پیش تو ذلیلم به ضریحی که نداری یک عمر دخیلم به ضریحی که نداری

دور و برتان این همه بیمار اگر هست یا این همه در شهر بدهکار اگر هست

انقدر گدا بر در و دیوار اگر هست تقصیر که شد این همه سربار اگر هست

دیدند کرم روی کرم می دهی آقا ماندیم عجب بوی کرم می دهی آقا

چشم تو سخن از غم و از صبر به من گفت از شمع شدن شعله شدن آب شدن گفت

با لطف تو چشمان من اینگونه سخن گفت یک چشم حسینی شد و یک چشم حسن گفت

هر چند خدا خواست کرم داشته باشی انگار بنا نیست حرم داشته باشی

سوزاند اگر غصه تو بال و پرم را سوزاند غم زینبیه هم جگرم را

من نذر نمودم که کنم هدیه سرم را ای کاش بیارند از آنجا سرم را

سوگند در این سینه غم خواهر تو هست هستیم سپر تا حرم خواهر تو هست[[51]](#footnote-51)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ شعر[[52]](#footnote-52)

حق از زلال چشم تو ساغر درست کرد

ازخاک پای تو دُر و گوهر درست کرد  
ته مانده ی پیاله ی آب تو را گرفت

تا سلسبیل و چشمه ی کوثر درست کرد  
از گرد و خاک رزم تو کولاک آفرید

از شیوه ی نبرد تو محشر درست کرد  
باید برای وقت سکوتت ذبیح داد

باید هزارتا علی اکبر درست کرد  
دل روی دل برای تو باید ضریح ساخت

باید حرم برای تو دلبر درست کرد  
باید به جای شمع مزار تو آب شد

باید شبیه خاک مزارت خراب شد

عاشق شدن به گوشه نگاهت عجب نداشت

هرکس که دید روی تو را روز و شب نداشت  
ای قبله ی مدینه و درمان دردها  
جز خانه ی تو، شهر مدینه مطب نداشت  
با روی باز بر همگان لطف میکنی  
حتی به سائلی که رسید و ادب نداشت[[53]](#footnote-53)

سهمش قبول توبه نشد هر که در قنوت  
یا محسنُ بحق حسن روی لب نداشت  
 حیف از صحابه ی تو کسی خوش مثل نشد  
حیف از زمانه ی تو که آقا وَهَب نداشت  
اینجا نواده های تو صاحب حرم شدند[[54]](#footnote-54)

یعنی ارادت عجمی را عرب نداشت  
در شهر ری مزار تو را یاد می کنیم  
روزی رسد بقیع تو آباد می کنیم[[55]](#footnote-55)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ شعر[[56]](#footnote-56)

خدا پرده را تا ثریا گشود و راهی برای تماشا گشود

خدا محض دلهای مجنون ما سر مویی از زلف لیلا گشود

برای ظهور تمامی خویش ز خود جاده ای تا به دنیا گشود

به سوی کویری ترین خاک ها خدا دامنی غرق دریا گشود

شبی که پیمبر هم از تاب رفت شبی که گلی چشم خود را گشود

زمین و زمان را به هم ریخت باز نقاب از رخش تا که زهرا گشود

علی عرض تبریک حق را شنید ز لبهای او تا که بابا شنید

زمانی که جای دقایق نبود افق های خورشید مشرق نبود

زمانی که حتی تمام بهشت برای حضور تو لایق نبود

تو ما را ز خاک خودت ساختی زمانی که حرف از خلایق نبود

کسی مثل تو در پی ما نگشت کسی مثل ما بر تو عاشق نبود

قدم زن که چشم همه مست شد گذر بسته شد کوچه بن بست شد

بدون تو دنیا نسیمی نداشت خلیلی خدا یا کلیمی نداشت

چه می کرد با ازدحام گدا اگر سفره دار کریمی نداشت

زمین شوره زاری ترک خورده بود اگر آسمان یا کریمی نداشت

بدون تو شب تا ابد عمر داشت اگر آفتاب زمینی نداشت

تو میراث دوش علی برده ای که با تو مدینه یتیمی نداشت

بدون تو عباس حتی حسین برادر فقط نه که نیمی نداشت

شکوهت ابد تا ازل را گرفت خروشت سپاه جمل را گرفت

علی چهره ای بسکه حیدر شدی پیمبرتر از هر پیمبر شدی

دو رکعت به پشت سرت خواندنی است که با زلف خود قبله گستر شدی

حسینی و زنجیری ام می کنی حسن هستی و مجتبی تر شدی

تو زیبا ترین شعر پروردگار تو گیرا ترین جام کوثر شدی

خدا خانه دارد به عشق شما که از هر چه دارد خدا سر شدی

بده گیسوان را به دستان باد که عالم ببیند چه محشر شدی

نوشتند بر تیغه ی ذوالفقار حسن حیدر دوم روزگار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ شعر[[57]](#footnote-57)

اگر چه عاشق ناقابل شماست دلم بیا به خانه ی خود منزل شماست دلم

اگر که شیعه شدم از دل شماست دلم که از اضافه ی آب و گل شماست دلم

من آفریده شدم تا دل مرا ببری طفیل هستی عشقند آدمی و پری

تو آمدی رمضان سفره ضیافت شد شب تولد تو تازه ماه رویت شد

همین که در دو جهان کار تو کرامت شد خیال من دگر از روز حشر راحت شد

به شر آن که برای خدا حسن شده ای چهار رکعت یومیه های من شده ای

همیشه پشت در خانه ی تو مهمان است بیا ز خانه که در کوچه راه بندان است

هر آن کسی که گدایت نشد پشیمان است الا که گوشه ای از سفره ی تو ایران است

چه میشد اگر قبر تو در ایران بود شب ولادت تو صحن تو چراغان بود

سه بار زندگی ات را به این و آن دادی جزامی آمده و روی خوش نشان دادی

به آن که گفت به تو ناسزا امان دادی گرسنه بود و به او قرص های نان دادی

هزار سفره اگر هم فراهم آورده کرم کنار کریمی تو آورده

ازل ندیده دگر تا ابد همانندت غزل چه هست به جز بندهای دربندت

جمل شکسته شده فتنه اش ز ترفندت عسل شده است چه شیرین ز کام فرزندت

برای روز مبادا دو تا پسر داری دو تا پسر نه که یک جفت شیر نر داری

سفید نیست که سرخ است پرچم سرخت و نیست صحبت سازش در عالم صلحت

نبود تیغ برنده تر از دم صلحت بپاست کرب و بلا از محرم صلحت

سکوت تو ثمرش می شود قیام حسین شما امام حسن هستی و امام حسین

تو اعتبار زمین افتخار زهرایی قرار فاطمه ای بی قرار زهرایی

تویی که تا به ابد راز دار زهرایی میان کوچه فقط تو کنار زهرایی

دوباره حرف تو شد نام مادرت بردم مرا ببخش خاطر تو آزردم

گدا اگر که دمی با شما قدم بزند غنی شود برود خانه ی کرم بزند

کجاست آن که ته قصه را رقم بزند بیاید او و برای شما حرم بزند

بیا که جمعه ی ما موعد قیام شود بیا که ندبه ی این الحسن تمام شود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

 ترک06ـ شعر[[58]](#footnote-58)

می رسد عطر خوش از خانه ی زهرا به به

بوی اسپند گرفته همه جارا به به

باز در شهر مدینه شده غوغا به به

فاطمه مادر و حیدر شده بابا به به

نیمه ی ماه خدا قرص قمر پیدا شد

روزه ی ما همه با ذکر حسن جان وا شد

سفره انداختنش به که چه دیدن دارد

روی این یوسف خوش چهره چه دیدن دارد

هر قدر ناز کند باز خریدن دارد

دیدن روی حسن دست بریدن دارد

تا که روی قمر اندر قمر او تابید

یوسف مصر هم از دیدنش انگشت برید

به خدا تاج سر عالم و آدم حسن است

نوه ی ارشد پیغمبر اکرم حسن است

در حدیث آمده که عقل مجسم حسن است

حیدر بی مثل خط مقدم حسن است

بسکه سر ریخته است حوصله اش سر رفته

فن شمشیر زنی اش به! چه به حیدر رفته

رجزش ولوله ای در دل صحرا انداخت

وقت حمله به دو ابرو گره ای تا انداخت

میمنه میسره را یکسره از پا انداخت

نیزه ی او شتر سرخ جمل را انداخت

لشکری را هنر ضربه ی او شاکی کرد

پسر حیدر کرار چه کولاکی کرد

بود در جنگ جمل بازوی تدبیر علی

برق شمشیر حسن رفته به شمشیر علی

رجز او چه شبیه است به تکبیر علی

این حسن نیست بگویید به او شیر علی

بین میدان ز جگر داشتن او سخن است

رجز قاسم او چیست انا بن الحسن است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ سرود[[59]](#footnote-59)

جلوه ی لم یزل اومده اعجوبه ی جمل اومده

صنم دلربا نوبر فاطمه جانشین علی عشق دو عالمه

امام مجتبی زاده ی خیبره فرمانروای عرش پسر حیدره

شاهی که صاحب امشبه حافظ مرقد زینبه

تو امیر بی قرینه ای ابوتراب مدینه ای

انبیا سائل کرم تو آقا تو دل شیعه هاست حرم تو آقا

در خونت دلم سائله غلام تو ابوفاضله

خورشید یثربی امام عالمین اقتدا می کنه به تو ارباب حسین

داره نور علی نور میشه مدینه مون داره جور میشه

زیر پای آقا سر بذار سری توی سرا در بیار

این دل مبتلام عاشق مجتبی ست مهر شناسنامم اسم امام رضاست

هیجانی شده امشبم نام حسینه روی لبم

جوونای علی اکبری همه فدایی رهبری

باید رها بشم برات فدا بشم می خوام از عشق تو انگشت نما بشم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ سرود[[60]](#footnote-60)

سفره دار شهر الله حسن حسن یا کریم آل الله حسن حسن

حسن گل زهرا

شب شب عیده خبر رسیده فاطمه امشب افطاری میده

خدا خودش رُ تو آینه دیده آهای مدینه آقام رسیده

ماه اومد فلک زیبا شد دلهامون پر از غوغا شد

می میرند حسودا امشب آی دنیا علی بابا شد

رو به مادر می خنده حسن حسن رو لباش انگار قنده حسن حسن

حسن گل زهرا

دلم حریم شاه کریمه عشقی که دارم مال قدیمه

دارو ندارم شد اگه بیمه لطف این آقا تو زندگیمه

دلها رُ صفا می بخشه دنیا رُ به ما می بخشه

وقتی حسن جان می گم هر چی هست خدا می بخشه

دلبر ارباب ما حسن حسن پایه ریز عاشورا حسن حسن

حسن گل زهرا

عشق تو رازه مثل نمازه کار تو و من ناز و نیازه

دست کریمه بنده نوازه سفره ی خونت همیشه بازه

یک دنیا کرم داری تو تو قلبم حرم داری تو

ای شیر جمل الحق که استاد علمداری تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ سرود[[61]](#footnote-61)

شب شب نوره مستی ما جوره سر سفره ی کریم درد و بلا دوره

شب نیمه ی ماه ماه خدا در اومد دود کنید اسپند چشم حسود کوره

سید شبابه کرمش بی حسابه تفسیر کرامتش هزار تا جلد کتابه

فرشته ها ببینید پسر ابوترابه

همه عالم می دونه مثل زهرا نمونه از نوک پا تا فرق سر مثل حیدر می مونه

ای دشت یاسمن عشقم امام حسن

سوره نازل شده دلامون قابل شده شب نیمه ی ماه، ماهِ علی کامل شده

از روزی که وصفش تو کل عالم پیچید دل هر چی عاشقه با دل تو یک دل شده

ای شه خوش سخن ای به جمل صف شکن کی میگه غریبی تویی به خدا عشق من

همه می گن یا حسین ما می گیم جانم حسن

چشم از خواب می افته از تب و تاب می افته وقتی که میگم یا حسن دهنم آب می افته

ای دشت یاسمن عشقم امام حسن

یار بنده نوازه به گدا چاره سازه شب شب امیده در خونش که بازه

آرزومون همینه ببینیم تو مدینه پرچم غریب مدینه تو بقیع در اهتزازه

مثل دشت سوسن حرمش داره دیدن نزدیکه ایشالا ظهور ارباب من

به فرشچیان بگید که بکشه ضریح حسن

بسه این بی قراری این همه روز شماری کاش بشم تو حرم حسن خادم افتخاری

ای دشت یاسمن عشقم امام حسن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ سرود[[62]](#footnote-62)

ای کریم مدینه مولا روی دستت نباشه دستی

مثل ارباب و سقا حافظ زینبیه هستی

دختر مولاست خواهر سقاست با شما زینب پرچمش بالاست

آسمونی تو مهربونی تو نمک ماه رمضونی تو

یا حسن مولا

عمرم رُ وقف مولا کردم وقف اولاد زهرا کردم

وقت افطار فقط با ذکر یا حسن روزمُ وا کردم

ماه زهرایی عشق مولایی یه کلام آقا خیلی آقایی

یا حسن مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ سرود[[63]](#footnote-63)

سفره ی امام حسن همه رنگ سبزه

به همه ماه رمضون این یه شب می ارزه

بقیع تو الهی آباد شه زیارت مدینه آزاد شه

الهی که پنجره هاش آقا مثل خود پنجره فولاد شه

ماه زهرایی عشق مولایی واللهه خیلی آقایی

شب جشنه اما چه غمی داره بقیع

وعدمون همچین شبی پشت دیوار بقیع

برام شبای قدر دعایی کن زندگیمُ رنگ خدایی کن

تو رُ به جون قاسمت آقا بیا منُ کرب و بلایی کم

دل و دلداری هوامُ داری خونت مهمونم افطاری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ سرود[[64]](#footnote-64)

ما غیر تو دلدار نداریم به والله با هیچ کسی کار نداریم به والله

شیرینی نامت رُ اگه از ما بگیرند خرما برا افطار نداریم به والله

کس و کار دلم و یار دلم و گرمی بازار دلم ای حسن جان

تب و تاب دلم و خواب دلم و گوهر نایاب دلم ای حسن جان

آقای من آقای من آقای کریمم

نمک افطارم هر چی دارم از صدقه سرت دارم ای حسن جان

توی ماه رمضون وقت اذون ذکر تو روی لبمون ای حسن جان

هر کی گدای تو باشه پادشاست همیشه هر کاری با تو نداره گداست همیشه

عشق سرخ تو تو رگ شیعه هاست به مولا شال سبز تو رو دوش سیداست همیشه

ای پناه دلم ماه دلم نباشی گمراهه دلم ای حسن جان

عاشق تو منم داد می زنم که من غلام حسنم ای حسن جان

آقای من آقای من آقای کریمم

از بس کریمی گفتی حسین عشق ما باشه خواستی که فقط پرچم ارباب بالا باشه

آقا تو خودت گنبد و گلدسته نمی خوای گفتی حرم من برای کربلا شه

آخرش برات یه گنبد طلا می سازیم صحنت رُ درست مثل امام رضا می سازیم

ما بین مزار تو و مادرت ایشالا بین الحرمینی مثل کربلا می سازیم

میشم از کرمت دم به دمت کارگر ساخت حرمت ای حسن جان

میشم با دل و جون ای مهربون خادم افتخاریتون ای حسن جان

آقای من آقای من آقای کریمم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ سرود[[65]](#footnote-65)

بیا زود بریم بیا داره دیر میشه بیا تا سحر خدا رُ صدا کن

بیا زود بریم زیر بارون رحمت بیا خنده علی رُ نگا کن

زیر نور فانوس مهتاب پسری زیبا حالا خوابیده

محض روی پسر زهرا همه رُ امشب خدا بخشیده

سر زلف دل فریب دلدار توی دستای نسیمه

عالم هستی دیگه از امشب سر سفره ی کریمه

تا مدینه راهی نیست بیا روی ابرا بال و پر بزن

بیا با خدا تو هم بگو یا امام حسن

آقام آقام یا امام حسن

همه اومدند در خونه ی مهتاب برا دیدن ماه شب نیمه

گدا پر شده تو کوچه پس کوچه ها آخه این صدا صدای کریمه

آروم آروم داره می باره بارون از ابر چشای مولا

می زنه باز نبض گل خونه توی دستای غنچه ی زهرا

سر کوی آشنای دلبر قبله ی اهل یقینه

هر کی مهمون خدای عشقه سر این سفره می شینه

همه ی زمین و آسمون حسنیه ی خدا شده

شب شب جنون و مستیِ عاشقا شده

آقام آقام یا امام حسن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ شور[[66]](#footnote-66)

صفای ماه خدا حسن کریم آل عبا حسن

تو جمال و کمال خودتُ عشقه همه رُ بی خیال خودتُ عشقه

به روی نذری های ما نوشته کریم آل فاطمه حسن

کی آقای جوونای بهشته کریم آل فاطمه حسن

پسر ارشد علی و زهرا نوه ی اول پیمبره

اونی که صاحب عبای سبزه طراوت خونه حیدره

روزی شاه و گدا رُ گذاشتند تو خونه ی کریم اهل بیت

هر کی یه بار ببینه دیگه میشه دیوونه ی کریم اهل بیت

مناجات همه یا حسن دلبر فاطمه یا حسن

خدای حُسنی و حُسن خدایی گدای هر شبت حاتم طایی

دعای ماه رمضون مایی کریم آل فاطمه حسن

کار تو جود و کار ما گدایی کریم آل فاطمه حسن

آرزومونه تو مدینه باشیم برا فرج با تو دعا کنیم

الهی ماه رمضون بعدی تو بقیع جشنتُ به پا کنیم

عاشقا حاجتاشونُ از امشب می گیرند از کریم اهل بیت

برات کربلاشونُ از امشب می گیرند از کریم اهل بیت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک15ـ شور[[67]](#footnote-67)

امید منِ گرفتاری هوای نوکراتُ داری

سر سفرت نشستم پای افطاری

سفرت همیشه رنگینه افطار با تو چه شیرینه

ذکر سحر من اینه حسن مولا

نگاه تو عالم سازه به تو خدا هم می نازه برا همه سفرت بازه

حسن مولا

دم افطاری دعا کردم تو دلم خدا خدا کردم

با سلام بر شما روزم رُ وا کردم

عیسی اگه مسیحا شد عبد پسر زهرا شد

با خنده ی تو گل وا شد حسن مولا

نور ازلی تو مولا به خدا یلی تو مولا شیر جملی تو

حسن مولا

به جونم درد و بلات آقا کیمیاست گوشه نگات آقا

خواب می دیدم حرم ساختیم برات آقا

عشق حرم تو آقا باید بشه تو اون برپا

صحن فاطمه الزهرا حسن مولا

دست کرمتُ دیدم شال علمتُ دیدم خواب حرمتُ دیدم

حسن مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک16ـ شور[[68]](#footnote-68)

عشق و عاشقی چیه حرف عشق تو جداست

کی میگه من عاشقم عاشقت خود خداست

تو عشق بی کرونی تو ماه آسمونی کریم و مهربونی

نزن پلکاتُ بر هم که قلبم می لرزه

از عشقت گر بمیرم به والله می ارزه

امام حسن یا مولا

صید دام توام مرغ بام توام

تو امیر من و من غلام توام

سر و پا بی قرارم رو خاکت سر می ذارم تویی دار و ندارم

به لب اسم تو آقا جواز نوکریمه

میگم دنیا بدونن که آقام کریمه

امام حسن یا مولا

مشت غم وا شده دل مصفا شده

پیچیده در جهان حیدر بابا شده

دلبند فاطمه فوق درک همه از من خواهش زتو بی بی علقمه

امام حسن یا مولا

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل چهارم؛ شب نوزدهم**

ترک01ـ روضه[[69]](#footnote-69)

خداحافظی کرد، اومد بیاد مرغانی که تو خانه بودند، عبای آقا رُ کشیدند، در جلوشُ گرفت، کمربندشُ محکم کرد، اومد میان مسجد کوفه بالای مأذنه اذان گفت، وارد مسجد شد دید نا نجیب خوابیده با پاشنه زد بهش گفت: پاشو! من می دونم تو سرت چیه، بلند شد رفت . حضرت جلو ایستاد نمازشُ شروع کرد، حکم آقا بود حسن و حسین نیان، وگرنه اونا همیشه دنبالش بودند، تا گفت الله اکبر تمام زمین و زمان و سنگ ریزه ها با او الله اکبر گفتند، نماز رُ رسوند به سوره همچین که به رکوع رفت، نانجیب جلو تر اومد، آقا سر از رکوع برداشت: سمع الله لمن حمده الله اکبر... سرشُ به خاک گذاشت، یه وقت سر شکافته شد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ روضه[[70]](#footnote-70)

ای تیغ مرا لبالب از یا رب کن ای تیغ بیا و راحتم امشب کن

بشتاب و سر مرا شکاف اما باز رحمی به دل سوخته ی زینب کن

ای تیغ زمان زمانه ی نیرنگ است بشکاف سرم که سینه ام خون رنگ است

یکبار نشد که سیر رویش بینم بشتاب دلم برای محسن تنگ است

ای تیغ پر پر زدنش را بزنند آن مرغ که قید ماندنش را بزنند

ای تیغ ندیدی که چه حالی دارد مردی که به پیش او زنش را بزنند

امروز نه آن دم علی از پا افتاد تا غنچه ی من زیر قدمها افتاد

یک شهر برای بردنم رد می شد از روی دری که روی زهرا افتاد

مولا راحت شد از در خونه بیرون رفت، اما دل زینبش داره شور می زنه. حسنین هنوز به مسجد نرسیدند، اومد همه رُ آرام آرام بیدار کرد، رفت قاتل خودشم بیدار کرد، روی ماذنه اذان فرمود پائین آمد. علی ای که در تمام عمر شریفش که با رسول خدا بود، در تمام غضب ها هر جایی بر می گشتند، حرف فقط حرف علی بود. علی ای که یک بار پشت به دشمن نکرد، علی ای که هیچ کس نتونست نه پشتش رُ، حتی زانوشُ به خاک نرسوند، علی ای که اگر یک نفره میان تمام قریش می خواست بره خم به ابرو نمی آورد، علی ای که با پرتاب وارد قلاع خیبر شد، وسط این همه یهود با شمشیر به جان همشون افتاد در رُ از پشت کند، علی ای که آرامش جان پیغمبر بود، علی ای که هر جا پیغمبر ناراحت می شد، گرفتار می شد، صدا می زد، جبرئیل نازل شد در احد صدا زد: یا رسول الله ناد علی... علی رُ صدا بزن. مظهر العجایب... کار خیلی سخت شده بود، نـاد علیـّا مظهـر العجـایب تجده عونا لك فی النوایب؛ می بینی که به دادت می رسه، کمکت می کنه. صدا زد: یاعلی فرمود هرجای میدان رُ نگاه می کردم، یک علی داشت می جنگید. علی ای که خدا شب معراج اصل علی با خدا بود، جلوات علی در زمین بود. این علی بایدم بگه راحت شدم.

اواخر عمرش به امیرالمومنین عطر تعارف کردند فرمود: من عزادارم! عطر نمی زنم. آقا عزای کی؟ فرمود من فاطمه از دست دادم! یاسمُ پرپرکردند، من عطر بزنم!

تا ضربه میاد بعضی ها می گن آه... بعضی ها می گن وای... بعضی ها میگن ای خدا... تا ضربه اومد روی سر مبارک، دو تا ناله بلند شد؛ اولین ناله رُ خودش زد، صدا زد: فزت و رب الکعبه؛ ای خدا راحت شدم... همچین که ضربه اومد، ضربه ای که تا ابرو رُ متلاشی کرد. همچین ضربه اومد نگفت آه، نگفت وای، تا ضربه اومد روی زمین نشست خون فوران زد، یکی این ضربه بود به فرق اومد، یکی هم ضربه ای بود اما با تیغ نبود، تیغ می شکافه. میله آهن مثل عموده، متلاشی می کنه. تا عمود روی سرش اومد، دست نداشت با صورت روی زمین افتاد، اونم به خاطر این زدند که گفت: انا بن حیدر الکرار.. رو زمین افتاد گفت: داداش بیا...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ روضه[[71]](#footnote-71)

بزن ای تیغ دردم راحتم کن از این شهر این جهنم راحتم کن[[72]](#footnote-72)

مگر از دست تو کاری برآید بزن ای ابن ملجم راحتم کن

زدلبر ارثیه بردن چگونه است شبیه عشق خود مردن چگونه ست

بزن طوری بفهمم مثل زهرا که با صورت زمین خوردن چگونه ست

توکه در خون نشاندی گیسویم را شکستی مثل زهرا ابرویم را

مرو ای تیغ کارت ناتمام است مینداز از قلم این بازویم را

دوباره نانجیبی در بر من کشیده تیغ بالای سر من

خدایا باز مسجد باز شمشیر فقط خالی ست جای همسر من

خداوندا چه دنیای عجیبی چه مظلومی چه آقای غریبی

مگر محراب، گودال است کوفه! که افتاده زمین شیب الخضیبی

رها کن مجتبی بال و پرم را ببند عباس جان زخم سرم را

حسین تو زودتر خانه برو تا بگیری چشمهای دخترم را

نباید زخم این سر را ببیند مبادا حال حیدر را ببیند

ولیکن بیشتر ترسم از این است که زینب شمر و خنجر را ببیند

مبادا زینبم بد حال گردد مبادا وارد گودال گردد

مبادا دخترم بیند که با اسب ته گودی حسینم چال گردد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ روضه[[73]](#footnote-73)

همچین که راه افتاد بره سمت مسجد، مرغابی ها عبای علی رُ گرفتند، کنایه از اینکه علی جان امروز سحر مسجد نرو! اومد از در خارج بشه، دستگیره در کمر بند علی رُ گرفت؛ یعنی علی جان اگه میشه امروز مسجد نرو! زمین و زمان میگه علی امروز مسجد نرو، فرشته ها میگن علی امروز مسجد نرو! به غیر فرشته ها یه خانم پهلو شکسته از عرش میگه علی جان مسجد نرو!

بابا چرا دلم آروم نداره غم رو دلم پا می گذاره دنیا چی بر سرم میاره

بابا میشه امشب پیشم بمونی چرا دلم رُ می سوزونی آیه استرجاع می خونی

دل شوره دارم امشب دلم در اضطرابه تا بری و بیایی حالم بابا خرابه

تا وارد مسجد شد دید اون نانجیب خوابیده، حضرت بیدارش کرد خودش رفت بالا مأذنه برا آخرین بار علی می خواد اذان بگه، خداحافظ مسجد کوفه! دیگه علی راحت میشه، دیگه دلم برا زهرا تنگ شده، چه کنم خودش شروع کرد اذان گفتن، اوممد تا نمازُ شروع کنه الله اکبر... یه وقت نانجیب نزدیک شد، علی آخرین نمازی که ایستاده رُ در مسجد کوفه داره می خونه، انگار خودش منتظره. یه وقت دیدند نانجیب جلو اومد شمشیرشُ بالا آورد چنان شمشیر به فرق علی زد، همچین که شمشیر زد علی با صورت رو سجاده افتاد. گفت: یاد اون روزی افتادم که زهرا تو کوچه رو زمین افتاد. همه دارن گریه می کنند، حسن و حسین دست بابا رُ گرفتند، دست علی رُ گرفتند دارن میارن سمت خونه الهی بمیرم حسن غضب کرده، حسین غضب کرده، به خدا زنده اش نمی ذارم. تا نزدیکای خونه برسند، رنگ پریده؛ چون تیغ زهر داره. صدا زد: حسن جان صبر کن، قبل از اینکه در بزنی، خونا رُ از رو صورتم پاک کن، آخه زینب دختره، دختر طاقت نداره صورت بابا رُ خونی ببینه. من بمیرم برا اون دختری که تا روپوشُ کنار زد، صدا زد: بابا کدوم نانجیبی رگ گردنتُ بریده؟! کدوم نانجیبی چوب به لب و دندونت زده؟! یه نگاه کرد گفت: بابا شنیدم تو تنور خولی انداختنت...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ زمینه[[74]](#footnote-74)

با حال پریشون نرو نرو با چشای گریون نرو نرو

بگو یکی امشب به جات بره امشبَ رُ بیرون نرو نرو

نرو نرو الهی بمیرم برات نرو تا نیفتم به پات

نرو بگو امشب برن حسن و حسینم به جات

نگو که نمیشه نرو نرو به دلم آتیشه نرو نرو

تو همه ی دنیای زینبی برای همیشه نرو نرو

نرو نرو الهی بمیرم برات برا همه دل تنگی هات

چی می بینی تو آسمون یه جور دیگه ست اون نگات

با سینه ی خسته نرو نرو با چشای بسته نرو نرو

الهی بمیرم برای اون بازوی شکسته نرو نرو

نرو نرو الهی بمیرم برات برای تب گریه هات

آخه چی میشه فاطمه که علی بمیره به جات

ای عزیز زهرا نرو نرو کجا میری تنها نرو نرو

میری و منُ تنها می گذاری با سیلی زدنها نرو نرو

نرو نرو الهی بمیرم برات نرو تا نیفتم به پات

چی میشه بره خواهرت سرمُ ببرن به جات

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ زمینه[[75]](#footnote-75)

با روی زرد با آه سرد میره از این دنیای درد

تو دل بی تاب مولا محشر به پاست

نگاه خیس و بارونیش سمت خداست

محراب و مسجد لاله گون وای وای انا الیه راجعون وای وای

غرق عزا هفت آسمون وای وای انا الیه راجعون وای وای

سوسو زنون فانوس دل شیون میشه مانوس دل

توی محراب تنهاییش فرقش شکست

مثل اون پهلو این ابرو در خون نشست

ماه خدا در موج خون وای وای انا الیه راجعون وای وای

غرق عزا هفت آسمون وای وای انا الیه راجعون وای وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ زمینه[[76]](#footnote-76)

یه امشبُ به مسجد نرو بابا می گیرند آخر از من تو رُ بابا

با این که بی تابم تو خیلی آرومی آخه تو این دنیا چقدر تو مظلومی

تو روح پیکرمی نور چشم ترمی

امشب خیلی بابا جون دلتنگ مادرمی

باباحیدر یا مولا

ببین که دختر تو پریشونه چرا بابا سر تو پر خونه

می دونم از دنیا زندگی سیرت کرد وقتی غم مادر یک شبه پیرت کرد

سی ساله چی کشیدی سی ساله که بریدی

از بعد فاطمه تو یک روز خوش ندیدی

باباحیدر یا مولا

کوفه وفا به ماها که نداره بعد تو ما رُ راحت نمی ذاره

امون از این غربت امون از این کوفه یه روز اسیر میشم توی همین کوفه

اینها از کینه پُرن حق ما رُ می خورن

داداشم رُ جلوی چشم من سر می برن

باباحیدر یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ زمینه[[77]](#footnote-77)

خالیه جای زهرا تا ببینه مولا رُ داره می بنده زینب زخم سر بابا رُ

فزت و رب الکعبه یعنی دنیا اون روزی افتاد شیر خیبر از پا

که بی هوا سیلی زدند به زهرا

کوفه شده کربلا قد قتل المرتضی

برا سر شکستش پیدا نمیشه مرهم می کشه زینبش رُ خنده ی ابن ملجم

اون که می آورده برا یتیما پیش چشای کوفه نون و خرما

چند روز دیگه میره از تو دنیا

کوفه شده کربلا قد قتل المرتضی

خون سرش می ریزه دیگه روی سجاده یاد حسین و یاد کرب و بلا افتاده

وای از حسین و قتلگاه و خنجر وای از صدای التماس خواهر

وای از دمی که دیگه میشه بی سر

کوفه شده کربلا قد قتل المرتضی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ زمینه[[78]](#footnote-78)

شب تاریکه دلا پر درده آخرین قامت نماز یه شیر مرده

بی کرونه دریای غماش خیس اشکه ساحل نگاش

رفته دیگه دیگه گرمی صداش دلگیره

شب عزای آسمون و دریاست واویلا واویلا

شب رسیدن علی به زهراست واویلا واویلا

توی زندونه دل بی طاقت میشه امشب از غم دنیا علی راحت

بی خروش ساحل علی غصه ها شد حاصل علی

غم چه کرده با دل علی بی تابه

دیگه نداره نفسی آقامون واویلا واویلا

می شینه خاک عزا رو سرهامون واویلا واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ زمینه[[79]](#footnote-79)

نمی دونه دختر زارش که چی اومد سر بابا

نبینه چشای غمبارش شکسته ابروی آقا

بارون غم می ریزه از چشم ترش می میره تا می بینه خونیه سرش

یادش میاد بازم غمای مادرش ای وای

داره زهرا میگه قد قتل المرتضی عرش اعلی میگه قد قتل المرتضی

روی دوش حسن درد عالمه تو چشای حسین دنیای غمه

زیر بغلاشُ می گیرند چه تنها و غریبونه

به خاطر گریه ی زینب نمی تونند برن خونه

دل حسن دوباره غرق ماتمه داره میگه زیر لبش با زمزمه

بابای ما اول غریب عالمه ای وای

داره زهرا میگه قد قتل المرتضی عرش اعلی میگه قد قتل المرتضی

دل زینب پره از دلواپسی داره دلشوره از داغ بی کسی

تا که می بینه سر زخمی میگه با ناله وا اماه

خدا نیاره تو گودال بگه با گریه واویلا

روی زمین یه تن لاله گون می بینه بالای نی یه سر پر زخون می بینه

تو طشت زر روی لب خیزرون می بینه ای وای

داره زهرا میگه قد قتل المرتضی عرش اعلی میگه قد قتل المرتضی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ زمینه[[80]](#footnote-80)

اله العالمین کرام الکاتبین به فرق خونین امیرالمومنین

به چشمای زینب که خون گرید امشب امان من النار یارب

یارب یا الهی یاالله

همه کوفه در خواب دل زینب بی تاب صدای یا زهرا می آید از محراب

شکسته سرش را دل دخترش را و آن سجده آخرش را

یا حیدر یا حیدر

دوباره یک شانه عصای حیدر شد همان که در کوچه عصای مادر شد

دلش پر شراره غمین شد دوباره به یاد همان گوشواره

واویلا واویلا یازهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ زمینه[[81]](#footnote-81)

کوفه کربلا شد فرق تو دو تا شد یا علی ببین که زهرا صاحب عزا شد

با سر پرخون غریبونه افتادی تو محراب

زیر شونه هاتُ داره می گیره با گریه ارباب

یتیم شدم با یتیما امشب می بنده زخم سرتُ با گریه زینب

علی غریبه

وای از این زمونه دیگه نیمه جونه با عمامه ی پر از خون اومده به خونه

بعد رفتن فاطمه دیگه روز خوش ندیده

با سر شکسته می افته یاد سر بریده

میون گودال به زیر خنجر می زنه پرپر حسین بی سر

غریب مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ واحد[[82]](#footnote-82)

ای زخمی دنیا دلم بد کردی دنیا با دلم با غم بسازم یا دلم

کارم فقط زاری شده سی سال عزاداری شده باز اشک من جاری شده

ای وای دلم

آروم آروم از این چشام داره بارون می باره

این لحظه ها دوباره تو رو یادم میاره

این دنیای بدون تو برام معنا نداره

خونم صفا نداره آخه زهرا نداره

امان از این جدایی زهرای من کجایی

آخر غم روت منُ کشت چشای کم سوت منُ کشت لرزش زانوت منُ کشت

ورم بازوت منُ کشت روضه پهلوت منُ کشت تو رفتی تابوت منُ کشت

ای وای دلم

من موندم و غریبی و در و دیوار پر خون

گلای یاس گریون شب شام غریبون

سی سال گذشته فاطمه از تشییع شبونت

از قبر بی نشونت بیا برگرد به خونت

امان از این جدایی زهرای من کجایی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ واحد[[83]](#footnote-83)

دلشوره دارم بی قرارم شبیه ابر نوبهارم

حالت عجیبه غم نصیبه دلم گرفته بی شکیبه

نگات به سمت آسمونه امشب دلت دوباره روضه خونه امشب

همش می خونم بابا آروم جونم بابا ای مهربونم بابا

برا یتیما نون و خرما بازم شبونه بردی تنها

همه نگاهت سو زو آهت زرده چقدر اون روی ماهت

دلم گواهی میده که باز دوباره زمونه روز خوش برا من نداره

آقا نگو مسافری تو عزیزم ببین ز غصه ی تو من اشک می ریزم

همش می خونم بابا آروم جونم بابا ای مهربونم بابا

شکستی از غم کوه ماتم خوشی ندیدی توی عالم

طعنه شنیدی آه کشیدی به آخر دنیا رسیدی

تو چشم تو شوق وصالُ دیدم پرستوی شکسته بالُ دیدم

می گی شب آخر حیدر اومد پیاله ی عمر علی دیگه سر اومد

همش می خونم بابا آروم جونم بابا ای مهربونم بابا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک15ـ شور[[84]](#footnote-84)

پدر و مادری که رو مزار شهیدا همه قرآن رو سرها

گرفتن احیا می خونند بعلیٍ

شهیدامون شب قدر میون دارای عشقند قسم میدن خدا رُ

به اسم مولا می خونند بعلیٍ

خود مولا تو خونه حالشُ کی میدونه گمونم داره امشب

زیر لبها می خونه یا زهرا

غم ندارم تو دنیا من که علی آقامه بعدش حسن امامه

به عشق مولا می خونم بالحسن

شب قدره دوباره داره رحمت می باره کی دلش بی قراره

به عشق سقا بخونه یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک16ـ شور[[85]](#footnote-85)

دم سحر امشب وقت پروازه چشای علی انگار گرم یک رازه

روی لب بابامون آیه ی رفتن خدا برای مولا داره می سازه

خدا بخیر کنه غم خوردنتُ خدا بخیر کنه این رفتنتُ

خدا بخیر کنه این دلشورمُ خدا بخیر کنه برگشتنتُ

به راه تو چشم من می مونه تا برگردی می ترسم از این شهر بی دردی و نامردی

دست خدا همراهت برو ولی برگرد زود قرارمون بابا جون کنار هم بودن بود

بدون تو قلب زارم به خدا طوفانی می شه

الهی سایت عشق دلم رو سر من باشه همیشه

خدا بخیر کنه فکرای منُ خدا بخیر کنه حدسای منُ

خدا بخیر کنه حرفای تو رُ خدا بخیر کنه فردای منُ

دارو ندار زینب نکش ز دستم دامن قسم به روح مادر غرور من رُ نشکن

بدون تو این دنیا برای من دلگیره بمون که بی تو بابا دختر تو می میره

نرو که عرش و فرش امشب شده لرزون از ناله ی من

بی تو شرمنده ی فاطمه ام ای امانت سی ساله ی من

کنارمون بمون ای کوه سخا کنارمون بمون تنها کس ما

کنارمون بمون ای محرم من کنارمون بمون سلطان وفا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)**

ترک01ـ روضه[[86]](#footnote-86)

آدمی که مریض بد حال داشته باشه چه جوریه؟ توی شهر کوفه یه طبیب مسلمان نبود که بیاد طبیب دردها رُ طبابت کنه. رفتند یه دکتر مسیحی آوردند، گفت: اون شش گوسفند رُ بعد از ذبح بیرون بیارید، رگی رُ انتخاب کرد، میان فرق امیرالمومنین قرار داد، بعد از لحظاتی رگُ در آورد نگاه کرد رنگش پرید. امیرالمومنین رُ می شناسه رنگش پرید، ساکت شد، اومد از حجره بیرون گفت: بزرگ این خانه کیه؟ غمخور مادر و پدر اومد جلو، گفت منم! امام مجتبی اومد جلو گفت بفرمایید! گفت وضعیت جسمانی خرابه. آماده ی کفن و دفنش بشید. بچه های فاطمه دور حسن ُ گرفتند، عقیله بنی هاشم هی میگه حسن جان طبیب چی گفت؟ چرا رنگت پریده؟ یه نگاهی به زینب کرد، فرمود: باید کفن بابا رُ حاضر کنیم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ روضه[[87]](#footnote-87)

میگه هر جور بود اجازه گرفتم اومدم تو حجره ی مولا، دیدم پاها ورم کرده، رنگ و رو انقدر زرده اون دستاری که به سرش بستند زرده، اما رنگ و رو زردتر از اون دستاره، گریم گرفت. چشم وا کرد حسنم صدای گریه میاد؟ آری بابا جان! یتیمای کوفه دسته جمعی اومدند کاسه های شیر آوردند. فرمود در رُ باز کن بیان. ظرفای شیر رُ تو ظرف بزرگ ریختند. فرمود مبادا کسی دلش برنجه، حالا از این شیری که مخلوط شده به من بده، اما اول برا قاتلم ببر. دست نوازش به سرشون کشید، راوی در سلامتی مولا می فرمود: یه وقت عسل آورده بودند از یه جایی، تا عسل ها رُ دید فرمود: یتیمای کوفه رُ بگید بیان. با انگشت مبارکش دهان یتیمها عسل می ذاشت. راوی میگه گفتم ای کاش منم بچه یتیم بودم، علی منُ اینجور تحویل می گرفت. رقیه داشت می دید امام حسین یتیم مسلمُ بغل کرد، غصه نخورید از حالا به بعد من باباتم. روز عاشورا نشد با بابا خوب وداع کنه، گفت الان بابام میاد می رم تو بغلش میگم نوازشم کنه. همچین که بابا رُ آوردند، سر رُ نگاه کرد، چشما رُ دید، پیشانی رُ دید، ابرو رُ دید، لب و دهان چوب خورده رُ دید، همچین یه ذره سرُ بالا گرفت چشمش به رگ ها افتاد، صدا زد بابا یه سوالمُ جواب بده؛ به من بگو ببینم چه کسی رگای گلوتُ بریده...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ روضه[[88]](#footnote-88)

ای قرار دل پریشانم که ز دل آه می کشی گاهی

زینبم دخترم نگاهم کن گریه ام را اگر نمی خواهی

جان زینب به خاطر مادر بار دیگر بایست بر سر پا

کوری چشم ابن ملجمها حال تو خوب می شود بابا[[89]](#footnote-89)

بعد مادر ندیده بودم که موی خود ذره ای خضاب کنی

نکند قصد کرده ای بابا خانه را بر سرم خراب کنی[[90]](#footnote-90)

نذر کردم مفتح الابواب دری از روی لطف بگشاید

چه کنم هر چه می کنم آخر سر بشکسته هم نمی آید

با دو شیشه گلاب چشمانم شسته ام خون خشک گیسویت

طفل سه ساله افتادم غرق خون دیده ام چو ابرویت

باز زبانم گرفت از غصه یاد لحن سه ساله افتادم

یاد آن غنچه ای که یاس تنش پر شد از باغ لاله افتادم

یادم آمد از آن شب تاریک یادم آمد از آن خرابه تنگ

دختری که با جای نقل و نبات می کنندش نثار سیلی و سنگ[[91]](#footnote-91)

بغض راه گلوش می بندد راه حتی برای آهش نیست

ای پدر نیستی نمی بینی جای سالم به روی ماهش نیست

بابا من الآن سر شکستتُ دیدم دارم می میرم، ولی یه روز میاد این سه ساله گوشه خرابه سر بریده بابا رُ جلوش می ذارند، زبونش بند میاد، ابتا! یا ابه... من الذی ایتمنی علی صغر سنی...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ روضه[[92]](#footnote-92)

کیست این مرد که شب کیسه ی خرما می برد

روز می آمد و از سینه نفس ها می برد

کیست این مرد که تا تیغ به بالا می برد

رزم را با مدد از حضرت زهرا می برد

این خدا نیست ولی مقصد هر راه است این

اشهد ان علیا ولی الله است این

کیست این شیر که از خصم جگر در آورد

از میان کمرش تیغ دو سر در آورد

در چنان کند و بیانداخت که پر در آورد

از دلیران عرب جمله پدر در آورد

یاعلی روز و شب و شمس و قمر می گوید

ها علی بشر کیف بشر می گوید

گاه دریا و گهی بارش و باران می شد

گاه بابای یتیمان دل ویران می شد

به سر دوش گهی مرکب طفلان می شد

خوشی کاسه ی شیر و کمی از نان می شد

مثل ما حیف یتیمان همگی تنهایند

همگی منتظر آمدن بابایند

وای از امروز، حسن گوشه ی بستر افتاد

باز هم یاد غم بستر مادر افتاد

خواهر افتاد زمین تا که برادر افتاد

یاد روزی که روی مادرشان در افتاد

هیزم و آتش و کابوس عجب بد دردی است

ضرب نا محرم و ناموس عجب بد دردی است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ زمینه[[93]](#footnote-93)

چرا امشب رنگ نگات لاله گونه الهی بمیرم

اشکای گلگون چشات بی امونه الهی بمیرم

صورت نازنینت غرق خون شده محاسن سپیدت پریشون شده

یه کوه غم نشسته رو بال و پرت دل منُ شکسته شکاف سرت

الهی بمیرم الهی بمیرم

شده ذکر لبت انالله شده ذکر لبم بک یاالله

دخترت می میره که با چشمای تر سرتُ ببنده الهی بمیرم

نوبت زینب شده تا جای مادر سرتُ ببنده الهی بمیرم

داری شبیه مادر نفس می کشی داری با این نفسهات منُ می کُشی

یه جوری آسمونُ نگاه میکنی با ناله مادرم رُ صدا می کنی

شده ذکر لبم بک یاالله تا شفا بگیری انشاالله

جون همه بر لب می رسه زخم این سر دوایی نداره الهی بمیرم

امشب این درد تو مثل درد مادر دوایی نداره الهی بمیرم

غمی تو نگاه غریبونته یه دنیا درد و غصه روی شونته

یتیمایی که تو رُ صدا می زنند داری میگی یه روز سنگ به ما می زنند

می بینم تن ثارالله میشه ذکر لبم ابی عبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ زمینه[[94]](#footnote-94)

یه دل بی قرارُ منُ این شب تارُ

ناله های تو ای دل می بینی روزگارُ

خاک کوچه هم زبون شده حالا با حیدر در و دیوار مهربون شده حالا با حیدر

می بینی روزگارُ

یادم نرفته میخ در با سینه ی زهرا چه کرد

یادم نرفته روز و شب برا غم من گریه کرد

وای من و وای من و وای من وای من وای من

میخ در و سینه ی زهرای من وای من وای من

هنوزم می کشم از روی زهرا خجالت

نمک روی زخمم هر کی اومد عیادت

تو مدینه فاطمه غریب و تنها جون داد پیش چشمام یاسم از ضربه سیلی افتاد

می بینی روزگارُ

یادم نرفته ای خدا اون لحظه های کوچه رُ

یادم نرفته می زدند چهل نفر فاطمه رُ

در وسط کوچه تو را می زدند می زدند می زدند

کاش به جای تو مرا می زدند می زدند می زدند

مثل اشک یتیما غم من بی کرونه

ولی اشکای زینب دلمُ می سوزونه

نمی تونم ببینم دخترم از حال میره چجوری بهش بگم تا پای گودال میره

می بینی روزگارُ

وای از غروب کربلا وای از طلوع نیزه ها

زینب کنار قتلگاه آتیش گرفته خیمه ها

طفل یتیمی ز حسین گم شده ساربان ساربان

قامت زینب چو کمان خم شده ساربان ساربان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ زمینه[[95]](#footnote-95)

پیداست از رنگ صورت حیدر نزدیکه به نفسای آخر

می لرزه تو بستر مثل بید مجنون از فرق شکسته هنوزم میاد خون

زینب شده گریون مثل ابر بارون

امشب دیدنیه شور و حال حیدر زهرا اومده به استقبال حیدر

امشب با یتیمای بی بابا می شینیم در خونه ی مولا

گریون میون این شب سرد و تیره رو دست یتیما کاسه های شیره

سرها به دیوار خونه ی امیره

تا زنده بمونه بابای یتیما سمت آسمونه دستای یتیما

ممنونم از بابت این شیرا آی مردم وعده ی ما عاشورا

روزی که پر از غم سینه ی کویره تو گهواره طفلی بی قرار شیره

با تیر سه شعبه نفسش می گیره

جای گریه از شام تا اینکه می خنده با لالایی تیر چشماشُ می بنده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ زمینه[[96]](#footnote-96)

ای شاه مردان یاعلی شیر یزدان یاعلی

روح قرآن یاعلی یا علی یا مرتضی

دست ما بر دامان تو چشم ما بر احسان تو جان عالم قربان تو

حیدر حیدر یا مرتضی

ای عباسم ای نور عین تکیه گاه زینبین

جان تو جان حسین نور عین ای نور عین

سقایی کن در کربلا یاری کن از خون خدا جان تو جان خیمه ها

حیدر حیدر یا مرتضی

من چشمانم مانده به راه تو غرق در اشک و آه

وعده ی ما قتلگاه قتلگاه وای قتلگاه

می آید امشب مادرت از چه می لرزد پیکرت بسته ام محکم معجرت

حیدر حیدر یا مرتضی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ زمینه[[97]](#footnote-97)

می خونم برا تو بابا داری میری پیش زهرا

میری و میشم من بدون تو تنها

من چه کنم که بمونی و نری کاشکی منُ پیش مادر ببری

شام آخرت زخم رو سرت بسته ام به معجر

سمت بسترت خیره دخترت یاد زخم مادر

یاعلی علی یا علی مولا

الا دلبر دل آرا داری می خونی با زهرا

لایَومٌ کَیَومِک اباعبدالله

سر بریده می بینی دلبرتُ یا که اسیر می بینی دخترتُ

کربلایی میشم هوایی میشم امون از دل

دستای حسینُ بذار تو دست ابوفاضل

یا علی علی یا علی مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ نوحه[[98]](#footnote-98)

می گرید و می سوزد شمع و گل و پروانه

با قتل علی عالم گردیده عزا خانه

چاه کوفه گوید داد از این جدایی یاعلی کجایی

تنها نه فقط زینب محزون و پریشان است

اشک غم و خون دل خرمای یتیمان است

خیره مسکین که ویرانه نشین است بر لبش یا امیرالمومنین است

یا امیرالمومنین حیدر حیدر

ای یار همه عالم ای از همه تنها تر در بین همه یاران از فاطمه تنها تر

سلام ما به آخرین نمازت کاتبان دلتنگ راز و نیازت

چاه کوفه گوید داد از این جدایی یا علی کجایی

یا امیرالمومنین حیدر حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ واحد[[99]](#footnote-99)

می روم اما دیده گریانم گریه ام باشد بر یتیمانم

ای یتیمان کوفه حلالم کنید گریه بر رنج و درد و ملالم کنید

بعد من حق یار شما باشد حسنم غمخوار شما باشد

یا امیرالمومنین حیدر حیدر

شهر کوفه گذشت آنچه کردی به من بعد من کن وفا به حسین و حسن

با حقارت مکن عترتم را نظر بر یتیمان من نان و خرما مبر

گر حسینم خواند سر نی قرآن اهل بیتش را نبرید زندان

پیش طفلانش دف نزن کوفه دور محمل ها کف نزن کوفه

یا امیرالمومنین حیدر حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ واحد[[100]](#footnote-100)

دوباره غم عالمه رو دلم دوباره چشام واسه تو جاریه

آقا قاتل تو چی آورد سرت شنیدم که زخم شما کاریه

یتیما با ظرفای شیر اومدند تا واسه سر تو دوایی باشه

شاید دیگه امشب شب آخره شاید دیگه وقت جدایی باشه

علی یا علی یا علی

زمین و زمان و به هم ریخته همون ضربه که روی فرقت نشست

بمیرم برای تو یا مرتضی که فرقت تا بین دو ابرو شکست

علی یا علی یا علی

ستون های عرش خدا هم شکست دوتا شد تو محراب کوفه سرت

ملائک ندا میدن از آسمون امون از دل مضطر زینبت

علی یا علی یا علی

یتیما بیاید مارُ یاری کنید برا شاه مردان دعایی کنید

ببینید که حیدر توی بستره برا فرق بشکسته کاری کنید

شب قدر دلها همه خون شده که دنیا به مثل یه زندون شده

داری میری از پیش ما ای پدر ببین چشمامون خیس و گریون شده

علی یا علی یا علی

شده کوفه شهر غم وغصه ها که داره بابامون خدایی میشه

داری پر تو از پیش ما می زنی چجوری داری از ما دل می کنی

علی یا علی یا علی

دم آخره سر میاد انتظار دیگه داری به حاجتت می رسی

دیگه بعد سی سال علی جان داری به تنها عزیز دلت می رسی

علی یا علی یا علی

داری می ری و این دم آخری داره سهم تو بی قراری میشه

داره پائیز غصه های شما با دیدار زهرا بهاری میشه

علی مرگ تو امشب اینجا نبود تو نزدیک سی ساله که پیر شدی

همون لحظه که فاطمه ات رُ زدند می دونم همون جا زمین گیر شدی

علی یا علی یا علی

همون لحظه که چل تا نامرد پست آتیش بر در آشیونه زدند

همون لحظه که دستاتُ بستن و به زهرای تو تازیونه زدند

علی یا علی یا علی

دارم بغضی توی گلوم یا علی دارم من قرارم رُ میدم ز کف

همه آرزومه که خاکم کنند یه روز پای ایوون طلای نجف

آتیش جهنم حرومه به اون کسی که با تو آشنایی داره

کسی که نجف رفته دائم میگه که پای ضریحت صفایی داره

علی یا علی یا علی

شده فخر من در دوعالم علی داره می گذره عمر من با علی

روایت شده از پیمبر که گفت صدای در جنته یاعلی

نگاه ای کریمت گدا پروره باید که پیشت شاه گدایی کنه

کسی که شده سائل کوی تو باید به دوعالم خدایی کنه

علی یا علی یا علی

دوباره دل من آقا می شکنه دوباره دل من هوایی میشه

آقا خوش به حال کسی که داره تو این شبها کرب و بلایی میشه

دوباره دلم تنگ گنبد طلاست ببین حال این دل عجب حالیه

همه دور شش گوشه جمعند و حیف چقدر جای من تو حرم خالیه

علی یا علی یا علی

چه سریه جا موندم آقا بازم همه ی رفیقامُ بردی حرم

شده آرزوم باز بی افته آقا به شش گوشه ی تو چشای ترم

می دونم که از دست لطف شما همه روزی نوکرا می رسه

دوباره دلم می شکنه وقتی که داره زائر کربلا می رسه

حسین یا حسین یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ واحد[[101]](#footnote-101)

اذون غم بلند از مناره های کوفه قرار روضه دارند ستاره های کوفه

چشم علی برای همیشه بسته میشه طلسم غربت اون دیگه شکسته میشه

شد دریا چشمای خون علی یک دنیا میشه حیرون علی

شد زهرا دیده گریون علی

یاحیدر الوداع الوداع

یتیم شهر کوفه غمین و بی قراره سر گرسنه امشب روی زمین می ذاره

سفره ها خالی از نون دیده ها خیره بر در ولی غریبه ی شهر مونده میون بستر

نخلستون سوت و کوره ز دعا می خونه چاه کوفه ز جفا

راحت شد به خدا شیر خدا

یاحیدر الوداع الوداع

به پشت بیت حیدر دل همه می گیره تو دستای یتیما پیاله های شیره

همین یتیمایی که برا علی می میرند شیر خواره ی حسینُ با تیر ز شیر می گیرند

کربلا می سوزه سینه ی آب واویلا می پیچه آه رباب

لالالا گل تشنه ام بخواب

لالایی گل من ای گل من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ شور[[102]](#footnote-102)

تو راحت شدی از غم این دنیا مهمونی به پیش مادرم زهرا

من موندم میون موجی از غم ها

چشماتُ بستی بابای زینب روضه خوندی از فردای زینب

بلند شو از جا باز نون و خرما ببر شبونه برا یتیما

الوداع بابا

نمیره ز یادم زخم رو سرت تا ابد برات می سوزه دخترت

شبونه شده تشییع پیکرت

خنده ی دنیاست غمهای زینب خیلی غریبی بابای زینب

دق کردم آخر گلگونه بستر روی عمامت جای خون سر

الوداع بابا

روزگار برام روز خوش نداره چشمام از غریبی ابر بهاره

شد تازه غم مدینه دوباره

رفتی و تنها موندم با غمها گفتی که وای از روز عاشورا

الوداع بابا

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل ششم؛ شب بیست و سوم**

ترک01ـ روضه[[103]](#footnote-103)

دارن ازتشییع جنازه بر می گردند، از یه خرابه صدای ناله میاد، محبوب من... حبیب من... مگه از غلامت چیزی دیدی که دیگه سراغشُ دو سه شبه نگرفتی؟! حسنین اومدند دیدند پیر مرد چشمانش نمی بینه. دنبال کی می گردی؟ گفت یه آقایی که عطر شما رُ داشت، گاهی بهم سر می زد، غذا برام می آورد، دور و برمُ جارو می زد، وقتی از در می اومد انگار در و دیوار ذکر می گفتند. صدا گریه امام حسن و امام حسین بلند شد. آی پیر مرد الآن داریم از تشییع جنازش میایم. گفت زیر بغلهامُ بگیرید، منُ ببرید کنار قبرش، سر به قبر علی می کوبید. بعضی ها می گن رو دست حسنین جون داد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ روضه[[104]](#footnote-104)

فرموده بود جلو تابوتمُ رها کنید خودش بلند میشه. جبرئیل و میکائیل جلو دار، حسن و حسین پشت سر، تابوت رُ بردند؛ یاد شبی افتادند که تابوت مادرُ می بردند؛ اون موقع ها بچه بودند، با اون قد و قامت نمی شد زیر تابوت مادر برن. حالا تابوت علی رو دوششونه. فرموده بود قبر آماده ست، حبیبم! عزیزم! نوح برام قبر کنده. یه ذره خاک رُ کنار زدند دیدن قبر آماده است. امیرالمومنین وارد قبر یه پارچه روی قبر گرفتند. امام حسن میگه دیدم پیغمبر سر بابامُ به دامن گرفت. حسین میگه دیدم مادرم پائین پاست...

به خاک تربتت بابا نهادم تا سر خود را

شنیدم ناله ی جان سوز زهرا مادر خود را

به تو ننمود مادر سینه و رخسار و بازو را

تو هم بابا نشان او مده زخم سر خود را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ روضه[[105]](#footnote-105)

نخل خرماست خم و سر به گریبان علی ست

شب قدر است و یا شام غریبان علی ست

چشم ما پر شده از خون دل شیر خدا

دل ما قطعه ای از تربت پنهان علی ست

بوی زهرا رسد از خاک بیابان نجف

امشب ای اهل نجف فاطمه مهمان علی ست

پای هر نخل که در کوفه مناجات کنید

جای خون جگر و دیده ی گریان علی ست

بعد از این شب چه شب عید بیاید چه عزا

همه شب ها شب اشک و شب هجران علی ست

کرم و جود و جوان مردی و آقایی بین

قاتل جان علی دست به دامان علی ست

یک طرف فاطمه یک سو فقرا چشم به راه

یک طرف پیر زنی منتظر نان علی ست

خاک دلباخته ی سجده طولانی او

چاه دلسوخته ی سینه سوزان علی ست

کاسه ی شیر یتیمان همه شد کاسه ی اشک

سیل خون است که در چشم یتیمان علی ست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ روضه[[106]](#footnote-106)

باز هم نیمه شب بال و پری را شستند

سه برادر دل خون خون جگری را شستند

سالها می گذرد از غم غسل مادر

آه این دفعه دل شب پدری را شستند

زخم سر بسته ی پهلوی شکسته وا شد

بچه ها گریه کنان زخم سری را شستند

یاد دارم که همراه پدر چندی پیش

لخته ی خون در شعله وری را شستند

آب می ریخت حسین و حسنش هم می شست

اثر زخم سر و پلک تری را شستند

سر زینب به سر شانه ی عباس علی

زیر مهتاب خسوف قمری را شستند

بغض در بین گلو جان همه بر لب بود

چادر خاکی مادر به سر زینب بود

وقت تشییع شد و نیمه ی شب غوغا شد

چشمهای همه از داغ علی دریا شد

پدر خاک که بر شانه ی باران می رفت

خاک ماتم به سر مردم این دنیا شد

بی صدا نیمه ی شب خون جگری را بردند

پشت سر خورد زمین زینب و واویلا شد

با زمین خوردن او کرب و بلا را دیدم

زینب غم زده در دشت بلا تنها شد

گفته ها بود که هر لحظه دلش را سوزاند

نیزه ها بود که در جسم برادر جا شد

دور گودال شلوغ است و برایش جا نیست

سر پاداش سر بی بدنش دعوا شد

بچه ها ارث از او داغ دلش را بردند

نیزه ها رقص کنان خون گلویش خوردند

امشب ابی عبدالله به خانم زینب فرموده باشد: داداش حسنم کفن بابا رُ می خواد، همچین که کفنُ روی دست حسین گذاشت، یه نگاه به چشمای اشک بار حسینش کرد...

ازکفنا مونده یکی اونم برای حسنه

الهی زینب بمیره برادرش بی کفنه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ روضه[[107]](#footnote-107)

جزو وصیتاش فرمود حسنم با اون کفنی که جبرئیل آورده، سهمی که مال منه، وقتی بدنمُ غسل دادی، بدنُ کفن کن. نیمه شب بدنمُ داخل تابوت بگذار. تو و حسین فقط پشت تابوت ُ می گیرید، جلوی تابوت برادرم جبرائیل و میکائیل هستند، هر جا دیدی سر تابوت رو زمین آمد، زمین رُ یه مقدار می کنی، قبری آماده می بینی برادرم نوح این قبرُ کنده، تخته ای منقش می بینی، منُ داخل اون قبر روی اون تخته می گذاری. هفت خشت آماده، خشت لحد تو قبره. وقتی بدنمُ دفن کردی یک به یک این خشت های لحد رُ می چینی. دقایقی بعد یه دونه از خشتا رُ بردار، بدنمُ داخل قبر نمی بینی نترسی پسرم، اگه هر پیغمبری در غرب عالم از دنیا رفته باشه، وصی او در شرق عالم از دنیا رفته باشه، بدن و روح رُ با هم می برن، جمع می کنن با اون پیغمبر دیداری داره، دوباره بر می گردونن تو قبراشون. هر وصیی از پیغمبر از دنیا رفت، بدنشُ بردند مدینه؛ فقط یه بدن بود که این بدن رُ دست نزدند؛ به جای اینکه این بدنُ ببرند، پیغمبر از مدینه اومد کربلا. لذا بیهده نبود زینب کبری اول حرفی که زد با پیغمبر زد، عرضه داشت: صلی علیک ملیک السما..یا رسول الله! اومدیهذا حسین بالعرا... مقطع الاعضا...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ زمینه[[108]](#footnote-108)

منبر کوفه دیگه آقا نداره مسجد و محراب دیگه صفا نداره

بچه یتیما دیگه آروم نمی شن دختر زهرا دیگه بابا نداره

آقا خدا نگهدار برای اولین بار امشب آروم می گیری

تموم شد این جدایی تموم شد این غریبی امشب آروم می گیری

علی رُ کشتند ولی اینجوری نمی مونه رفت و هنوزم کسی قدرشُ نمی دونه

غمی شبیه غم سفر نمی شه شب جدایی دیگه سحر نمی شه

کنار زینب برادراشن اما برای دختر کسی پدر نمیشه

با اینکه نیمه جونه حسن داره می خونه نمازُ جای بابا

هنوز میون مسجد هنوز میون محراب میاد صدای بابا

برا یتیما کسی لالایی نمی خونه رفت و هنوزم کسی قدرشُ نمی دونه

قدر آقاشُ اگه بدونه کوفه باید که یک بار علی بمونه کوفه

همین یتیما میان مهمون نوازی روزی که زینب میشه مهمون کوفه

رو سنگ غسل بابا می باره اشک سقا تو این شبی که تاره

فقط یکی کفن موند اونم برا حسن بود حسین کفن نداره

خواهر براش بمیره حسین کفن نداره الهی من بمیرم آقام کفن نداره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ نوحه[[109]](#footnote-109)

چشمان عرشیان مبهوتت شیر حق در بین تابوتت

واویلا واویلا

ای یتیمان درعزایش رخت ماتم بر تن کنید

سینه کوبان در کار خانه امشب شیون کنید

واعلیا یا مرتضی

در خانه هر چشمی گریان است زانوی عباسش لرزان است

واویلا واویلا

کوفه خواب و مرد عالم روی شانه

از خانه رفت نیمه ی شب مثل زهرا مخفیانه

واعلیا یا مرتضی

مرتضی با زخم ابرویش می رود دیدار بانویش

واویلا واویلا

زینب آمد یک کفن را بسپرد در دست حسن

مجتبی و خواهر امشب نوحه دارد ای بی کفن

واحسینا مظلوم حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هفتم؛ سینه زنی علوی**

ترک01ـ زمینه[[110]](#footnote-110)

مادرم یادم داده اگه یه روز زیر بار غصه ها خوردم زمین

بیارم به روی لبهام همیشه نام زیبای امیرالمومنین

نداره غصه دلم با حیدر صدای قلبم شده یا حیدر

علی یا مولا

کاش میشد تا که بیام تو حرمت آقاجون با ناله و آه بخونم

بشینم میون ایوون طلا برا تو من امین الله بخونم

تا آخر عمر برات می خونم همیشه عبد خونت می مونم

علی یا مولا

بسته شه این دهنم اگه یه روز نام یاعلی رو لبهام نباشه

نباشه الهی هر کس که می خواد آقایی مثل تو مولا نباشه

ولای حیدر تو این زبونه میون این دل رفته خونه

علی یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ واحد[[111]](#footnote-111)

توی دنیا می گم همیشه هر جا می گم واسه دل زهرا میگم

روحی لک الفدا حیدر یا مرتضی

هر روز و هر شب می گم به عشق زینب می گم جلو چشم مرهب می گم

روحی لک الفدا حیدر یا مرتضی

آخه علی مولای منه من غلام خونشم به خدا دیوونشم

آره علی آقای منه اسیر نوازش دستای مردونشم

روحی لک الفدا حیدر یا مرتضی

مثل میثم رو دار می گم با افتخار شادی دل علمدار

روحی لک الفدا حیدر یا مرتضی

زیر شمشیر می گم با تن پر تیر می گم با علی یه تکبیر می گم

روحی لک الفدا حیدر یا مرتضی

می گم علی و عشق می کنم علی ذکر نابمه حساب وکتابمه

من اگه علی نگم دق می کنم فصل الخطابمه پدر اربابمه

روحی لک الفدا حیدر یا مرتضی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ واحد[[112]](#footnote-112)

حیدر انسایت کامل بی تو کشتی خدا در گل

حیدر سر سلسله ی مستان حیدر استاد ابوفاضل

ای ساقی و سقا حیدر آئینه ی طاها حیدر

خیبر شکنی با مدد از حضرت زهرا حیدر

یاحیدر حیدر

حیدر حق با توئه صد در صد دشمن از خوف تو می لرزد

حیدر آئینه ی تقوایی حیدر شیطان ز تو می ترسد

جنگ آور بدری حیدر در رتبه صدری حیدر

در قدر تو بس این که تو سر شب قدری حیدر

یاحیدر حیدر

حیدر سرمایه ی سلمانی حیدر میزان مسلمانی

حیدر با نان و رطب هر شب حیدر هم درد یتیمانی

ارباب فضائل حیدر بی تو همه جاهل حیدر

دیوانه ی رویت هزار علامه ی کامل حیدر

یاحیدر حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ شور[[113]](#footnote-113)

من برای تو گریه می کنم من به غیر تو رو نمی زنم

شمشیر خداست ذوالفقار تو یک کشته ی شمشیر دو ابروت منم

ای شیر خدا جان من فدات چرخ فلک است گردش نگات

حی لا یموت ای آب حیات داروی من است خاک نعلین و عبات

از تو یا علی هر چه می رسد بر کام دلم چون عسل بود

نامت به لبم بی حد و عدد تا کرب و بلا فقط یه یا علی مدد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ شور[[114]](#footnote-114)

شکر خدا اهل دیار عشقم شکر خدا من از تبار عشقم

شکر خدا از بچگیم تا حالا خراب و مست بی قرار عشقم

ریشه به ریشه مستم همیشه چون که دلم با او قوم و خویشه

هستم سینه چاک حیدر همیشه هلاک حیدر

روایته که خلق شدیم از ادامه ی خاک حیدر

شکر خدا حسینیه نشینم شکر خدا با روضه ها عجینم

شکر خدا سائل هر ساله ی دو تا دست یل ام البنینم

غرق خروشم مشکی می پوشم یاد حسینم وقتی آب می نوشم

من روضه به روضه دویدم پرچم حسینُ بوسیدم

بنویسید رو سنگ قبرم من پای علم قد کشیدم

شکر خدا علی منُ سوا کرد شکر خدا زهرا برام دعا کرد

شکر خدا که اهل گریه هستم حسین منُ عاشق کربلا کرد

از روز اول مقتل به مقتل زینب برام خوند روضه مفصل

روضه ی شهید سر بریده روضه ی جوون قد کشیده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ شور[[115]](#footnote-115)

یل شمشیر زن قطب جهان علی علی اسد الله زمین شیر زمان علی علی

کیسه بر دوش یتیمان عرب علی علی اولین مرد مسلمان عرب علی علی

غم علی علی علی غصه علی علی علی

اسدالله علی علی شاه علی یا حیدر

مرد مردان خدا شیر عرب علی علی پهلوان مرد کمان گیر عرب علی علی

شاه بدر و خیبر و شیر حنین علی علی مهربان دلبر عباس و حسین علی علی

می علی علی علی ساغر علی علی علی

اسدالله علی علی شاه علی یا حیدر

بنده ام بسته ی بندم نکنی علی علی شده ام خاک به بندم نکنی علی علی

من که باشم که کنم مدح تو را علی علی که کند مدح تو را ذات خدا علی علی

غم علی علی علی غصه علی علی علی

اسدالله علی علی شاه علی یاحیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شور[[116]](#footnote-116)

من عبدم و تو شاه علی ولی الله

تو سیدالاوصیایی شاهنشاه لافتایی تو علی مرتضایی

منم غلام سرای تو آقا

یل حنینی تو اباالحسینی تو

قلبم با تو بی قراره شمشیر تو ذوالفقاره حرف من شده دوباره

بود و نبودم فدای تو مولا

علی ولی مسلمین حقا حقا حیدر مولا

زند به دست ملک دین حقا حقا حیدر مولا

من اهل ولا یا مولا سوا حب تو سعادت

ای شاه وفا گفته مصطفی ذکر تو عبادت

ذکر یا زهرا کرم تو اذن دخول حرم تو

یاعلی مولا علی مولا

روم کجا بی تو ابوترابی تو

در درگاه تو فقیرم من دلداده ی غدیرم چون گردیده ای امیرم

ولایتان را به سینه دارم من

شور و شعف دارم عشق نجف دارم

تو هستی ولی مطلق هم حقی و هم مع الحق دادی دست شیعه بیرق

ز دشمنان تو کینه دارم من

علی ولی مسلمین حقا حقا حیدر مولا

زند به دست ملک دین حقا حقا حیدر مولا

ای زیبا سرشت به سوی بهشت از پیشت مرانم

از ما را عذاب در روز حساب با تو در امانم

دل شده دیوانه و تنگت قاتلم ایوان قشنگت

یاعلی مولا علی مولا

مشوق مستی امام من هستی

پرچم دار نهضت دین ناموس تو عصمت دین در روح تو هیبت دین

ارادت من به تو نمیشه کم

امیر درویشان منم ز هم کیشان

در دام تو من اسیرم بر لب جز تو دم نگیرم شادم چون تویی امیرم

وصی حق پیمبر خاتم

ای اولین مقلد دین احمد حیدر حیدر

به شیعیان فقط تویی میر ارشد حیدر حیدر

عبد تو شدم قربانت خودم و ایل و تبارم

به زیر پرت جا کن نوکرت جز تو کس ندارم

دل به سر زلف تو بستم شکر خدا حیدری هستم

یاعلی مولا علی مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هشتم؛ واحد و شور حسینی**

ترک01ـ واحد[[117]](#footnote-117)

به زیر علم قدم به قدم روانه شدم رو به سوی حرم

بدون حسین بدون جنون خدا چه شود آخر عاقبتم

حسین آقام حسین آقام

بده صدقه به راه خدا بده شب جمعه تو کرب و بلا

نفس نزنم نفس نکشم بدون تو یا سیدالشهدا

لباس غمت به قامت من صدا زدن تو عبادت من

اگر بشود به لطف شما زیارت شش گوشه قسمت من

حسین آقام حسین

دلم زغمت شکسته شده زدوری تو زار و خسته شده

که رشته ی دل ز روز ازل به پای ضریح تو بسته شده

چو مویه کنان به سینه زنم به غصه و داغ تو سر شکنم

خوشم که شود به لحظه ی مرگ لباس سیاه شما کفنم

حسین آقام حسین آقام

هوای حسین هوای حرم هوای شب جمعه زد به سرم

روانه شوم به سوی ضریح بگیری اگر زیر بال و پرم

به زیر علم قدم به قدم روانه شدم رو به سوی حرم

بدون حسین بدون جنون خدا چه شود آخرعاقبتم

حسین آقام حسین آقام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ شور[[118]](#footnote-118)

السلامُ یا شاه با وفا ارباب حسین دریاب مرا

پرپر می زنم با سینه زنا له له می زنم برای یک کرب و بلا

اشک فاطمه اشک زینبین می باره کف بین الحرمین

گرم هروله کل عالمین ازصحن امیر عشق تا صحن حسین

یاد شهدا یاد جبهه ها از شلمچه و یاد تشنه ها

یادگریه و یاد نوحه ی ما حسین حسین می گیم می ریم کرب و بلا

خون شهدا شد خون حسین بی سر شدنه قانون حسین

مثل شهدا کاشکی حک بشه روی سنگ قبرم أنا مجنون الحسین

ای پرچم تو سایه ی سرم معنای عشق سقای حرم

یک بار اگه تو نگام کنی من از همه دیوونه ها دیوونه ترم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ شور[[119]](#footnote-119)

افق نگاه شیدامه دلیل چشای دریامه به نام نامیِ آقامه کربلا کربلا

زیر و رو می شه دلم با تو همیشه می بینم عکساتُ خادم تو منم آقا تو کربلا کربلا

عشقت باور منه دستت یاور منه من کرب و بلائی ام پس زهرا مادر منه

ارباب کرم یا حسین مجنون شده ام با حسین امشب می پرم تا حسین

حسین اباعبدالله

راه هدایت و وا کردند راه بهشتُ به پاکردند تاکه حرمُ بناکردند کربلا کربلا

یه جا دل خرابم گیره به خدا ازهمه جا سیره همیشه پرمی گیره میره کربلا کربلا

شیرینی شبای عشقه اوج حال و هوای عشقه ضریحی که خدای عشقه کربلا کربلا

ایشالله یه روزی توهیئت برای پابوسی تربت ازهممون می کنه دعوت کربلا کربلا

مهرم خاک کربلاست قلبم خاک کربلاست شق القمریعنی عالم سینه چاک کربلاست

بارخصت رب جلی کربلا میشه منجلی تادم میگیریم یا علی

حسین اباعبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ شور[[120]](#footnote-120)

چی می شد کرب و بلا می رفتم دم ایوون طلا می رفتم

اگه روضه هات نبود می مردم شبای جمعه کجا می رفتم

همه جا اسم تو رُ آوردم آبرو دادی آبرو بردم

روز و شب با عشق تو سرمی کنم سرمُ نذر تو دلبر می کنم

مرده ام زنده بشه تو روضه هات بخدا ندیده باور می کنم

دلم تنگه برای حرم تو

توئی لیلا و دلم مجنونه حق بده اگه باشم دیوونه

می گذره دو روز دنیا اما این فقط عشق توئه می مونه

کعبه از عشق تو سیاه پوشه داره می گرده دور شش گوشه

سرمن به روی پرچم توئه نمک زندگیم از غم توئه

بخدا قسم شبای قدر ما شبای ماه محرم توئه

دلم تنگه برای حرم تو

توکه حرف دلمُ می دونی از چشایی که شده بارونی

جوونای هیئتی رُ مثل علی اکبرخودت می دونی

همه می دونند چقدر مردی برا ما ارباب پدری کردی

شاه بی سری و از همه سری اگه ارباب تویی خوبه نوکری

همه دوست دارند اباالفضلُ ولی خودت از همه اباالفضلی تری

دلم تنگه برای حرم تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ شور[[121]](#footnote-121)

هرجا باشم روضتُ می گیرم کربلا نرم که من می میرم

یه کاری کن برام امسال آقا یه زیارت باشه تو تقدیرم

عشق منه نوکری باز بگو که می خری این دل شکستمُ

این همه نفس زدم بین روضه های تو تا بگیری دستمُ

آرزومه اگه رفتم کربلا شب جمعه برسم پایین پا

دورکعت نماز بخونم و بدم یه سلام از طرف امام رضا

وای وای وای حسین وای

شب و روزمُ تو هیئت هستم یاد کربلا می افتم مستم

به ضریح شش گوشت آقاجون الهی که برسه باز دستم

دربه در روضه هام انگاری تو کربلام زیر پرچم حسین

بیقرار بیقرار لحظه هارُ می شمرم تا محرم حسین

توچشام چشمه ی غم داری آقا تو دلم دیگه حرم داری آقا

من که یک عمره می گم دوست دارم می دونم توئم دوسم داری آقا

وای وای وای حسین وای

دل مست و مبتلایی دارم این شبا حال و هوایی دارم

منُ کربلا نبردی باشه به خدا منم خدایی دارم

یاد شب جمعه ها یادحرمت آقا گریه شده عادتم

حسرت دلم شده دیدن ضریح تو کی می رسه نوبتم

به خدا می شکنه قلب مادرم بگذره امسالُ کربلا نرم

دیگه من چقدر باید دعا کنم آخه من چقدر بگم حرم حرم

وای وای وای حسین وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ شور[[122]](#footnote-122)

رویای شبم بین الحرمین کی دست منُ می گیره حسین

ارباب وفا سلطان کرم دل تنگ توام دلتنگ حرم

نوکر نوکراتم من خاک پاتم آب حیاتم خون خدا

حسین آقام آقام

تو دین منی دنیای منی امروز من و فردای منی

مجنون توتم لیلای منی از روز ازل آقای منی

رویای زندگیمه این دلخوشیمه باشم مقیمم کرب و بلا

حسین به خدا یه سفر کربلا می خوام

حسین آقام آقام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شور[[123]](#footnote-123)

بی سر و سامونم مجنون مجنونم

این شب ها انگاری کربلا مهمونم

کربلا کربلا

الهی العفو بحق الحسین

ای جونم می دونم بعد از مرگ خندونم

شب اول قبر چشم به راهت می مونم

انگاری شش گوشه امشب در آغوشه

انگار خون تازه از گودال می جوشه

کربلا کربلا

الهی العفو بحق الحسین

مادری تو گودال گویا رفته ازحال

ذبیحا بالقفا می زنه پر و بال

أخی أخی إلی إلی

یک طرف مادری می خونه بنی بنی

کربلا کربلا

الهی العفو بحق الحسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ شور[[124]](#footnote-124)

صلی الله علیک یا اباعبدالله بابی أنت و امی یا ثارالله

می دونم نوکری بلد نیستم می دونی انقدا که بد نیستم

هرچی باشه گریه کنم هرچی باشه سینه زنم

هرجایی که روضه بپاست یه پای ثابتش منم

سفره دار کرمی سایه ی سرمی مهربون تر از مادرمی

کربلا کربلا عکس حرم سنگ صبوره کربلا کربلا سلامم از راه دوره

دم مرگم برس به فریادم که جوونیمُ من برات دادم

کاشکی آقا تابوتمُ از دم هیئت ببرند

یادم کنند اسم منُ گاهی تو روضت ببرند

یاحسین هر نفسه دوری از تو بسه دستم به ضریح کی می رسه

کربلا کربلا عکس حرم سنگ صبوره کربلا کربلا سلامم از راه دوره

قبولم کن منُ بخر آقا دم راس الحسین ببر آقا

روضه ی گودال و شب جمعه حرم سینه زنی

مادری میگه بمیرم ای پسرم بی کفنی

نوکر فاطمه ام آقای همه ام شب های جمعه علقمه ام

کربلا کربلا عکس حرم سنگ صبوره کربلا کربلا سلامم از راه دوره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ شور[[125]](#footnote-125)

دلم می خونه برای آقا همه جوونیم فدای آقا

حسین منُ بخر حرم منُ ببر

دل من از کودکی به عشق تو شده اسیر

تو روضه هات گریه می کنم برات یه دل سیر

قبله ی من پایین پاته جنت من کرب و بلاته کعبه ی من ایوون طلاته

حسین من عزیز زهرا

پری بده تا که پر بگیرم بزار توی کربلا بمیرم

فقط بده نفس حسین بگم و بس

من که یه عمر سینه ام کبود شده پای غمت

چرا آقا رام نمی دی تا بیام تو حرمت

به سایه ی علمت آقا دست منُ کرمت اقا بزار بیام حرمت آقا

حسین من عزیز زهرا

آقا می کنم همیشه نیت یه روز بمیرم تواین مصیبت

شهید سرجدا مرمل الدماء

صدای زهراست که داره می رسه ز قتلگاه

به روی تل زینبیه که می زنه ناله و آه

به روی خاک نفس آخر به قتلگاه بدن بی سر شنیده شد صدای مادر

حسین من عزیز زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل نهم؛ زمزمه**

ترک01ـ وفات حضرت خدیجه(علیها السلام)[[126]](#footnote-126)

بالا سرم گریه نکن سخته ببینم اشکاتُ

تو اینجا باشی کی میده دلداری میده باباتُ

فاطمه جان می دونی آتیش گرفته دلم

من میرم از کنارت بد میشه روزگارت چیه در انتظارت

خدانگهدار خدانگهدار فاطمه

مگه میشه که مادری به فکر دختر نباشه

موقع وضع حمل زن سخته که مادر نباشه

یه از خدا بی خبر می زندت پشت در

هم پسرت می سوزه هم معجرت می سوزه موی سرت می سوزه

خدانگهدار خدانگهدار فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شب نوزدهم[[127]](#footnote-127)

آروم آروم لحظه ی موعود می رسه

تپش تپش دلم میگه دوری فاطمه بسه

ستاره ها آیه دعوت می خونند مرغابی ها خوب می دونند فردا بی مولا می مونند

آروم آروم راهی سرنوشتم فاطمه جان تویی تویی بهشتم

تنگ غروب سفره ی افطار می چیدم

تو قاب چشمای بابا یه در و دیوار می دیدم

نون و نمک به یاد قصه ی فدک با مولا گریونه فلک به یاد کوچه و کتک

پریشونه به یاد خون مسمار آروم میگه زینب خدانگهدار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[128]](#footnote-128)

عباس من تو بزم آل فاطمه

شمع وجود تو کمه بیا حرف از محرمه

بیا بیا از تشنگی برات بگم از قصه ی دست و علم از قصه قامت خم

پشت حسین بن علی تا شده واویلا واویلا

روی عدو به خیمه ها وا شده واویلا واویلا

برو برو به فکر کربلا باش برو برو عمود خیمه ها باش

عباس من پناه خواهرت تویی

پشت برادرت تویی زائر مادرت تویی

عباس من نبینی سیلی خوردنُ نبینی زیور بردنُ نبینی بچه مردنُ

یه روز تو رُ تو علقمه می بینم اون روز تو رو با فاطمه می بینم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[129]](#footnote-129)

لرزه به تن حیدر افتاده غرق خون روی بستر افتاده

بچه هاش همه دور بسترش زینبش به یاد داغ مادر افتاده

خونه همهمه خونه گریه دار بین ناله ها یک ناله ی زار

زینبم ببین خون بند نمیاد چاره نداریم چادر مادرُ بیار

یادش نمیره بین کوچه ها فریاد می زدش فاطمه نیا

رحمی به دل زار مرتضی پاشو جون حیدر برو پیش بچه ها

یادش نمیره میخ شعله ور با ضرب لگد با ضربه ی در

در روی یکی افتاده شد و از رو در یهو رد می شدند چهل نفر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام) [[130]](#footnote-130)

کوچه گلی از چشمای تره جون به سر شدیم کی با خبره

هیچکی از خونه بیرون نمیاد همراه یتیما گوشمون روی دره

بین ناله ها یک صدا میاد از حنجره ی مرتضی میاد

یعنی چی می گن عاشورا چیه هر چند کلمه یه اسم کربلا میاد

عاشورا کیه کربلا کجاست اسم کربلا اوج گریه هاست

مولا چی میگه یاحسین می گن یعنی چی سر حسین به روی نیزه هاست

صحبت از تن صد پاره چیه یک قافله ی آواره چیه

گفت خیمه ها رُ آتیش می زنند شیر خواره چیه غارت گهواره چیه

پاره تن کیه بی کفن کیه جای نعل اسب رو بدن چیه

صحبت از تن بی سر می کنه با لبهای تشنه دست و پا زدن چیه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[131]](#footnote-131)

بیا کنارم بنشین که لحظه های آخره

دیگه نیاز نیست به طبیب اجل دوای حیدره

وقت جدایی ماست مادرتون چشم به راست

چادرشُ بیارید رو زخم من بذارید فردا بابا ندارید

خدانگهدار

این شب قدر دعا کنید تا علی راحت بمیره

روضه ی زهرا بخونید تا دلم آروم بگیره

یه عمره اذیت شدم دو روزه راحت شدم

لعنت به مردم آزار یادمه زخم مسمار گلم می خورد به دیوار

خدانگهدار

یتیمایی که اومدن با ظرف شیر دیدن من

توجواب محبتا آخر دلم رُ می شکنند

وقتی بزرگتر میشن دشمن حیدر میشن

با نیزه ای که دارند پا رو سینه می ذارند به کوفه سر میارند

خدانگهدار

نگاه به زینب می کنه می گه یکم طاقت بیار

گریه های امشبتُ برای کربلا بذار

یه روز برای کوفی ها میشی یه ناآشنا

میشی اسیر اغیار میری تو کوچه بازار می بینی اونجا آزار

خدانگهدار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[132]](#footnote-132)

در خونه ای شلوغه امون از دور و زمونه

خواب میرن رو پای مادر یتیما دونه به دونه

یه یتیمی سر به دیوار یکی سر رو پای مادر

یکی دستاش پر خاکه یکی خاک می ریزه بر سر

یکی چشماش پر اشکه کنارش یه کاسه شیره

می گه کاشکی آقام امشب کاسه ی منُ بگیره

هرکی یک گوشه نشسته تا طبیب میاد و میره

با تکون دادن یک سر همه رُ عزا می گیره

همه از طبیب می پرسن بی جوابی یه جوابه

از نگاهش میشه فهمید حال آقامون خرابه

یتیمی گوشش به در بود با نفسهای بریده

برا بچه های دیگه می گه هرچی رُ شنیده

می شنوم صدای گریه که شده نوای امشب

صدای آه حسین و صدای ضجه ی زینب

بابا گفته توی حجره گلای زهرا بمونند

با ابالفضل به گمونم که می خوان روضه بخونند

صدای ناله بلنده حال بابامون خرابه

چی شده تو خونه امشب روضه ی مشک پر آبه[[133]](#footnote-133)

نمیدونم چی می خونند نقل بچه های تشنه ست

گریشون بالا گرفته صحبت از یه حلق و دشنه ست

صحبت رنگ پریده صحبت چشم دریده

صحبت قد خمیده صحبت سر بریده

صحبت سر شکسته یه جوون اربا اربا

صحبت شیش ماهه ای که جون میده رو دست بابا

خیمه ی آتیش گرفته گوشواره، گهواره، مادر

سم اسب، نعل تازه توی گودال تن بی سر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[134]](#footnote-134)

بابای مهربونم درد و بلات به جونم

کنار بستر تو برات دعا می خونم

ذکر زینبه یا من اسمه دوا ای خدا بده بابای منُ شفا

ماه شکسته ی من به خون نشسته من

ذله شده قصه ی مادر خسته من

حال امشبت مثل حال مادره زردی رخت چون جمال مادره

مادر کجایی

از چشاتون می باره یه آسمون ستاره

ای اهل من بدونید کوفه وفا نداره

با نگاه خود تو علیُ می کشی من می بینمت تو تنور آتیشی

زینب قهرمانم خودت که خوب می دونی

یه روز تو شهر کوفه باید خطبه بخونی

روی نیزه ها سر شکسته می بینی توی محملا پر شکسته می بینی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دهم؛ نکات ناب**

ترک01ـ مناجات [[135]](#footnote-135)

طرف از دنیا رفت، خیلی مال و اموال داشت، وصیت کرد پیغمبر همه ی مالش رُ صدقه بده، خیرات بده. سر قبرش همه ی مالش رُ پیغمبر خیرات کرد، آخر سر دو تا خرمای خشک رو زمین افتاده بود. رسول خدا فرمود: اگه در حیاط و زندگیش این دوتا خرمای خشک رُ خیرات کرده بود، بهتر از این بود که من رسول خدا همه ی مالش رُ اینجا خیرات بکنم؛ برای چی گریه نکنم، جون دادن میگن خیلی سخته...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ مناجات [[136]](#footnote-136)

شب های ماه رمضونه؛ دم افطارها شما ـ بقیه ی شیعیان امیرالمومنین ـ با کرامت هستید، بامعرفت هستید، اگر تو خونت دم افطار، خانومت یک غذائی درست بکنه، خیلی بوی خوبی داشته باشه، میگی خانوم! از این غذا برای همسایه ها ببر، یه وقت بوی غذا نره ، یه وقت دلشون نخواد. ای وای از اون لحظه ای که یه وقت همسایه ی بغل دستی یتیم داشته باشه، وای از اون لحظه ای که دختر کوچولو داشته باشه، میگی اول برای همسایه ببر، دخترش رُ یه بوسه بزن... تا سر بابا رُ دید گفت: بابا از کربلا تا کوفه از کوفه تا شام...

ز خانه ها همه بوی طعام می آمد ولی به جان تو بابا گرسنه خوابیدم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ مناجات[[137]](#footnote-137)

خدا از پدر و مادر بی نهایت مهربان تره. بنده ای که از خدا دور میشه، خدا هم دنبالش میره که خطر براش ایجاد نشه. می فرماید هرکسی رحلت کنه به سمت خدا راهش نزدیکه.یعنی چی؟ یعنی خدا پشت بنده میاد که اگه این بنده هرجایی توبه کرد برگرده، تو بغل خدا باشه؛ یعنی بنده داره میره پشتش به خداست،خسته که میشه میترسه، تا برمی گرده آغوش خدا بازه، میگه بیا بغل خودم، بنده ی بیچارم رفتی چرخاتُ زدی؟! مهربون تر از من نسبت به تو نیست، دیگه نرو...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ مناجات[[138]](#footnote-138)

خدا نه تنها پاک میکنه بنده ای که در خونه اش میاد، نامه ی اعمالش رُ نگاه میکنه، میگه این بنده با من دلش صاف شده،گناهاش چی شد پس؟کدوم گناه؟ گناهی نداره، بخونید. نگاه می کنند ملائک می بینند همش عوض شده، همش خوبی شده، تو چقدر با دل من راه میای، اما من حواسم نیست.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک5ـ مناجات[[139]](#footnote-139)

بچه قهر بکنه از خونه، هرجائی ام بره سال های سال هم خونه نیاد، باز هرجا کم بیاره میاد پیش مادر و پدرش؛ بنده ی فراری برگشته...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ مناجات[[140]](#footnote-140)

جزع و فزع کن، جزع و فزع مال کسیه که انگار روی آتیش انداختنش، عین یک بچه ای که روی آتیش داره می دوه، عین یک بچه ای که ذغال آتیش زیر پاهاشه توی کوچه داره می دوه، عین یک بچه ای که داره روی آتیش دنبال سر بابا می دوه، هی صدا می زنه بابا... اینجوری جزع وفزع بکن، آره همین طوری زیر لب بگو آی خدا...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ مناجات[[141]](#footnote-141)

ام السلمه می گه دیدم پیغمبر تو دل شب یک گوشه ای از حیاط داره گریه می کنه، التماس خدا می کنه، هی می گه: الهی لاتکلنی الی نفسی طرفه عین ابدا؛ خدایا به اندازه ی یک چشم به هم زدن منُ به خودم واگذار مکن. میگه از گریه ی پیغمبر من هم گریم گرفت، از صدای گریه ی من پیغمبر متوجه صدای گریه ی من شد، فرمود ام السلمه تو چرا داری گریه می کنی؟عرضه داشتم یا رسول الله! همه ی عالم برای شما خلق شده، علت خلقت عالم هستی، شما اینطور داری در خونه خدا گریه می کنی! فرمود: ام السلمه برادرم یونس یه لحظه به خودش واگذار شد حال و روزش اون طور شد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ مناجات[[142]](#footnote-142)

فرمود موسی رحمت و مهربانی من رُ می خوای بفهمی؟ برو به فلان آدرس، وقتی جوونه داره مادرش رُ می بره دنبالش برو، جوان یک عمری خدمت مادر رُ کرده، دیگه کم آورده بود. مادره یک پیرزنه، همه کار براش می کنه،مادرشُ گذاشته بودش تو یک زنبیل پشتش بود،گفت میرم بالای کوه یک جایی که دست حیوان درنده ای هم بهش نرسه،می ذارمش اونجا وبرمی گردم،گفت موسی دنبالش برو، می خوام مهربونی خودمُ بهت بگم،مادرُ برد پشت یک کوهی قرار داد، مادرش دعاش کرد، گفت پسرم ممنونتم، خیلی زحمت من رُ کشیدی،همین که داشت با شرمندگی برمی گشت، یه سنگی رفت زیر پاش داشت می خورد زمین،مادره دستشُ بالا گرفت، گفت خدا مواظب پسرم باش،گفت این مهربونی رُ دیدی؟ برو به بنده هام بگو من ازمادر بهشون مهربون ترهستم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ مناجات

بعداز شب قدرگفت آقا دیشب خاک بر سرم شد. فرمود چرا؟ گفت آقا ما دیشب خواب موندیم، همه بیدار بودند، احیا داشتند، ما خوابمون برد، آقا فرمود دیشب یه عمل داشتی، من امام صادق حاضرم اعمال دیشبم رُ با اعمال تو عوض بکنم.گفت آقا قربونت برم من می گم دیشب خوابم برد، فقط نماز صبحم رُ خواندم. آقا فرمود نیمه ی شب یادته از خواب بلند شدی، تشنه ات بود، یه جرعه آب خوردی گفتی السلام علیک یا اباعبدالله... فدای لب تشنه اتت حسین جان...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ مناجات[[143]](#footnote-143)

دیدی بعضی وقت ها کار دنیاییمون یک جا گیر می کنه، می ری پیش اون مسئول، شروع میکنی ازش تعریف کردن تا بلکه مشکلتُ حل بکنه؛ بگو خدا صاف و ساده اومدم دارم تملقت رُ میگم، اما تو خدائی هستی که هنوز من نگفته حاجتمُ می دی.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ مناجات[[144]](#footnote-144)

آدم تو دنیا سراغ کسی می ره، حتی اگر بخواد حاجتت رُ هم بده چهارتا سوال ازت میکنه، خجالت می کشی، می گی کاش نیومده بودم چیزی ازش بخوام؛ قربون تو برم هرچی ازت خواستم بی سوال بهم دادی، اصلا ازم نپرسیدی برای چی می خوام.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ مناجات[[145]](#footnote-145)

امام صادق فرمود حتی تو گناه اگه خدا رُ صدا بزنی، خدا جوابتُ می ده، وسط گناه یک لحظه پشیمون شدی سرتُ بیار بالا، بگو یا الله... یا ارحم الراحمین...اما در عوض هرموقع تو منُ صدا زدی، من معطل کردم، کندی کردم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ مناجات[[146]](#footnote-146)

یه روز رفیق صمیمیت بهت محل نمی ذاره،هزار تا زنگ بهش می زنی چته؟مگه من کاری کردم بهم محل نمی ذاری؟خدایا من از چشم تو افتادم عین خیالمم نبود...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ مناجات[[147]](#footnote-147)

جوونه داره جون میده، اما دیدند خیلی سخت داره جون میده، پیغمبر رُ صدا زدند یا رسول الله! این بنده ی خدا خیلی داره سخت جون می ده. پیغمبر فرمود ببینم آیا این عاق والدینه؟ آیا این جوان خوب اعمالش رُ انجام نداده؟ نماز نخونده؟ تارک الصلاه بوده؟ مشکلش چی بوده؟ گفتند این جوون مادری داره، مادرش ازش راضی نیست،فرمود مادرش رُصدا بزنید، مادره اومد، پیغمبر فرمود ظاهرا از این جوون راضی نیستی که اینطور افتاده در بستر مرگ و داره سخت جون می ده؟ عرضه داشت: آری یا رسول الله! این جوون به صورتم سیلی زده، هیچ وقت ازش راضی نمی شم،پیغمبر فرمود حالا که اینطوریه آتیش بیارید، می خوام بدن این جوون رُ بسوزونم. تا اسم آتیش اومد، بدن این مادر شروع کرد لرزیدن. عرضه داشت یا رسول الله! هیچ وقت راضی نمی شم، نه ماه در شکمم بوده، با شیره ی جونم پرورشش دادم، دوسال شیرش دادم،اگر قراره بسوزونیش ازش گذشتم....

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک15ـ مناجات[[148]](#footnote-148)

گفت به بُتش سجده کرد، همچین که نام بتش رُ می برد؛ به نام صنم صنم، زبونش گرفت گفت صمد،یه وقت دیدند خداوند متعال صدا زد لبیک لبیک! چی می خوای بنده ی من؟ملائکه گفتند خدایا بتش رُ صدا می زد،یه مرتبه اسم تو رُ آورد، خداوند فرمود ملائکه! بدونید من دنبال بهونه می گردم دست بنده هامُ بگیرم. خدا من اومدم امشب درخونت باهات حرف بزنم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک16ـ مناجات[[149]](#footnote-149)

خودش فرمود دوکس رُ هیچ وقت دست رد به سینشون نمی زنم، یکی پیرمردی که محاسن سپیدشُ رو دستش بگیره بگه خدا... یکی جوونیه که بیاد در خونه ی خدا با من حرف بزنه. خدایا من برای همه وقت گذاشتم، اما هیچ وقت نخواستم باهات حرف بزنم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک17ـ شب نوزدهم[[150]](#footnote-150)

امشب امیرالمومنین مدام آسمانُ نگاه می کنه،اما اون شب حسین مدام زمینُ نگاه می کرد، هی یکی یکی خارها رُ می شمرد، از تو صحرا می کند. بی بی زینب اومد جلو، حسین جان این چه کاریه؟ چرا راه افتادی داری خارهای صحرا رُ می کنی؟فرموده باشه زینب جان! فردا شماها رُ روی این خارهای بیابون می دوونند، یه خارهم کمتر بره تو پاهای بچه هام یه خاره...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک18ـ شب نوزدهم[[151]](#footnote-151)

آخرین توشه ها رُ برد در خونه ی یتیما، الهی برات بمیرم از فردا دیگه کی می خواد نون ببره در خونه ی بچه یتیما؟از فردا همه منتظرن، اما علی نیومد. به یتیما نون داد، خرما تو دهنشون گذاشت، به بچه یتیم ها رسید تا نکنه یک روز بچه یتیم های خودشُ اذیت بکنند، توخرابه می گفت عمه! می گفتی بابا برا فقیرا نان می برد، عمه دلم ازگرسنگی درد می کنه...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک19ـ شب نوزدهم[[152]](#footnote-152)

اگه مادر شانه بخواد، دختر کمک می کنه، اگه سر مادر درد بگیره، دختر کمک می کنه؛ زینب بلده سر ببنده، این سه روز هم سر علی رُ زینب بست، شکاف سرُ بلده ببنده، اینُ حسین هم می دونه...گفت:

پاشو عزیزم ببین که دشمن به گریه ی ما داره می خنده

پاشو عزیزم بریم به خیمه زخم سرت رُ عمه ببنده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک20ـ شب نوزدهم[[153]](#footnote-153)

امام حسن یه وقتی بالا سر بابا رسید، دید بابا داره با این خاک های محراب حرف می زنه: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى[[154]](#footnote-154) دید دستی که به خون فرق سر آغشته ست، باخاک محراب گل شده، این منظره یه جا دیگه تکرار شد؛ زینب اومد پشت خیمه ها دید حسین یک قبر کوچیک کنده، علی اصغر رُ گذاشته بالای قبر، خون گلو داره می ریزه تو قبر، دست حسین هم با خاک وخون گلیه، نشست دست حسین رُ گرفت، خواهر برات بمیره... دست داداش رُ باچادر پاک کرد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک21ـ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[155]](#footnote-155)

خونه ای که الان فاطمه توش نشسته، سر علی رُ به دامن گرفته، خانوم داره بالا سر علی یاسین می خونه، به تلافی اون روزی که علی داشت قرآن می خوند برای فاطمه،،اشک چشمش رو صورت فاطمه چکید، با دست شکسته می خواست اشک مولا رُ پاک بکنه، هی این دست بالا می اومد، رو زمین می افتاد علی کمکش کرد....

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش هشتم؛ سبکهای یاس کبود**

ترک01ـ زمینه امام حسین(علیه السلام) و ماه مبارک رمضان[[156]](#footnote-156)

تو این روزای عاشقی آقاجون روزه گرفتم و شدم یه مجنون

با کام خشکم وقتی آب می بینم روضه می گیرم و می شم یه مجنون

بین دو نهر آب تشنه تشنه ی خون تو دشنه

حسین وای

دل خرابمُ دادم به ارباب یه روزی می دونم میشه دُر ناب

بس که آقام کریم و بزرگواره ذره می شه پیش نگاهش آفتاب

گدای تو فراوونه دنیای بی تو زندونه

حسین وای

اسوه ی هر زنده دلی حسینه نور حق لم یزلی حسینه

مردی و مردونگیه مرامش محبوب بین المللی حسینه

گرچه زعالم تو سری ولی بمیرم بی سری

حسین وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ سرود ولادت امام حسن(علیه السلام)[[157]](#footnote-157)

يه آقا يه مولا يه كريم سفره داره يه دنيا تو دستاش لطف و كرم مياره

يه عالم به عشقش سر زير پاش مي ذاره

امشب، عاشق، مست مست مستم آخه بين نوكراش نشستم

ملائك صف شدن پشت در خونه ی حيدر

آخه عيدي ميده به عاشقا خود پيمبر

حسن سيدي يا سيدي يا سيدي مولا

مدينه زجلوه ش غرق صفا و نوره تو دلها زمهرش شادي و شوق و شوره

بساط عاشقي حسابي جور جوره

حيدر اشكاش جاريه روي گونه زهرا داره نماز شكر مي خونه

داره جد حسن يه شال سبز براش مي بنده

كه كل خلق عالم به نخاش دخيل ببنده

حسن سيدي يا سيدي يا سيدي مولا

جوشنِ كبيره اسم قشنگ آقا بركتِ تمومِ ماه رمضونه مولا

مايه ی نجاته ولايتش به والله

جايي غير در خونش نمي ريم آخر با ذكر يا حسن مي ميريم

حسن قرآن نازل شده بر قلب پيمبر

حسن علت بخشايش ما در صف محشر

حسن سيدي يا سيدي يا سيدي مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ سرود ولادت امام حسن(علیه السلام)[[158]](#footnote-158)

دل تو دلم نیست شب نیمه ی ماه رمضونه

شب ولادت رسیده و دلم داره می خونه

امشب آقا تو خونت دعوتم و تو سفره داری

کاشکی امشب شال سبزتُ برام عیدی بیاری

یابن الحیدر خدایی تو آسمونا تا نداری

سایه ت روی سرم آقای کرم

وقتی آقام تویی پس من هم نوکرم

مولانا یا حسن حسن یا حسن

دستمُ امشب کرم و لطف مجتبی می گیره

بس که کریمه کسی دست خالی از خونش نمی ره

با تو امشب غم و غصه هام دیگه آقا به سر شد

بزم عشق و شب جشن و شادی کل بشر شد

پس می خونم حضرت زهرا دیگه صاحب پسر شد

با تو دریا می شم چه غوغا می شم

اسمت رُ می برم باز من شیدا می شم

مولانا یا حسن حسن یا حسن

از آسمونا داره سبد سبد قمر می باره

فاطمه امشب برا گل پسرش آروم نداره

به چه شوری شب یلدای دل عاشقا اومد

عشق زهرا کریم آل عبا به دنیا اومد

هستی ما پسر ارشد حیدر مجتبی اومد

ای عشق فاطمه آقای همه

هرچی از تو بگیم انصافا باز کمه

مولانا یا حسن حسن یا حسن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ زمینه شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[159]](#footnote-159)

غريبونه علي رفته پيش زهرا شده راحت زجفاي اهل دنيا

امون از اين غم جدايي عجب مصيبت و عزايي

باباي خوب ما كجايي

آه و واویلا

خاليه جات توي خونه باباي خوبم داداش حسنم روضه خونه باباي خوبم

حسين در اين عزا و ماتم بغل گرفته زانوي غم

ميگه با ناله ي دمادم

آه و واویلا

ديگه بعد تو دل ما همه خونه ديگه زينب روز و شب ها پريشونه

زداغ مجتبي واويلا ز روز پر بلا واويلا

حسين سرجدا واويلا

آه و واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ زمینه شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)[[160]](#footnote-160)

داری پر می کشی دیگه می ری تو آسمونا

بیا نیگا بکن حال من و بچه یتیما

کاشکی مادرمون بود ببینه ناله و اشکا

فرقت کاسه ی خونه دست تو نیمه جونه

بچه یتیما گفتند کاشکی زنده بمونه

می دونم حالت رو به راه نیست اینُ از تو چشات می خونم

داری آروم زبون می گیری می رم پیش یاس جوونم

بابا حیدر مرو مرو

دم آخره و بابام داره دعا می خونه

خیری ندیده از مردم این دور و زمونه

حال و روز بابام خیلی مث مادر می مونه

بچه یتیما گریون دلها شده بی سامون

غربت تو چشم زینب دست عباسه بی جون

چقدَرسخته که ببینی مرد خیبرشکن غریبه

دم آخر به روی لبهاش ناله های امن یجیبه

بابا حیدر مرو مرو

خیلی کنایه و طعنه از این نامردا دیدی

دیگه لحظه ی آخرت شده نفس بریدی

حالا به یاد غربت حسین شاه شهیدی

آخر غریب و تنها تشنه میون اعدا

پیکر به روی خاک و راسش به روی نی ها

طاقت داری ببینی یک روز به اشک بچه هات می خندند

یه عده از خدا بی خبر سرا رُ روی نی می بندند

غریب مادر یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ واحد علوی[[161]](#footnote-161)

شاه لا فتی امیر لشگر مدد یا حیدر

شیر حق تویی عزیز داور مدد یا حیدر

مرتضایی امیر قنبر مدد یا حیدر

دست شما روی سرم علی جان دلم شده جلد حرم علی جان

به عشق توست که می پرم علی جان

صلی الله علیک یا امیرالمومنین

تو حرم وقتی یه کنج می شینم تو رُ می بینم

شهدی از ضریح تو می چینم تو رُ می بینم

میشه گریم برا تو تسکینم تو رُ می بینم

ذکری که تو سرمه یا زهرا اذن دخول حرمه یا زهرا

باعث چشم ترمه یا زهرا

صلی الله علیک یا امیرالمومنین

توی این شبای عشق مجنونم همش می خونم

یاد لبهای تو من بارونم همش می خونم

روضه ای که مادرت می خونه همش می خونم

با لب تشنه کشتنت بنی بگو چی شد پیرهنت بنی

به روی نیزه بردنت بنی

امان من النار لزوار الحسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

منابع:

1. قرآن
2. بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق .
3. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1362ش.
4. قصص التوابین، علی میرخلف زاده، الکترونیکی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی ،1343ش.
5. الاسرار الفاطمیه،الشیخ محمد فاضل المسروری، قم، الزائر الروضه المقدسه، 1378ش.
6. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب السّروي المازندراني أبي جعفر محمد بن علي، سليمانزاده، 1384 ش.
7. اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، 1345ش.
8. شجره طوبی، محمدمهدی حائری، قم، کتابخانه آستان مقدسه حضرت معصومه، 1366ش.
9. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، 1387ش.
10. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران، ناصرخسرو، 1372ش.
11. سيرة الأئمة الاثني عشر، هاشم معروف الحسنى، نجف، المكتبة الحيدرية، 1382ق.
12. تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی، تهران، دفتر نشر نوید اسلام، 1390ش.
13. سوگنامه آل محمد، محمدی اشتهاردی، قم، ناصر،1370ش.
14. عقد الفرید، محمدبن عبدربه، قاهره، لجنه التالیف و الترجمه و النشر، 1368ش.

**محصولات تولید کانون مداحان یاس کبود**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | نام کتاب | موضوع |
| 1 | **بهشت خاکی ـ باران غربت** | شوال |
| 2 | **امام مهربانی ـ سلسله عاشقی** | ذی القعده |
| 3 | **بهار ولایت ـ حرای غدیر** | ذی الحجه |
| 4 | **آتش عشق ـ الظلیمه** | محرم |
| 5 | **صفرنامه ـ منبر اشک** | صفر |
| 6 | **خورشید عالمتاب ـ ربیع الایام** | ربیع الاول و ربیع الثانی |
| 7 | **یاس کبود ـ یاس کبود2** | میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها)  ایام فاطمیه |
| 8 | **مادر آسمانی ـ بانوی باران** | میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)  وفات حضرت ام البنین (سلام الله علیها) |
| 9 | **عطر بهشت ـ صراط الجنه** | رجب |
| 10 | **نورٌ علی نورٌـ فصل وصل** | شعبان |
| 11 | **هلال نیایش** | رمضان |
| 12 | **فصلنامه یاس کبود 2 و1** | دروس تدریس شده اساتید در اجتماع عمومی اعضای کانون یاس کبود |
| 13 | **جزوه آموزشی دستگاههای آواز** | ــــــــــــــ |
| 14 | **جزوه آموزشی دوره مقدماتی به پیوست دروه تکمیلی** | ــــــــــــــ |
| 15 | **دفتر اول شعر نوجوانان** | سطح 1 آموزش مداحی نوجوانان |

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد اول ـ دوره عمومی**

این کتاب شامل سه بخش عملی و تئوری می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

1. آموزش زمزمه بر مبنای دستگاه های آوار سنتی.
2. آموزش روش انتخاب شعر و سبک گذاری بر مبنای دستگاه های آواز سنتی.
3. آموزش رو خوانی و روانخوانی دعای توسل و زیارت عاشورا.
4. آموزش اصول و فنون نوحه خوانی.
5. اصول و فنون مداحی ( خلاصه دروس ارائه شده در جلسات مجمع یاس کبود).

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تربیت و معرفت دینی ـ عبارت است از:

1. احکام عمومی.(خلاصة رسالة امام خمینی رَحِمَهُ الله)
2. احکام تخصصی(هیأت).(استخراج از رسالة مراجع عظام)
3. آشنایی با اسامی، عبارات، ترکیبات و اصطلاحات عاشورایی.(خلاصه فرهنگ عاشورا تألیف استاد جواد محدثی)

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

1. بازخوانی نقش محرم در انقلاب اسلامی
2. کارکردهای هیآت مذهبی
3. هیآت و وظایف مهم آن
4. عبرتهای نهضت حسینی
5. هیآت و آسیبها
6. تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد دوم ـ دوره متوسطه**

این کتاب شامل سه بخش مهارتی، معرفتی و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

* 1. آموزش دستگاه های آوار.
  2. آموزش روش انتخاب شعر و کاربردی کردن اموخته هتای سبکی در دستگاه های آواز.
  3. آموزش ادعیه و زیارات ؛ شامل دعای کمیل و دعای ندبه.
  4. آموزش سبکهای مجلسی سنتی.
  5. آموزش روش تهیه مجلس دهه ی محرم شبهای اول تا پنجم.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ معرفت دینی ـ عبارت است از:

* + 1. قصص انبیاء.
    2. مقتل امام حسین(علیه السلام).
    3. تاریخ شهادت معصومین(علیهما السلام).
    4. آیین روضه خوانی.
    5. ادبیات فارسی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

* + - 1. اهداف نهضت عاشورا.
      2. عزاداری، سنت یا بدعت.
      3. نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی.
      4. عاشورا و جریان شناسی نفاق.

**جهت تهیه محصولات کانون مداحان یاس کبود با شماره 35947738 تماس حاصل فرمایید.**

1. . این بخش خلاصه ای از بیانات استاد حاج مرتضی طاهری در اجتماع عمومی ذاکرین اهل بیت علیهم السلام در مجمع ادبی مذهبی یاس کبود می باشد. [↑](#footnote-ref-1)
2. . قصص التوابین، میرخلف زاده،ص78 و 77. [↑](#footnote-ref-2)
3. . قصص التوابین، میرخلف زاده،ص 8 و 7. [↑](#footnote-ref-3)
4. . میزان الحکمه، محمدی ری شهری،ج 1، ص 541. [↑](#footnote-ref-4)
5. . بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ‏35، ص‏143. [↑](#footnote-ref-5)
6. . الأسرار الفاطمية، الشيخ محمد فاضل المسعودي، ص164. [↑](#footnote-ref-6)
7. . اعیان الشیعه، محسن امین ،ج‏1، ص‏380 . [↑](#footnote-ref-7)
8. . شجره طوبى، محمد مهدی حائری، ج‏2، ص‏334. [↑](#footnote-ref-8)
9. . بحارالانوار، علامه مجلسی، ج‏43، ص‏282. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سیرة الائمة الاثنى عشر، هاشم معروف الحسنى، ج‏1، ص‏462 . [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان، ص‏257 . [↑](#footnote-ref-11)
12. . بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 6 ، ص 129. [↑](#footnote-ref-12)
13. . نساء، آیه 86. [↑](#footnote-ref-13)
14. . مناقب آل ابیطالب،ابن شهر آشوب، ج۴، ص۱۸. [↑](#footnote-ref-14)
15. . بحارالانوار ، علامه مجلسی،ج 94، ص15. [↑](#footnote-ref-15)
16. . وسائل الشیعه، حر عاملی، ج10، ص 358. [↑](#footnote-ref-16)
17. . بقره، آیه 185. [↑](#footnote-ref-17)
18. . دخان، آیه 3. [↑](#footnote-ref-18)
19. . قدر، آیه 1 [↑](#footnote-ref-19)
20. . مجمع البیان، ابوعلی طبرسی، ج1، ص 518 . [↑](#footnote-ref-20)
21. . حج، آیه 74. [↑](#footnote-ref-21)
22. . دخان، آیه 4. [↑](#footnote-ref-22)
23. . وسائل الشیعه، حرّ عاملی، ج 7، ص259. [↑](#footnote-ref-23)
24. . سخنرانی آیت الله خوشوقت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان 1391 [↑](#footnote-ref-24)
25. . نورالثقلین، حویزی، ج5، ص587. [↑](#footnote-ref-25)
26. . عقدالفرید، محمدبن عبدربه، ج4، ص361. [↑](#footnote-ref-26)
27. . سوگنامه آل محمد، محمدی اشتهاردی، ص 49. [↑](#footnote-ref-27)
28. . این بخش خلاصه ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع عمومی ذاکرین اهل بیت علیهم السلام در تاریخ 31/1/93 تهیه شده است. [↑](#footnote-ref-28)
29. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-29)
30. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-30)
31. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-31)
32. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-32)
33. . گفت: موسی داری میری به خدات یه پیغام بده، بگو اگه حاجت منُ ندی من آبروتُ می برم. روش نشد اصلا اینطور پیام رُ برسونه. وقتی مناجات کرد داشت بر می گشت، گفت: به اون بنده ما بگو ما حاجتتُ دادیم، اما موسی سوال کن چطور می خواست آبروی منُ ببره؟ اومد تو راه بهش برخورد کرد، گفت: خدا حاجتتُ داده، اما به من گفته ازت سوال کنم چطور می خواستی آبروشُ ببری؟ گفت: موسی به عزت و جلالش اگه حاجتمُ نمی داد، قصد داشتم دست راستمُ قطع کنم، تو دست چپم بگیرم تو کوچه و بازار برم، بگم مردم! این دست جلو در خونه کریم رفت و دست خالی برگشت، دستی که خالی از در خونه کریم برگرده، بهتره قطع بشه. [↑](#footnote-ref-33)
34. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-34)
35. . موسی بن سیار میگه با امام رضا که از مدینه می اومدیم به دیوار های مرو که رسیدیم، یه مرتبه دیدم صدای لااله الاالله بلنده، دارند یه تابوتی رُ می برند، دیدم امام رضا از مرکب پیاده شد، دوان دوان اومد خودش رُ رسوند به این بدن، جلو تابوت رُ امام رضا گرفت، تا امام رضا کنار قبر اومد، بدنُ خود امام رضا روونه قبر کرد، دیدم دست گذاشت رو سینه میت، صدا میزنه: لا تخف ولا تحزن... نترس، ما همه جا باهاتیم! بدنُ که دفن کردند، سوال کردم کردم آقا جان مگه شما اینُ می شناختی؟ شما تاحالاپاتونم به مرو نرسیده. فرمود: موسی! تو چرا این حرفُ می زنی؟ مگه نمی دونی کارنامه اعمال دوستان ما هفته ای دو مرتبه به ما عرضه میشه... [↑](#footnote-ref-35)
36. . مرحوم علامه مجلسی در حق الیقین آورده، می فرماید: وقتی مومن داره از دنیا میره، پیامبر خدا سمت راستش می شینه، امیرالمومنین سمت چپش می شینه، هی بشارت بهش میدند، تو یه گوشش پیغمبر میگه لا تخف، تو یه گوشش امیرالمومنین میگه لا تحزن نترس، ایشان می فرماید حضرت صدیقه طاهره هم میاد بالا سر این میت، امام حسن هم میاد، امام حسین هم میاد، همه ائمه طاهرین میان بالا سرش، امیرالمومنین به رسول خدا میگه: یا رسول الله! این از ماست، این محب ماست، بگو هواشُ داشته باشند. رسول خدا به جبرئیل میگه، جبرئیل به حضرت عزرائیل میگه: این محب علیه هواشُ داشته باش، عزرائیل از اون محتضر سوال میکنه، میگه: چی داری؟ مستمسکت چیه امروز؟ چی می خوای رو کنی؟ محتضر میگه: من فقط محبت امیرالمومنین و بچه هاشُ دارم، میگن انقدر عزرائیل باهاش مدارا میکنه، به راحتی جانشُ می گیره، نعمات بهشتی رُ نشونش میده، تو یه روایت آورده: پیغمبر بهش نشون میده. میگه نگاه کن دری از بهشتُ همون لحظه براش باز می کنند، بعد میگن اگه می خوای برگردی تو دنیا برگرد، هر چی هم از طلا و نقره هم بخوای، بهت می دیم. مومن میگه نه! دیگه من بر نمی گردم، اما اونی که محبت امیرالمومنین رُ نداره چی، امیرالمومنین به پیغمبر میگه این از ما نیست. پیغمبر به جبرئیل میگه، جبرئیل به حضرت عزرائیل می گه: چنان جانشُ به سختی می گیرند، از همون جا درهای آتش به روش باز میشه ... [↑](#footnote-ref-36)
37. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-37)
38. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-38)
39. . با نوای: حاج سعید حدادیان و محمد حسین حدادیان [↑](#footnote-ref-39)
40. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-40)
41. . با نوای: حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-41)
42. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-42)
43. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-43)
44. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-44)
45. . با نوای: احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-45)
46. . با نوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-46)
47. . با نوای: محمد کمیل [↑](#footnote-ref-47)
48. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-48)
49. . حسین قربانچه [↑](#footnote-ref-49)
50. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-50)
51. . حسن لطفی [↑](#footnote-ref-51)
52. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-52)
53. . اون مرد شامی هر چی تونست به امام حسن گفت، آقا دعوتش کرد تو خونش سر سفرش نشوندش، خرجی راهش رُ داد، از همه مهم تر فرمود: اگه رفیق تو این شهر نداری خودم رفیقت میشم... [↑](#footnote-ref-53)
54. . میگه دیدم پیر مردی با زبون آذری پشت دیوار بقیع، پنجره های بقیع رُ گرفته، یه چیزایی می گفت دیدم یه عده دارن باهاش گریه می کنند، گفتم چی می گه این آقا، گفت میگه آقا ما تو دهاتمون یه امام زاده داریم من و این زنم یه قالی برا اون امام زاده بافتیم، اگه به من اجازه بدن همه دار و ندارم رُ می فروشم، حداقل برات یه سایبان درست می کنم، انقدر قبرت آفتاب نخوره....

    کریم کاری بجز جود و کرم نداره آقام تو مدینه است ولی حرم نداره [↑](#footnote-ref-54)
55. . محسن حنیفی [↑](#footnote-ref-55)
56. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-56)
57. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-57)
58. . با نوای: ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-58)
59. . با نوای: حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-59)
60. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-60)
61. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-61)
62. . با نوای: روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-62)
63. . با نوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-63)
64. . با نوای: محسن عرب خالقی [↑](#footnote-ref-64)
65. . با نوای: ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-65)
66. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-66)
67. . با نوای: محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-67)
68. . با نوای: عباس طهماسب پور [↑](#footnote-ref-68)
69. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-69)
70. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-70)
71. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-71)
72. . خدا نیاره یه وقت ما جزء یه همچین آدمایی قرار بگیریم، امامشون سر داخل چاه می کرد، می گفت: خدا اینا لیاقت منُ ندارند، منُ از اینا بگیر، یه کسی که لیاقتشُ دارند بهشون بده. کسی که بی علی باشه، کسی که بر علیه علی باشه، لیاقتش مغیره ملعونه. [↑](#footnote-ref-72)
73. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-73)
74. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-74)
75. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-75)
76. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-76)
77. . با نوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-77)
78. . با نوای: حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-78)
79. . با نوای: ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-79)
80. . با نوای: محمد حسین حدادیان [↑](#footnote-ref-80)
81. . با نوای: حسین طاهری [↑](#footnote-ref-81)
82. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-82)
83. . با نوای: حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-83)
84. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-84)
85. . با نوای: حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-85)
86. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-86)
87. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-87)
88. . با نوای: حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-88)
89. . بابا غصه نخوری ها، خودم پرستاریت می کنم خودم، دورت می گردم؛ بابا سر مادر دیگه خبره شدم، بابا دیگه بلدم زخم ببندم... [↑](#footnote-ref-89)
90. . بابا غصه نخور، زخماتُ خودم می بندم، اما عجیبه این دنیا دنیای پستیه علی رُ شرمنده فاطمه کرد، فاطمه رُ خجالت زده علی کرد، زینبُ امشب شرمنده علی می کنه، فردا حسین شرمنده زینبه، ظهر عاشورا عباس خجالت زده خیمه هاست... [↑](#footnote-ref-90)
91. . امشب یتیمای کوفه جمع شدند در خونه امیرالمومنین، هی بابا بابا می کردند... علی جان کجا بودی گوشه خرابه شام... [↑](#footnote-ref-91)
92. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-92)
93. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-93)
94. . با نوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-94)
95. . با نوای: حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-95)
96. . با نوای: محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-96)
97. . با نوای: ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-97)
98. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-98)
99. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-99)
100. . با نوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-100)
101. . با نوای: حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-101)
102. . با نوای: حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-102)
103. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-103)
104. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-104)
105. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-105)
106. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-106)
107. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-107)
108. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-108)
109. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-109)
110. . با نوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-110)
111. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-111)
112. . با نوای: جواد مقدم [↑](#footnote-ref-112)
113. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-113)
114. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-114)
115. . با نوای: محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-115)
116. . با نوای: جواد مقدم [↑](#footnote-ref-116)
117. . با نوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-117)
118. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-118)
119. . با نوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-119)
120. . با نوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-120)
121. . با نوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-121)
122. . با نوای: محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-122)
123. . با نوای: محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-123)
124. . با نوای: روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-124)
125. . با نوای: احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-125)
126. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-126)
127. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-127)
128. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-128)
129. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-129)
130. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-130)
131. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-131)
132. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-132)
133. . همه رفتند، اون صدای نحیف و اون ناله بی رمقش بلند شد، دیدند گفت: عباس تو بیا پسرم! من با تو کار دارم عباس بیا، می دونی برای اولین بار کی گفت عباس بیا...

     عباس بیا که دور بستر غوغاست عباس بیا کنار حیدر زهراست

     عباس بیا باز حرم در خطر است عباس بیا رقیه بی بال و پر است

     عباس بیا دست سکینه بسته ست عباس بیا بازوی زینب بسته ست

     عباس بیا رباب از خواب گذشت عباس بیا سکینه از آب گذشت

     عباس بیا که عمه را آزردند عباس بیا سر علی را بردند [↑](#footnote-ref-133)
134. . با نوای: حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-134)
135. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-135)
136. . با نوای: حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-136)
137. . با نوای: حاج محمودکریمی [↑](#footnote-ref-137)
138. . با نوای: حاج محمودکریمی [↑](#footnote-ref-138)
139. . با نوای: حاج محمودکریمی [↑](#footnote-ref-139)
140. . با نوای: حاج محمودکریمی [↑](#footnote-ref-140)
141. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-141)
142. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-142)
143. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-143)
144. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-144)
145. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-145)
146. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-146)
147. . با نوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-147)
148. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-148)
149. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-149)
150. . با نوای: حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-150)
151. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-151)
152. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-152)
153. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-153)
154. . شما را از زمين آفريديم و به آن باز می گردانيم و بار ديگر از آن بيرون می آوريم. [↑](#footnote-ref-154)
155. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-155)
156. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-156)
157. . حیدر عمادی [↑](#footnote-ref-157)
158. . ایمان مقدم [↑](#footnote-ref-158)
159. . حیدر عمادی [↑](#footnote-ref-159)
160. . ایمان مقدم [↑](#footnote-ref-160)
161. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-161)